

صنعت

نشریه تخصصی ایران

سال اول شماره چهارم و پنجم تابستان و پاییز ۱۳۷۹
(تاریخ انتشار بیمن ۷۹) بهاء ۵۰۰۰ ریال

بزرگ بینی‌ها و محیط کوهستان
چشم‌انداز توسعه پایدار در منطقه آسیا و اقیانوسیه
حقوق بین‌الملل دریاها و حفاظت از محیط زیست دریایی
شیر ایرانی شکوه از دست رفته‌ی طبیعت ایران
استقرار استاندارد سیستم‌های مدیریت زیست محیطی



به نام پروردگار هستی بخش

فهرست

سرمقاله

۱ سخن سردبیر

سبزه اندیشی

۲ بزرگ بینی‌ها و محیط کوهستان / عباس محمدی

۶ چشم انداز توسعه پایدار ... / مترجم محمدهادی دریایی

۱۱ نامه‌ای به بانک جهانی / جبهه سبز ایران

حیات وحش

۱۴ شیر ایرانی / علی عقیلی

۱۹ تاثیر تابش اشعه ماورای بنفش ... / مترجم لادن صاعدی

آب، خاک، هوا

۲۴ تالاب انزلی / نستر ن روحانی فرد

ایران سرزمین یگانه

۳۰ غار و مجموعه آبشارهای شیر آباد / مضافعلی قائمی

حقوق محیط زیست

۳۲ حقوق بین الملل دریاها و حفاظت ... / دکتر قاسم زمانی

۳۹ ایزو ۱۴۰۰۰ ضرورت‌ها، پیامدهای منفی / فرشاد لویزه

بازتاب

۴۴ تجارت خنک کننده‌ها ... / مترجم آرش رزمخواه

۴۶ ایجاد حفره‌های بزرگ در لایه ازن / مترجم امید قراچورلو

۴۸ بی‌رنگ شدن مرجان‌ها ... / مترجم ویدا باقریان

واژه‌های سبزه

۵۰ یادای از احمد شاملو

۵۱ کلاغ و کتانی / اسماعیل عباسی

فصلی که گذشت

۵۳ گزارش فعالیت‌های تابستان و پاییز / دکتر سیامک معطری



صاحب امتیاز: جبهه سبز ایران

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر جمال معینی

مدیر اجرایی و مشاور سردبیر: دکتر ابوالفضل وطن پرست

مسئول امور فنی و صفحه‌آرا: افشین خردادیان

ویراستار: پگاه امیردیوانی

بخش انگلیسی: لیلیا رستگار

حروفچین: آزاده کریمیان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

شرکت چاپ و انتشارات آوام

سایر همکاران تحریریه و اجرایی:

سلوی آسفی، پدرام سالمی، امید قراچورلو

آدرس پستی: تهران صندوق پستی ۳۱۴-۱۴۵۶۵

تلفن: ۸۷۴۱۵۸۶-۸۷۴۱۵۸۷ / نامبر: ۸۷۳۸۱۴۲

پست الکترونیک: Magazin@GreenFront.org

صلح سبز آماده دریافت مقالات، گزارش‌ها، عکس و ... از

شماست. مقالات ارسال باز گردانده نمی‌شود. فصلنامه

صلح سبز در حکم و اصلاح مطالب آزاد است. مطالب

عنوان شده در مقالات ارسال الزاماً نظر فصلنامه نیست.

ارسال اصل مقالات ترجمه شده الزامی است. درج منابع و

مآخذ مقالات الزامی است.

صلح سبز آماده است آگهی تبلیغاتی شرکت‌ها، سازمان‌ها و مراکزی که با اهداف و اصول جبهه سبز ایران مقابرت نداشته و استانداردهای زیست محیطی را رعایت کرده باشند، را دریافت کند.

به منظور کسب اطلاع بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۷۴۱۵۸۷ - ۸۷۴۱۵۸۶ تماس حاصل فرمایید.

سخن سردبیر

تلاش در عرصه‌های تعریف نشده و پر رمز و رازی همانند عرصه‌های زیست محیطی چه به عنوان موضوعاتی اجتماعی و عمل‌گرایانه و چه در حوزه‌های نظری و اندیشمندانه، بیش از آنکه فعالیت‌های معطوف به امید باشد، نیازمند ایمانی ژرف و استومند است.

در حوزه حرکت‌های اجتماعی، موضوعات مربوط به محیط زیست ظرفیت بالایی برای غلظیدن در دام احساسات‌گرایی عوامانه سطحی‌نگری را دارند که اینگونه فعالیت‌ها را تا سطح حرکتی فتنی و تفریحی در میان افراد کم‌دردتر اجتماع پایین می‌کشد. از سوی دیگر به دلیل مبانی نظری بسیار ضعیف، شکل این نوع اعمال غالباً از اشکال نمادین و روزمره فراتر نمی‌رود.

طبق تجربه چند دهه اخیر در بسیاری از کشورهای پیرامونی این نوع تحرکات اجتماعی در مرحله گسترش میان توده‌ها عموماً ناکام و نیمه تمام مانده‌اند. شاید بدیهی‌ترین دلیل برای این وضعیت عدم وجود باور عمومی به اولویت‌دار بودن این موضوعات در برابر بسیاری از مسائل ریز و درشت‌گرایانگیز این جوامع باشد اما واقعیت پنهان در اغلب این جوامع این اتفاق ساده است که اغلب فعالان نامدار و گمنام در این عرصه، خود این موضوع را به عنوان یک اولویت تام و یک امر جدی بدون جان‌نشین باور نکرده‌اند. نوع بحث‌ها، راهکارهای پیشنهادی، استراتژی‌ها و عملکردهای افراد و گروه‌های مختلف را در سرزمین خودمان یک بار دیگر بررسی کنیم.

غالب دایعه‌داران بنام این عرصه، طبیعت دوستانی ساده‌دل هستند که خاطرات شکارهای گوناگونشان دفتر قطور افتخارشان را پر کرده است و با صاحبان سواد هستند که از سر اتفاق گذشتان به پشت میزهای دانشگاهی رشته‌های مربوطه افتاده. همچون اکثر قواعد، وجود استثنایی استادان و دغدغه‌مندان پراکنده در این سرزمین امری قابل انتظار و بدیهی است و شاید مهمترین دلگرمی فعالان جدی مسائل زیست محیطی وجود همین فرهیختگان اندک باشد.

اما در هیاهوی رفتارهای ساده‌انگارانه و عاری از دانایی خیل طبیعت دوست و زیست‌های شبه روشنفکرانه، گوشه‌گیری‌ها و فعالیت‌های پراکنده در حواشی دانش کاربردی از سوی بیشتر اهالی دانشگاهی و مراکز مرتبط با موضوع، شرایط و جایگاه مناسبی برای آن محدود نفرت نیز وجود نخواهد داشت تا دست به ساختن قالب‌های مبتنی بر دانش‌های اصیل و شرایط بومی بزنند. هر چند، ضعف دانش محض در حوزه‌های زیست بوم‌شناختی، موضوعی خاص سرزمین ما نیست و به دلایل بی‌شمار از جمله تازه به نظر آمدن بحران‌های زیست محیطی، فراموشی عمدی و سهوی نظریه‌پردازان پیشین و یا دشواری تولید این‌گونه دانش در این عرصه، سبزه‌اندیشی به عنوان یک نظام فکری مشخص با مرزبندی‌های روشن نسبت به سایر نظام‌ها و با اهداف و الگوهای تعریف شده تاکنون وجود نداشته است.

به گفته 'دک و آل' در کتاب رسیدن به مقصود 'حرکت سبزه‌ها، نظریه‌پردازان بزرگ خودش را ندارد آن‌ها نیازمند نظریات بنیادین‌اند باید حرفشان، هم در باب وسایل و هم اهداف روشن باشد، باید خوب به این موضوع فکر کنند که ما قرار است چگونه به جامعه‌های سبز برسیم.' نوع حرکتی که در نیم قرن اخیر و پس از جنگ جهانی دوم و عمدتاً در حوزه تمدن غرب با عنوان حرکت سبز به وقوع پیوسته بیشتر از آنکه کنش‌هایی خودانگیزانه و برخاسته از اندیشه‌ورزی مدون باشد واکنش‌هایی موردی و احیاناً موضوعی به خطاهای بسیار این تمدن در برخورد با محیط زیست و زیست کره بوده است و در این راه عموماً افراد و گروه‌های مختلف در اقلیم‌های گوناگون از نظریات مختلفی برای تعیین روش‌ها و مدل‌های خود وام گرفته‌اند. اما پیشرفت شگرف دانش‌های تجربی درباره مسائل محیط زیست و گسترش رسانه‌های مختلف و چرخه سریع و گسترده اطلاعات موجب آن شده است که تا حد بالایی حرکت این گروه‌ها از شکل و جهت نسبتاً مشخصی بهره‌مند گردد و خلاصه موجود در بنیان‌های نظری نمود کمتری داشته باشد. اما ضعف دانش محض به صورت عمومی همراه با تهمی بودن تقریبی ذخایر دانش تجربی در سرزمین ما خلاصه عظیمی را ایجاد کرده است که نتیجه آن بسط نگرش‌هایی سطحی‌نگر و باورهای ناپخته و خام است و منجر به رفتارهایی بسیار ابتدایی، بی‌نتیجه و در بسیاری مواقع مضر یا مخرب شده است و این در حالی است که اصیل‌ترین و غنی‌ترین ذخایر اندیشه سبز در فرهنگ اسلامی و ایرانی سرزمین ما نهفته است. ما نیازمند آئیم که با شناخت دقیق و واقع‌نگرانه شرایط بومی خود و با تکیه بر تجربیات و ذخایر چند هزار ساله خویش و با استفاده درست و موثر از آنچه بشر معاصر با پرداخت توان‌های سنگینی طی چند سده اخیر به دست‌یابی‌شان نایل آمده، با صرف انرژی بسیار که توان ایرانی ما مطمئناً حوصله آن را خواهد داشت، به بنای نظام فکری با اهداف مشخص و روشن و روش‌های مطمئن و راهبردی در حوزه اندیشه سبز بپردازیم.

خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم
شطح و طامات به بازار خرافات بریم
تا همه خلوتیان جام صبحی گیرند
چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم
ور نهی در ره ما خار ملامت زاهد
از گنستانش به زندان مکافات بریم
شرمان باد هم از خرقه آلوده خویش
گر بدین فضل و هنر نام 'کرامات' بریم

بزرگ‌بینی‌ها و محیط کوهستان

عباس محمدی
(از موسسین گروه کوهنوردان آرش)



مکس: قدرت‌اله کسرتیان

عیب کسی که به بیماری خودبزرگ‌بینی مبتلاست تنها این نیست که در برآورد توانایی‌های خود زیاده‌روی می‌کند، بلکه درد این است که چنین کسی غالباً دیگران را به نظر تحقیر می‌نگرد تا جایی که در شدیدترین حالت بیماری ممکن است اصلاً وجود دیگران (اطرافیان، جامعه، حتی کائنات) را غرض‌وروی یا زاید بشمارد. در این حالت بیمار می‌تواند به شدت به دیگران آسیب برساند؛ درجه این آسیب‌رسانی بستگی به قدرت و حیطه نفوذ فرد دارد. کسی که صاحب قدرت و خودبزرگ‌بینی باشد، دچار تفرعن می‌شود. کسی که توانایی نداشته باشد و خودبزرگ‌بین باشد، از پیشرفت بازمی‌ماند. در گونه‌های دیگر از این بیماری، شخص نه نسبت به ذات خود بلکه در مورد داشته‌های مادی خود مبالغه می‌کند. یعنی در خصوص دارایی‌های خود دچار بزرگ‌بینی می‌شود و در استفاده از آنها چنان افراط می‌کند که این دارایی‌ها به سرعت رو به زوال می‌روند.

کوهنوردی و محیط‌زیست رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. البته محیط‌زیست با تمامی جلوه‌های زندگی بشر ارتباط دارد، چرا که بستر تمامی فعالیت‌های انسانی همین محیط است. محیط‌های طبیعی بخش مهمی از هر سرزمین را تشکیل

تمامی طبیعت باید در خدمت آنان باشد، آن هم نه برای جامعه انسانی امروز و فردا - بلکه برای خود شخص. اینکه آدمیان از جنگل و کوه و دشت و دریا چنین بی‌ملاحظه استفاده کرده و جانوران را با انواع صفت‌های ناپسند وصف می‌کنند (گرگ بدجنس، مار موزی، کبک احمق، خرس غیرقابل اعتماد...) یا خاصیت آنها را فقط در پر کردن شکم خود می‌بینند (کل و بز و قوچ و میش و گوزن و ... را «شکار» می‌نامند) همه از همان دید متفرعن نشأت می‌گیرد.

کوهنوردان هم با وجود حس طبیعت‌دوستی که غالباً در ذاتشان وجود دارد، از این قاعده مستثنا نیستند؛ آنان کوه را برای کوهنوردی می‌خواهند و از صعود قلعه‌ها به‌عنوان «فتح» یاد می‌کنند و «قلعه» پر دشوارترین گذرگاه‌های کوهستانی را وظیفه خود می‌دانند و شرف کوهستان را در این می‌دانند که قدمگاه آنان است!

طرح برنامه پناهگاه‌سازی و جاده‌کشی در غرب دماوند، در برابر گفته نگارنده که این کار اولاً به طبیعت منطقه آسیب می‌رساند و ثانیاً مسیر را برای همگان و به صورت انبوه قابل دسترسی می‌کند و در نتیجه ارزش کوهنوردی آن منطقه نیز کم می‌شود، اظهار می‌کرد که این، بیش از انحصارطلبانه‌ای است و شما می‌خواهید انبوه مردم را از پیمودن این مسیر محروم کنید! یعنی اساساً برای کوه‌ها خاصیتی جز لگدکوب شدن در زیر پای خلاق قابل نیستند. بگذریم که آن پیش‌بینی حتی انحصارطلبانه‌تر هم هست، چرا که حق آیندگان را - که قطعاً بسیار بیشتر از افراد نسل حاضرند - در استفاده از کوه مورد نظر نادیده می‌گیرد.

از الگوی دیگر خودبزرگ‌بینی که عبارت از تفاخر غیرواقعی‌بانه به داشته‌های خود می‌باشد، نیز می‌توان مثال‌هایی آورد. دکتر حجت یکی از مسئولان سازمان حفاظت محیط‌زیست در همایشی اظهار می‌کرد که بچه‌های ما از ابتدا در کتاب‌های درسی می‌خوانند یا از زبان بزرگ‌نمها می‌شنوند که ایران سرزمینی وسیع است که در آن ثروت‌های

طبیعی بی‌شماری نهفته است. اما در ژاپن به بچه‌ها می‌گویند که ما سرزمینی کوچک داریم و باید از هر ذره امکانات آن درست استفاده کنیم و چیزی را هدر ندهیم. نتیجه روش تربیتی ما این است که جامعه‌های اهل ریخت و پاش می‌سازیم که در آن همه افراد خود را از طبیعت طلبکار می‌دانند و می‌پندارند که یک مسئول مملکتی خوب کسی است که در حیطه اختیار خود سهم هر کس را از نعمتهای خدادادی درست بپردازد! این تربیت در کنار عواملی که مجموعاً باعث بدبینی تاریخی بیشتر مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی شده، کار را به آنجا کشانده که کمتر کسی حاضر است وظیفه فردی خود را در قبال محیط ادا کند. چه بسیار طرح‌های حفاظتی خوش پرداخت و سنجیده که در

جلوه‌های خودبزرگ‌بینی را نه تنها در روابط اجتماعی (رابطه انسان با

انسان)، بلکه در کنش انسان با طبیعت هم می‌توان دید. تقریباً همه

انسان‌ها نسبت به طبیعت چنین دیدی دارند و می‌پندارند که تمامی

طبیعت باید در خدمت آنان باشد، آن هم نه برای جامعه‌ی انسانی

امروز و فردا - بلکه برای خود شخص.

ایران رفته باز دارد و نیز توقع آنان را از کوه و دشت مملکت بیش از پیش بالا ببرد. سخن نزدیک‌تر به واقع را شاید دکتر مایکل اسمارت نماینده اتحادیه جهانی حفاظت و مشاور طرح حفاظت از تنوع زیستی کشور (در میان دیگر سخنان متداول شد. دیپلماتیک) گفته باشد که «ایران نقش مهمی در منطقه خاورمیانه دارد.

در زمینه کوهنوردی به یاد دارم که سال‌ها به ما می‌گفتند دیواره علم‌کوه چهارمین و به گفته برخی دیگر، ششمین دیواره بلند یا دشوار جهان است و حتی کوهنورد با سابقه‌ای که مطالعاتی (۱) هم داشت، با ذکر نام سه دیواره اول (به زعم او) گراوند ژوراس، ایگر، متروژن دیواره علم‌کوه را «دقیقاً»



صلح سبزه‌سار چهارم رستم

در رده چهارم این طبقه بندی خود ساخته، قرار داده است. و لابد همه خوانندگان این یادداشت بارها و بارها در مورد کثرت و تنوع بی نظیر کوه های ایران در نوشته ها و سخنرانی ها و اخیراً در برنامه های تلویزیونی مطالبی شنیده اند. نتیجه این سخنان نسنجیده چه بوده است؟ به نظر من دامن زدن به غفلت و خطاهایی که در کشور ما همه گیر است؛ هجوم همه جانبه به عرصه های طبیعی که مثلاً در یک مورد منتج به ارائه ی طرح تأمین کاغذ روزنامه مورد نیاز کشور از جنگل های شمال می شود و در موردی دیگر با قرار دادن عکسی از سواحل اقیانوس آرام در آگهی تبلیغ فروش زمین های اطراف دریاچه کوچک و لشت، اعلام کشف «بهشت گم شده» را می کنند.

در کوهنوردی، هر مدیر کارخانه و اداره ای برای نمایش اوج علاقه خود به ورزش، بودجه ساخت یک پناهگاه کوهنوردی را تقبل می کند یا هیئت های کوهنوردی، دسته های چند صد نفری را به کوه می فرستند.

اشتباه نشود! نه می خواهم ارزش گنجینه های طبیعی را که در کشور داریم، کم نشان دهم و نه مخالف همگانی شدن ورزش کوهنوردی هستم. اما شدیداً معتقدم که باید نگرش هایمان را به کلی دگرگون کنیم. در زمینه طبیعت بطور کلی، به جای ارائه ی تصاویر زیبایی از زیبایی و تنوع زمینی و آب و هوایی کشور، باید همگان را از آنچه که از دست داده ایم آگاه کنیم. باید بگوییم که تمامی جنگل های گلگه ای کشور نابود شده اند و آماری که گویا مربوط به پیش از جنگ جهانی دوم و حاکی از وجود دوازده میلیون هکتار جنگل در غرب کشور و بیش از سه میلیون هکتار جنگل در شمال می باشد، به کلی بی معنا است. در هیچ نقطه ای از دشت ها و کوهستان های صعب العبور غرب هم چیزی که بتوان آن را به مفهوم دقیق کلمه «جنگل» نامید وجود ندارد؛ سرسبزترین کوه های اورمان، بلوچستان هایی است که تاج درختان آن به ندرت به هم می رسد و هر تک درختی بر اثر شدت شاعزنی از شکل افتاده و زمین زیر آن، لگدکوب صدها بز و گوسفند است که مجال نوزایی را نمی دهند. در مورد جنگل های شمال، اگر مطابق آنچه که در آخرین سال های پیش از انقلاب در کتاب های درسی دانشگاه و ... می خواندیم (و هنوز هم همان آمارها تکرار می شود) در حدود سه میلیون هکتار جنگل داشتیم، امروز به استناد مشاهدات مستقیم خود و مقایسه امروز و آن روز به جرات می توانیم بگوییم که نیمی از این جنگل ها از میان رفته اند. باید به مردم بگوییم که دشت ها و کوه هایمان - حتی عرصه مناطق حفاظت شده و

پارک های ملی - جولانگاه ساخت و سازهای بی حساب و سودجویانه شده و دریاهای شمال و جنوب کشور آفتقر آورده شده اند که گاه در گوشت ماهیان آن طعم نفت احساس می شود و بنا به یک روایت، نود درصد مرجان های اطراف جزیره کیش نابود شده اند و می توان با قاطعیت گفت: «در دنیای امروز دیگر کسی برای دیدن مثلاً چندمین سد خاکی بزرگ دنیا یا چندمین برج بلند جهان و جاده ای که از وسط دریاچه ای می گذرد، به کشور ما نخواهد آمد.» اما اگر محیط های طبیعی مان را حفظ کنیم و به زیاد شدن جمعیت وحوش کمک نماییم و مدیریت درستی بر محیط زیست کشور داشته باشیم، ممکن است علاقه مندان بسیاری را جذب کنیم.

اما در زمینه کوهنوردی باید عامل مهمی را در نفس این کار (ethics of climbing) وارد کنیم: احترام به طبیعت. سال هاست که صعود به یک قله یا یک مسیر «به هر ترتیب ممکن» بی ارزش تلقی می شود اکنون نیز باید صعود به کوه ها را بدون ملاحظات زیست محیطی، بی ارزش یا حتی ضد کوهنوردی تلقی کرد. کوهنوردان نباید به خیل بهره برداران از طبیعت، بلکه باید به جمع دل نگرانان طبیعت پیوندند. آنان باید با هر گامی که به کوهستان می نهند، با خود بیندیشند که برای حفظ و بهتر شدن وضع طبیعی این آخرین محیط های طبیعی چه باید بکنند. باید پیش و بیش از آنکه سودای همگانی کردن ورزش کوهنوردی را داشته باشند، در اندیشه گسترش فرهنگ کوه دوستی باشند؛ نباید کسی پیش از آنکه از یک حداقل آگاهی زیست محیطی برخوردار شده، پای بر کوه بگذارد. گروه های کوهنوردی، هیئت ها و کسبه های آموزشی و فنی فدراسیون کوهنوردی



باید کانون های اشاعه و تقویت وجدان طبیعت دوستی باشند و به نوآمدگان برای کوهپیمایی بیاموزند که «زمین ورزش» آنان حاصل کار چند میلیون ساله طبیعت است و در صورت تخریب قابل بازسازی نیست. به عنوان چند پیشنهاد مشخص تر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - برنامه های کوهنوردی و کوه گردی در دسته های کوچک (تا ۶ - ۵ نفر) اجرا شود و سیاست «چیزی بر جای نگذارید و چیزی برنگیرید جز عکس» با وسواس به کار گرفته شود.

۲ - به جای اجرای برنامه های «متاسی» و «سراسری» چند صد نفره در کوه، می توان با همایش در یک روستا یا دامنه کوهپایه با هموردان دیدار کرد، یا راه پیمایی هایی در جاده های خلوت کوهستانی انجام داد.

۳ - ضمن مقابله با طرح های ساخت و ساز در کوهستان و مسکونی نمودن محیط های کوهستانی، خود نیز از پناهگاه سازی و ثابت گذاری در کوهستان خودداری کنیم.

۴ - صعودهای ورزشی و مسابقه ها را وارد محیط های طبیعی نکنیم.

۵ - تا جایی که ممکن است (مثلاً در فصول زود و ولد) از ورود به نقاط خاصی که محل زیست جانوران حساس است، خودداری کنیم. باید توجه داشت که اگر محدوده زیست بعضی از جانوران مورد تجاوز قرار گیرد، زادآوری آنها مختل می شود. در این مورد و در چهار مورد بالا

باید حساسیت ویژه ای نسبت به محیط های با ارزش مانند مناطق حفاظت شده و پارک های ملی داشت.

۶ - می توان با ساماندهی محیط کوهستان هایی که در نزدیکی شهرهای بزرگ، به محل رفت و آمد خیل قابل توجه کوهپیمایان بدل شده اند (مانند توجال در تهران، الوند در همدان، صفه در اصفهان، ایبدر در مستندج و ...) این مناطق را به فرستگاهی از نوع دیگر؛ برای گیاهان و جانوران تبدیل کرد. به این معنا که اگر طی سالیان گذشته وجود انسان سبب شکار و بوت هکتی و سوزاندن درختان می شده، اکنون با اشاعه فرهنگ زیست محیطی و با نظارت خود انسان، از شکار و تخریب و آلوده سازی جلوگیری شود. بویژه که بعضی از جانوران (مانند کل و بز) اگر از جانب آدمیان احساس خطر نکنند، به طور نسبی با انسان همزیست می شوند. در چنین مناطقی شوره های شهر و شهرداری ها به راحتی می توانند با دادن معوض یا دیگر جبرانهای مالی، از ورود دامداران جلوگیری کنند. همچنین می توانند مسیرهای راهپیمایی همگانی را با سنگ چین های متناسب با محیط طبیعی، حفاظت کنند تا از

فرسایش ناشی از بیراهه رفتن و میان برد زدن راهپیمایان جلوگیری شود.

۷ - کوهنوردان می توانند دیده بانان محیط های کوهستانی باشند؛ آنان می توانند تصرف های غیرمجاز یا غیراصولی را گزارش دهند، مانع شکارهای غیرمجاز شوند، حامل پیام های زیست محیطی برای کسانی باشند که به کوه می روند یا در کوه زندگی می کنند و پیشنهاد دهنده تبدیل مناطق با ارزش به منطقه حفاظت شده یا پارک ملی باشند.

۸ - مقامات رسمی، داوران ارزش گذاری، گزارش نویسندگان و منتقدان برنامه های کوهنوردی باید در تعیین ارزش یک برنامه، توجه ویژه ای به رویکردهای زیست محیطی اجرا کنندگان برنامه داشته باشند. صعودهای تمیز (clean climbs) در مقابل صعودهای پر ابزار، صعودهای سبک بار در مقابل صعودهای محاصره ای (siege tactics)، برنامه ای جمع و جور در مقابل برنامه های چند نفره، صعودهای کم هزینه در مقابل صعودهای پر ریخت و پاش - از ارزش بیشتری برخوردارند.

منابع:

۹ - بطور خلاصه، کوهنوردان هم باید خودبزرگ بینی را کنار بگذارند و در برابر طبیعت که کوهستان جلوه باشکوهی از آن است، فروتن باشند. در عین حال همه باید بدانیم که دیگر محیطی عظیم و سرشار از امکانات طبیعی نداریم، بلکه گنجینه هایی محدود در گوشه و کنار کشور داریم که کوچک و آسیب پذیرند و حفاظت از آنها وظیفه همه ماست.

- ۱ - محمد بهمن بیگی در داستان «ملاپرام» از مجموعه به نظای من، ایل من، گوشه ای از این ماجرا را خوب تصویر کرده است. ضمن آنکه می توان دودی خود او را درباره موضوع، برخورد نمونه دار تحصیل کرده گان ایرانی با چنین فضایی دانست.
- ۲ - قاضی دکتراصفهر روزنامه مشعری، خرداد ۱۳۷۸.
- ۳ - مجله طبیعت، شماره ی سوم، آذر ۱۳۷۷.
- ۴ - روزنامه مشعری، ۱۹ خرداد ۱۳۷۸.
- ۵ - این مطلب را چندین پیش تهیه کننده سرال تلویزیونی حسن برتر که برای تهیه فیلم از طبیعت ایران به کشور ما آمده بود، بیان کرد.

چشم‌انداز توسعه پایدار در منطقه‌ی آسیا و اقیانوسیه

مترجم: محمد هادی دریایی

توسعه پایدار را شاید بتوان در خلاصه‌ترین شکل به عنوان نظامی مبتنی بر عدالت محض تعریف کرد، نظامی عادلانه که در استفاده از منابع محدود کره زمین توسط نسل حاضر هیچ خنده‌ای به نوزادان نسل پسین برای استفاده از این منابع وارد نسازد. بر اساس این تعریف توسعه پایدار برخورد انسان با منابع را در محدوده‌ای فراتر از واحدهای کوچک ملی، منطقه‌ای و حتی قاره‌ای مد نظر قرار می‌دهد و به واحدی عمومی‌تر به نام زمین اشاره می‌کند. به گفته هارلم بروتلاند نخست وزیر پیشین نروژ برای اتخاذ تصمیمات اساسی در این زمینه، نباید دولت‌ها را تنها نهاد مسئول به شمار آورد، ما به چارچوبی بین‌المللی نیازمندیم تا در محدوده آن از طرف خود و آیندگان تصمیم بگیریم دوره‌ای که دولت ملی در گذشته امور جهانی محور تصمیم‌گیری بود به سر رسیده است. امروزه عامل جدید این است که دیگر دولت ملی کافی نیست و باید از بخشی از اقتدار ملی سستی برداشت. منظور از این حرف این نیست که توانایی ما به عنوان آحاد ملت‌های مختلفی که در آینده خود نقش موثری دارند نفی شده، بلکه به این معناست که بخشی از آن قدرت را روی ما بگذاریم تا بتوانیم مسئولانه از مسائلی مشترکی مواظبت کنیم که هیچ یک از دولت‌ها به تنهایی از عهده آن برنی‌آیند.

بیش سبزانديش فصلنامه صلح سبز هر گونه چالش نظری در خصوص مفهوم توسعه پایدار و مدل‌های عملیاتی آن را به عنوان یکی از مهمترین موضوعات در این حیطه مد نظر دارد. بر این اعتقادیم که در این مسیر باید گفتارهای گوناگون از سوی افراد و گروه‌های مختلف به دقت شنیده شود و مورد بررسی قرار گیرد. مقاله حاضر نوشته‌ی آقای امیل سلیم وزیر سابق محیط زیست اندونزی است. بدون در نظر گرفتن اینکه چه میزان از موضوعات مطرح شده در این مقاله با نظرات گردانندگان صلح سبز همخوانی دارد، به نظر می‌رسد گفتوگو باب گفت و شنودهای ملی برای اتخاذ تصمیمات اساسی در خصوص زیست کره، راه حل متفاوتی برای رسیدن به توسعه پایدار و زمینی سبز است.

بیش سبزانديش

توسعه اقتصادی آسیا براساس الگوهای رایجی بوده است که شامل مشخصه‌های ثابت اقتصاد کلان، تورم پایین و نقش مرکزی شرکت‌های خصوصی می‌باشد. با وجود این، توسعه ساختار اجتماعی بیشتر کشورهای منطقه را به شدت تغییر داده و بر این اساس چالش‌های جدیدی به وقوع پیوسته است.

بزرگترین چالش خطر فرآیندهای است که محیط زیست و ایجاد اقتصاد پایدار را تهدید می‌کند. کمسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (ESCAP) می‌تواند نقش بزرگی در مواجهه با این چالش از طریق همکاری‌های منطقه‌ای ایفاء نماید.

پنجاه سال پیش آسیا در بحران به سر می‌برد، بیشتر کشورهای درگیر جنگ بودند و برای کسب استقلال می‌جنگیدند، درحالی که بسیاری از کشورهای دیگر می‌بایست عمران و بازسازی تخریب‌های به جا مانده از جنگ را شروع می‌کردند. در آن زمان اروپا مرکز

توسعه جهانی و آسیا درحاشیه‌ی توسعه جهانی در شرق دور محسوب می‌شد. امروزه آسیا و اقیانوسیه در مرکز توسعه جهانی قرار دارند و بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی و نزدیک به نیمی از صادرات جهان را به خود اختصاص داده‌اند و میزان نیمی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جهان هستند. آسیا و اقیانوسیه پویاترین منطقه جهانند و ممکن است بخشی نیروی رهبری کننده توسعه جهانی شوند. این دستاوردها کم و بیش با پیروی اندک از الگوهای رایج توسعه به همراه مشخصه‌هایی که در پایین توضیح داده شده، حاصل شده‌اند.

مشخصه‌های الگوی توسعه آسیا

۱- توسعه، حصول و نتیجه‌ی ترکیب

سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی در بخش‌های

می‌بایستی و مولد است، همچنانکه رقابت توسط

بازارهای آزاد اعمال می‌شود. دولت مسئول حفظ

ثبات اقتصاد کلان توام با تورم پایین بوده است. اگر در آغاز دولتها و شرکتهای دولتی نقش رهبری را ایفا می‌کردند، اکنون شرکتهای خصوصی به تدریج جانشین بخش دولتی شده و شروع به ایفای یک نقش مهم و فزاینده در فرآیند توسعه نموده‌اند. ایدئولوژی‌های مستحکم توسعه درحال کنترنگ‌تر شدن هستند و رفته رفته به پیش زمینه‌ای برای مکب اصالت عمل (Pragmatism) تبدیل می‌شوند.

۲- توسعه، ساختار اجتماعی و اقتصادی این کشورها را تغییر داده است. اگر در آغاز بیشتر کشورهای آسیا و اقیانوسیه تولید کننده، مواد خام بخشهای اقتصادی، کشاورزی و معادن بودند، اکنون بیشتر آنها نظام اقتصادی خود را طی پنجاه سال گذشته، به نظام‌های اقتصادی مبتنی بر کشاورزی، معادن، صنعت و بخش خدمات تغییر داده‌اند. تحولات ساختاری اقتصادی منجر به تحولات ساختاری اجتماعی شده است و گروه‌های اجتماعی نوینی متشکل از طبقات متوسط، صاحبان حرف، بازرگان و صاحبان مشاغل پدیدار شده‌اند.

۳- فرآیند توسعه میزان مرگ و میر را کاهش و امید به زندگی را افزایش داده است و به تبع آن جمعیت نیز افزایش یافته است. بیش از نیمی از جمعیت جهان ساکن منطقه آسیا و اقیانوسیه هستند. رشد جمعیت با صنعتی شدن و شهرنشینی همراه بوده است شهرهای بزرگ پدیدار شده‌اند، اما همچنان کساد و رکود روستا، مهاجران را روانه‌ی شهرها کرده و آنها را در زیستگاه‌های پست و زاغه‌ها ساکن نموده است.

۴- منافع شخصی، توسعه را متوجه خود کرده است. اجتماعی که در جوامع روستایی وجود داشته است، جای خود را به اصالت فردی (Individualism) داده است. از انسجام جامعه کاسته شده و با گسسته شدن خانواده‌های گسترده و تشکیل خانواده‌های هسته‌ای، ارتباطات گسترده بین فردی رو به نزول نهاده است.

البته ویژگی‌های دیگری از الگوهای رایج توسعه وجود دارند. با این حال برای بررسی حاضر، مشخصه‌هایی که در بالا ذکر شده‌اند جهت نشان دادن طبیعت توسعه منطقه آسیا و اقیانوسیه کافیست. این الگو دارای معانی ضمنی است که در پایین در مورد آن به بحث می‌پردازیم.

گرچه وجود بازارهای آزاد و رقابت مفید است، اما توجه به این نکته ضروری است که در بیشتر کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه، کشاورزان جزء و شرکتهای کوچک قادر به رقابت با توانمندان

مصرفند. آسیایی‌ها به داشتن اعتقادات مذهبی قوی مشهورند و بر ارتباط هماهنگ بین انسان و جامعه، انسان و طبیعت و انسان و آفریدگار تأکید دارند. لذا توسعه باید باعث کنارگذاشتن و حذف چنین اعتقادات مذهبی متحکم می‌شود.

سرانجام، دموکراسی سیاسی که افراد در آن قدرت سیاسی برای دادن رای دارند باید با دموکراسی اقتصادی که در آن افراد اجتماع از قدرت اقتصادی برابر برخوردارند همراه باشد. در صورت نبودن دموکراسی اقتصادی، قدرتهای سیاسی توسط افرادی که دارای قدرت اقتصادی هستند گرفته خواهد شد.

بیش از نیمی از جمعیت جهان ساکن منطقه آسیا و

اقیانوسیه هستند. رشد جمعیت با صنعتی شدن و شهرنشینی

همراه بوده است. شهرهای بزرگ پدیدار شده‌اند، اما

همچنان کساد و رکود روستا، مهاجران را روانه‌ی

شهرها کرده و آنها را در زیستگاه‌های پست و زاغه‌ها

ساکن نموده است.

بدون دموکراسی اقتصادی وجود دموکراسی سیاسی حقیقی و اصل غیرممکن خواهد بود. بر اساس شواهد فوق‌الذکر، کاملاً آشکار است که الگوی رایج توسعه برای کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه کاملاً مناسب نیست.

آنچه از پیش مشخص شده، مبین این حقیقت است که به مولفه‌های زیست محیطی توجه کمی شده است و در مفهوم توسعه، جایگاهی برای محیط زیست وجود ندارد. توسعه و محیط زیست به صورت دو مقوله مجزا و متفاوت عمل می‌کنند و به مسئله محیط زیست فقط پس از ایجاد توسعه پرداخته می‌شود. از جمعیت، مواد و انحطاط محیط‌زیست عنوان اثرات جانبی توسعه یاد می‌شود و می‌توان گفت که کاهش منابع طبیعی و انحطاط محیط‌زیست همراه با فرآیند توسعه به وقوع پیوسته‌اند. گستره‌ی ویرانی زیست محیطی محدود به مرزهای ملی یک کشور نیست بلکه تا آن سوی مرزها گسترش یافته و جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

منابع ملی همچون آب، زمین، هوا، جنگل‌ها، دریاها و معادن مورد بهره‌برداری بیش از حد وسوء استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین توسعه تأثیر منفی بر محیط‌زیست گذارده است؛ رودها، دریاها، زمین، هوا

توسعه، توام با یکپارچگی و متناسب با حقوق عمومی و ملاحظات زیست محیطی می‌باشد. ساختار در حال تحول اجتماعی و اقتصادی، نیازمند سرمایه‌گذاری انبوه در امر ظرفیت‌سازی (capacity-building) است. همچنین نیازمند حذف نظارت دولت برای خلق زمینه‌های بیشتر خلاقیت بازیگران گوناگون در عرصه توسعه است تا با فراهم آمدن آزادی عمل بیشتری برای آنها، بتوانند در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی مشارکت داشته باشند. در ساخت و ترکیب ظرفیت‌های بازیگران گوناگون در عرصه توسعه، گنجاندن دورنماهای زیست محیطی بسیارحایز اهمیت است تا تحولات ساختاری به نفع ملاحظات زیست محیطی صورت پذیرد.

فشار جمعیت و فقر از جمله عوامل اصلی انحطاط زیست محیطی به شمار می‌روند؛ بنابراین، ایجاد یک طرح پیشگیرانه جهت دستیابی به جمعیتی ثابت در فاصله زمانی از پیش تعیین شده و تأکید بر سیاست‌های توسعه، با هدف ریشه‌کنی فقر در کشورهای آسیا و اقیانوسیه، بسیار اهمیت دارد.

الگوهای مصرف و شیوه‌های زندگی که شدیداً بر سودپرستی تأکید می‌کنند، برای محیط زیست

و دیگر اجزای تشکیل دهنده محیط‌زیست آلوده شده‌اند. تخریب سریع جنگل‌ها برای ایجاد فضای لازم جهت کشاورزی یا سکونت آدمی از دیگر عوامل تخریب کننده محیط زیست بوده است، دریاها به وسیله فاضلاب‌های زمینی و آلودگی‌های نفتی، آلوده شده‌اند، ماهیگیری بیش از حد در منطقه نسل ماهیان را رو به زوال نهاده است، هوا و رودخانه‌ها مخصوصاً در مناطق پرترافیک و شلوغ شهری شدیداً آلوده شده‌اند و خطر بالا آمدن سطح آب دریاها خاصه در جزیره‌های منطقه اقیانوس آرام واقعاً جدی است. به دلیل وجود این بحران‌ها، توافق نامه‌های جهانی مختلفی در مورد تغییرات آب و هوا، تنوع زیستی (biodiversity)، بیابان، کاهش لایه ی ازن، آلودگی دریا و حمل و انتقال فاضلاب‌های سمی و خطرناک منعقد گردیده است که از جمله مهمترین موضوعات حیاتی منطقه هستند. با وجود این، اجرای این توافق نامه‌ها مستلزم روشی جامع در راستای گذر از الگوی رایج توسعه، به نفع توسعه پایدار می‌باشد.

ازگان توسعه پایدار
توسعه پایدار، توسعه‌ای است که ملاحظات زیست محیطی را آشکارا در نظر آورده و به آن‌ها

اهمیت می‌دهد. توسعه، نیازمند کشف منابع طبیعی است، منابعی که اکنون به عنوان جزئی از زیست بوم (اکوسیستم) با آنها برخورد می‌شود. منابع طبیعی در دو بخش زیر بررسی می‌شوند:

(الف) منابع قابل تجدید (renewable resources) مانند گیاهان و جانوران. در یک دوره‌ی زمانی معین با توانایی تجدیدشوندگی و جایگزینی، مگر اینکه در سطح پایینی از آستانه‌ی تجدیدشوندگی (Threshold of renewability) مورد استفاده‌ی نادرست قرار گیرند.

(ب) منابع غیر قابل تجدید (nonrenewable resources) مانند منابع معدنی در صورت استفاده، توانایی تجدید و نوسازی خود را ندارند. همچون اجزای اکوسیستم، منابع طبیعی دارای خصوصیات ذیل می‌باشند:

(الف) وابستگی متقابل (interdependency) به این معنی که اجزای اکوسیستم با اجزای دیگر آن مرتبط هستند.

(ب) تنوع: هر چه اجزای اکوسیستم متنوع‌تر باشد، آن اکوسیستم باثبات‌تر است.

(ج) ثبات: اجزای تشکیل دهنده‌ی اکوسیستم



آمایش سرزمین (spatial planning) و محوطه‌سازی (landscaping) ابزارهای توسعه هستند که استفاده معقول از منابع را امکان‌پذیر می‌سازند. بودجه و سیاست‌های مالی می‌توانند به همراه منابع طبیعی، در جهت آمایش سرزمین به کار گرفته شوند. استقرار و تأسیس املاک صنعتی که از منابع طبیعی استفاده می‌کنند، بر اساس ضوابط منطقی اکولوژیک صورت خواهد گرفت. شهرنشینی، اگر بر مبنای برنامه بلند مدت و منطقه‌ای شهری انجام گیرد، با بی‌نظمی کمی همراه خواهد بود. محصول جانی فرایند توسعه، مواد زاید و آلوده است. آلودگی و مواد زاید، عناصر غیرتجاری به حساب می‌آیند و ارزش تجاری ندارند. به خاطر جلوگیری از شکست بازار تجارت، مواد زاید و آلوده به دریا ریخته می‌شوند و همچنین از خاک به عنوان مصلی برای ریختن مواد زاید جامد و از هوا به عنوان فضایی برای دفع مواد زاید گازی استفاده می‌شود. اگر ورود مواد زاید و آلوده به اجزای سازنده‌ی اکوسیستم بیش از حد استناد دارد مناسب برای یک زندگی سالم باشد، چنین الگوی توسعه‌ای از لحاظ زیست‌محیطی غیرمعقول و نادرست خواهد بود.

توسعه پایدار باید در برگزیده‌ی اصول ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) باشد تا بتواند با تأثیرات منفی توسعه بر محیط زیست مقابله نماید با اطلاعاتی که (EIA) فراهم می‌آورد دولت‌ها خواهند توانست از طریق درونی‌سازی اثرات جانی تصحیحاتی را در ساختار هزینه به عمل آورند. همچنین انتطاط محیط‌زیست می‌تواند از اجرای نادرست سیاست‌های دولتی ناشی شود. به عنوان مثال پرداخت یارانه‌ی نامتاسب یا قرار دادن قیمت‌ها، پایین‌تر از قیمت کمیابی (SCARCITY PRICE) آن، منجر به مصرف نادرست منابع غیرقابل تجدید می‌گردد. بدین ترتیب، رکن دوم توسعه پایدار از میان برداشتن چنین شکست‌های سیاسی (Policy failures) می‌باشد. این سیاست‌ها با تلاش‌هایی که هدفشان قیمت‌گذاری منطقی است تلفیق شده‌اند. توسعه پایدار همواره در صدد گنجاندن عوامل زیست‌محیطی در سیاست‌های جامع اقتصاد کلان بوده است تا بوسیله‌ی آن یک ساختار قیمتی معقول و سالم از لحاظ زیست‌محیطی را با استفاده از سیاست‌های بودجه‌ای، مالی و به علاوه سیاست توازن پراختیاء خلق نماید. در روش اقتصاد



کلان‌زیست‌محیطی، با محیط‌زیست به عنوان یک عنصر جزا از توسعه برخورد نشده و ملاحظات زیست‌محیطی با سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه‌ای ادغام شده است.

رکن سوم توسعه پایدار، دارای بعدی اجتماعی است، به این معنا که به مسائلی همچون فقر، بی‌عدالتی و به حاشیه رانده شدن اقشار آسیب‌پذیر در جامعه که تأثیر نامطلوبی بر محیط‌زیست می‌گذارند توجه خاصی دارد. لازم است در توسعه پایدار این ابعاد اجتماعی را مورد بررسی و توجه قرار داد. موضوعی که با این ابعاد اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد، جمعیت در مفهوم کمی و کیفی آن است. رشد سریع جمعیت فشار زیادی بر محیط‌زیست وارد کرده و دستیابی به توسعه پایدار را دشوار می‌نماید. لازم است بین اعضای جامعه با اعتقادات مذهبی، قومی‌ها و نژادهای گوناگون از طریق بهبود کیفیت جمعیت به وسیله آموزش و پرورش، تربیت و ارتباطات اجتماعی، انسجام اجتماعی ایجاد شود. داشتن سیاست اجتماعی که هدفش ایجاد جمعیتی پایدار و با ثبات با سطح کیفی پیشرفته برای ایجاد انسجام اجتماعی است، جزء لازم و مکمل توسعه

الگوهای مصرف و شیوه‌های زندگی که شدیداً بر سودپرستی و اصالت فرد تأکید می‌کنند، برای محیط زیست مضرند. آسیایی‌ها به داشتن اعتقادات مذهبی قوی مشهورند و بر ارتباط هماهنگ بین انسان و جامعه، انسان و طبیعت و انسان و آفریدگار تأکید دارند. لذا توسعه نباید باعث کنار گذاشتن و حذف چنین اعتقادات مذهبی مستحکمی شود

اکتشاف پاکسازی ساحل:

سفر زباله‌ها!

مترجم: امید فراچردلو*

یک کالسه که پر از کتاب بزرگسالان و یک ماسک‌گازهای شیمیایی در میان اجزا غیرمعمول جمع‌آوری شده در طول سیزدهمین پاکسازی ساحلی بین‌المللی سالانه مرکز حفاظت از دریاها قرار داشت. این مرکز، نتایج پاکسازی سپتامبر را منتشر نمود. روی هم رفته نزدیک به ۱۶۰۰۰۰ تن (۱۶۰۰۰۰ Kg) خردمیز را از ۶۸۷ مایل از ساحل، اقیانوس‌ها و راه‌های آبی در ایالات متحد جمع‌آوری کردند. به گفته «سبیشولی»، رئیس بخش مرکزی مرکز جی‌اچ‌اچ آبی در ایالات دریایی، بنابر یک مورد تجزیه داده‌ها، نزدیک به ۶۰ درصد زباله‌های جمع‌آوری شده، از خشکی منشأ گرفته‌اند. «سبیشولی» گفت: «اما زباله می‌تواند از طریق باد، آب بایجات و حش نیز به ساحل حمل شود. به قول معروف، سفر زباله. وی گفت: «ما نیاز داریم تا به مردم بفهمانیم که هر زمان شخصی ته سیگارش را از پنجره خودرو به بیرون پرتاب می‌کند یا لفافه یک آب‌بخت را نزدیک یک جریان پرخروش آب می‌اندازد، این کار قابلیت منتج شدن به ساحل بایک راه آبی را دارد. «سبیشولی» اضافه کرد: حیوانات قطعات کوچک زباله را می‌خورند و هنگامی که این قطعات در امداء و احشاء یک حیوان جای گرفت یا در شکمش تلبار شد اغلب منجر به مرگ حیوان می‌شود. به همین صورت، داوطلبان هر ساله پرندگان، ماهیان، لاک‌پشت‌های دریایی و سیل‌ها (خوک‌های آبی) را در ایالات مختلف در حال درد کشیدن یا نابودی و فساد می‌یابند که معمولاً در دم شکار در خطوط

*منبع: اینترنت

پایدار می‌باشد.

چهارمین رکن، مربوط به سازمندی بنیادی (institutional arrangement) در جامعه برای رویارویی با توسعه پایدار است و مستلزم آن است که در این سازمندی، تعداد زیادی از اعضای جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند. چنین فرایند تصمیم‌گیری باید شفاف، پاسخگو و در دسترس هر یک از اعضای جامعه باشد که البته نیازمند آزادی اعضای جامعه است تا گروه‌های مطلوب نهادها، سازماندهی شوند و این امر باید توسط حق مشارکت مردم در توسعه، پشتیبانی شود. دمکراسی همچون سکه، دو رو دارد؛ یک روی آن دمکراسی سیاسی و روی دیگر آن دمکراسی اقتصادی است. هر دو رو باید در حرکت سرعت مساوی داشته باشند. نباید جایی برای «سیاست‌های پولی» که تحت تاثیر «نفوذ دلار» (dollar vote) هستند و در آن، فرایند تصمیم‌گیری اقتصادی سیاسی به شدت تحمیل می‌شود، وجود داشته باشد و این زمانی مصلحت می‌یابد که در داخل توسعه بخش کسب و تجارب جامعه سریع‌تر از بخش‌های دیگر جامعه رشد نماید. گروه‌های مخالف نیازمند تشکیل گستره وسیعی از گروه‌های گوناگون ذینفع هستند و این نیازمند موقعیتی است که رشد جامعه مدنی به عنوان بخشی از تریبات نهادی برای توسعه پایدار، ارزیابی شده است.

در توسعه اقتصادی بر سیاست‌هایی تاکید می‌شود که باعث می‌شوند تجارت به نحو مطلوبی عمل نماید و حال آنکه در توسعه سیاسی بر سیاست‌هایی تاکید می‌شود که جامعه مدنی را قادر می‌سازد تا به اوج شکوفایی خود برسد.

ارکان مزبور، چهار رکن اصلی توسعه پایدارند. برای ایجاد این ارکان باید یک نظام خاص پیش‌بینی خصوصی ایجاد شود و با حاکمیت قانون نیز پشتیبانی گردد. این روش‌های قانونی نیازمند تلفیق با محرکها و انگیزه‌های اقتصادی و قدردانی‌های اجتماعی هستند. برای اجرای توسعه پایدار، باید ظرفیت‌سازی انسانی صورت گیرد. مسیر اعتقادات اخلاقی باید از طریق نیازهای مذهبی تقویت شده و مشارکت فعال سهامداران زیست‌محیطی در عرصه اقتصاد پایدار، بالاترین اولویت را در متن جامعه داشته باشد.

ممکن است توسعه پایدار به واسطه چارچوب عملی مطرح شده، تحقق یابد.

*منبع: مجله توسعه آسیا و اقیانوسیه؛ شماره یک؛ سال پنجم؛ ۱۹۹۸؛ سازمان ملل متحد؛ امیل سلیم

نامه‌ای به بانک جهانی:

پیشنهاد جبهه سبز ایران برای اصلاح نظام سیاستگذاری و

سافت‌آر عملیاتی بانک جهانی

انسانی‌اند و از اینکه کشورشان میلیاردها دلار بدهکار باشد احساس حقارت و شرمساری می‌کنند.

۳- آنان باید وام‌هایی را پرداخت کنند که هیچ نقشی در دریافت و یا کاربرد آن نداشته‌اند.

۴- آنان مردمانی هستند که زندگی آنها تحت تاثیر مستقیم تصمیمات بانک جهانی قرار دارد. صاحبان برخی که صدای آنها معمولاً شنیده نمی‌شود و کسی با آنان مشورت نمی‌کند و سهم اغلب آنان، در نهایت فروپاشی اقتصادهای بومی و محلی‌شان می‌باشد. اقتصادهایی که از نظر بوم‌شناختی در طی سالیان دراز و بر پایه فرهنگ و آداب و سنن گذشتگان خود، با محیط زیستشان به یک پایداری نسبی رسیده است.

۵- مردمان فقیر جهان سوم نگرش دور باطل (فقر - انحطاط محیط زیست - فقر) را که بر اساس نظریه توسعه‌های فقر زده (Stricken masses - Poverty) استوار است توهمین و بی احترامی به خود می‌دانند و در رد این تئوری به اشکال عمده آن اشاره می‌کنند:

الف - این دیدگاه تا حدودی جبرگرایانه (deterministic) است، یعنی اگر کسی فقیر باشد به ناچار به محیط زیست لطمه می‌زند و بالعکس.

ب - این دیدگاه اصولاً نمی‌تواند تصور کند فقرا قادرند یک معیشت پایدار (sustainable livelihood) را اتخاذ کنند.

ج - این دیدگاه فقرا را مسئول اصلی انحطاط محیط زیست می‌داند و با این نظر، اصولاً هرگونه تلاش برای یافتن مقصر اصلی ناکام می‌ماند.

د - این دیدگاه رابطه فقر و محیط زیست را یک معضل جهانی می‌داند و حل آنرا در گرو مداخله جهانی می‌بیند و با این نگرش جهان سوم را مسئول مستقیم نابودی تمامی عرصه‌های طبیعی معرفی می‌کند و در مقابل به جهان اول نقش حلال این مشکلات را اعطا می‌کند بدون آنکه به نوع و نقش تسلط سیاسی و اقتصادی دنیای اول در تعمیق فقر در جهان سوم اشاره‌ای داشته باشد.

ه - این دیدگاه با ذاتی و طبیعی دانستن خصلت فقر در آسیب زدن به محیط زیست در واقع منکر هیچ گونه ارتباطی میان فقر و فرآیندهای تاریخی آن می‌شود. در صورتی که تجزیه و تحلیل دوران استعمار نقش نهادهای استعماری را در استحاله ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان سوم بخوبی نشان می‌دهد.

۶- آنان می‌گویند که از ما در اجرای طرح‌های تعدیل فقر و برنامه‌های حفاظت از محیط زیست مشارکت می‌خواهند بدون آنکه ما را در سیاست گذاری‌ها شریک و سهم بدانند.

۷- آنان می‌گویند که اکثر طرح‌هایی که به نام کمک به آنان بویژه طرح‌های توسعه روستایی، طرح ریزی می‌شود بدون مشورت با آنان و اکثراً در اطاق‌های درسته تصمیم‌گیری می‌شود. طرح‌هایی که صرفاً بر اساس تحقیقات کتابخانه‌ای در مراکز شهری، بدون توجه به مسائل مردم شناسی و زیست بوم شناختی یک منطقه تهیه می‌شود که تنها قادر نخواهد بود به مردم کمک کند

این متن تنها خلاصه‌ای است از یک کار گروهی که توسط کارشناسان و متخصصین ما تهیه شده است. که شامل ۳ بخش مقدمه، دیدگاه‌ها و پیشنهادات می‌باشد. بخش دوم (دیدگاه‌ها) از نظر سبک بیان حالتی رادیکال دارد که در واقع بیانگر احساسات و افکار عمومی مردم بوده و الزاماً نمی‌تواند نظر رسمی سازمان ما باشد. اما بخش سوم در واقع نظریات رسمی سازمان ما است که در قالب یک سری پیشنهادات ارسال می‌گردد. امیدواریم که مورد استفاده واقع شود.

مقدمه

بیباید یک بار دیگر به گوشه‌ای از سخنان هنری مورگنتا وزیر خزانه‌داری وقت امریکا در گردهمایی ژوئیه ۱۹۴۴ که در حضور بیش از ۷۰۰ تن از نمایندگان سراسر جهان ایراد شد گوش فرا دهیم. او می‌گفت: اقتصاد جهان شکوفا خواهد شد و هر ملتی قادر خواهد بود تا توانایی‌های خود را در صلح تحقق بخشد.... و از میوه‌های پیشرفت خویش بر روی زمین که ثروتهای طبیعی بی حد و حصر دارد، لذت زیادی ببرد.... بیباید با ایمان به یکدیگر و با ایمان به آینده مشترکمان با فرصت‌هایی که پیش روی ماست رو به رو شویم.....

آینده‌یی که این مردمان برایش جنگیدند تا آن را آزاد ببینند.

اکنون ۵۵ سال از ایراد این سخنان سراسر ایده آلیستی می‌گذرد. عقاید مورگنتا در برابر واقعیت‌های موجود عقب نرفته است. وضعیت اسفناز زیست بوم شناختی جهان، افسانه ثروت‌های بی پایان طبیعی را بر همگان هویدا کرده است. بحران در عرصه‌های طبیعی و در تمامی ابعاد زندگی انسان کنونی گسترش یافته و معضل محیط زیست در خط مقدم نگرانی‌های بشریت قرار گرفته است. امروز ۵۵ سال از فعالیت‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) می‌گذرد. دیگر کسی وعده‌های این دو بنیاد مالی را در زمینه بهبود استانداردهای زندگی، صلح و توسعه باور نمی‌کند.

دیدگاه

آقایان، خانمها، هیئت مدیره محترم بانک جهانی (WB) و IMF، اکنون در آغاز هزاره سوم هستیم. فرصتی گرانبها پیش آمده است تا بنیادهای مالی جهان با توجه به تجربیات گذشته و با نگاهی واقع بینانه به آینده، دست به اقدامات اصلاحی بزنند و در اولین قدم، با احترام به افکار عمومی جهان به سخنان کارشناسان و میلیاردها انسان جهان سوم که انگشت اتهام به سوی بانک دراز کرده‌اند گوش فرا دهند.

۱- آنان WB و IMF را تنها دوستان دولت‌های بی‌خرد و نادان جهان سوم می‌دانند که با حمایت از مناسبات فاسد سیاسی - اقتصادی نظام‌های حاکم در این کشورها و القای الگوهای نامناسب توسعه اقتصادی، در تیره بختی آنان نقش داشته‌اند.

۲- آنان میلیاردها انسانی هستند که شرشاز از عواطف و احساسات پاک

بلکه باعث صدمات جبران ناپذیری به بافت فرهنگی، معیشتی این مناطق می‌شود.

۸- آنان از جهانی شدن اقتصاد و تک قطبی شدن نگراند و همین نگرانی ضرب المثل زیبای آفریقایی را وارد ادبیات سیاسی کرد که: "زمانی که بین دو تا قیل دعا شود تنها علف‌های زیر پای خود را له می‌کنند ولی وقتی که آشتی باشند، علفی نمی‌ماند که زیر پای خود له کنند."

پیشهادات

۱- بانک جهانی در اولین اقدام، مدارک ۵۵ سال فعالیت گذشته سازمان را در اختیار مراکز تحقیقاتی و پژوهشی قرار دهد تا با مطالعه و بررسی و نهایتاً ارزیابی مراحل مختلف طرح‌های انجام شده نقاط قوت و ضعف طرح‌ها روشن شود و در نهایت این سازمان است که از نتیجه تحقیقات بانک سود خواهد برد.

۲- اهداف بانک در دوران وام و کمک به کشورها بسیار مبهم است و فرآیند برخورداری از این وام‌ها و تعیین اولویت‌ها پیچیده و درک آن مشکل است و صرف نظر از اینکه این پیچیدگی به تمایلات کشورهای وام دهنده و وام گیرنده و نهایتاً علایق دیوانسالاری خود بانک برمی‌گردد، بانک باید براساس وضعیت کنونی جهان اهداف خود را در اعطای این کمک‌ها به طور درست و شفاف تعریف نماید.

۳- براساس تجربیات گذشته و گزارش کمیته‌های مختلف تحقیق درخصوص عملکرد بانک از جمله کمیته هانس، طرح‌هایی که نتایج نامطلوب به بار آورده است از یک رشد نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. مثلاً همین کمیته در تحقیق گزارش کرده است که سقف طرح‌هایی که نتایج آنها نامطلوب تلقی شده است از ۵٪ در سال ۱۹۸۱ به ۳۸٪ در سال ۱۹۹۱ افزایش یافته است. لذا بانک باید توجهات قابل قبول‌تری در تمایل فزاینده‌اش به دادن وام‌ها داشته باشد. زیرا به نظر می‌رسد در این فرآیند هدف اصلی که بهبود زندگی میلیاردها انسان است فراموش شده است.

۴- بانک باید این واقعیت تلخ را بپذیرد که اکثر این پول‌ها به علت فساد مالی در کشورهای جهان سوم حیف و میل می‌شود و در نهایت این مردم هستند که نه تنها باید تاوان پرداخت وام‌ها را بپردازند بلکه باید با صدور منابع طبیعی خود به عنوان تنها کالای قابل فروش پیامدهای بهم ریختگی زیست بوم شناختی جوامع خود را بپذیرند. برای مثال می‌توان به قطع و صادرات درختان جنگلی مناطق استوایی اشاره کرد که سران بری خود این کشورها اکثراً با توجه آنکه برای توسعه احتیاج به ارز دارند دست به این اقدامات ویرانگر می‌زنند و متأسفانه بانک نیز در بسیاری از این طرح‌ها طبق مدارک و شواهد موجود سهم داشته است. لذا، لازم است بانک برای واگذاری و مشارکت در انجام این نوع پروژه‌ها حداکثر مطالعات زیست بوم شناختی و مردم شناسی لازم را انجام دهد و کلیه تضمین‌های لازم را برای جلوگیری از حیف و میل شدن این پول‌ها انجام

دهد.

۵- بانک باید در دادن وام‌های کلان برای طرح‌های بزرگ که معمولاً در کشورهای جهان سوم به طرح‌های ملی معروف است، حداکثر احتیاط لازم را به عمل آورد. زیرا اکثر این طرح‌ها بدون مطالعات دقیق زیست بوم شناختی و بدون توجه به منافع مردمانی که اکثراً در اثر این طرح‌ها آسیب می‌بینند انجام می‌شود. برای مثال می‌توان به سرمایه گذاری بانک جهانی در طرح‌های عظیم سد سازی و یا استخراج ذغال سنگ و غیره اشاره کرد و به عنوان تنها یک نمونه می‌توان سد عظیم هندوستان را نام برد که بنا به گزارش کمیته مورس در سال ۱۹۹۲، این پروژه بدون ارزیابی اثرات زیست محیطی انجام شد و اگر چه بانک در اواسط کار تحت فشار افکار عمومی و طرفداران محیط زیست حمایت خود را از این پروژه پس گرفت، حمایت اولیه بانک در انجام این پروژه نقش اساسی داشته است.

۶- بانک باید در تدارک تجدید ساختار خود بوده و این تجدید نظر باید در کلیه بخش‌ها متناسب با شرایط جدید جهانی باشد. از جمله در ترکیب کارکنان و کارمندان بانک حضور افراد ورزیده در امور زیست بوم شناختی و مردم شناختی کمتر به چشم می‌خورد و اکثر تصمیم گیرنده‌ها صرفاً اقتصاد دان هستند که مسائل طرح‌ها را بیشتر از این زاویه مد نظر قرار می‌دهند. لذا بانک باید این ضعف بنیادی را به دو صورت حل نماید: یکی بکارگیری افراد مؤلف در زمینه تخصص‌های مختلف بویژه تخصص‌های زیست بوم شناختی و نیز سایر رشته‌های علوم انسانی و دیگر استفاده مشورتی از نظریات دانشگاهیان و متخصصین گروه‌های غیر دولتی فعال در تمام کشورهای جهان.

۷- بانک باید ضمن احتیاط لازم در مشارکت پروژه‌های بزرگ، به طرح‌های کوچک و محدود که با مشارکت مردم محلی انجام می‌شود بویژه به طرح‌های آموزش و توسعه روستایی کمک بیشتری کند. زیرا به تجربه ثابت شده است که ساختار اجتماعی جوامع بومی که در واقع اکثر عرصه‌های طبیعی را در اختیار دارند به گونه‌ای است که تنها قادر به جذب طرح‌هایی هستند که با ظرفیت‌های فرهنگی و زیست بوم شناختی آنان هماهنگی دارد و در غیر این صورت باعث فرسایش این جوامع خواهند شد.

۸- بانک باید در مفهوم تئوری توده‌های فقر زده که نگرش غالبی نسبت به فقر دارد، تجدید نظر نماید. این تئوری اساساً دارای مشکلات ذاتی است و براساس آن نمی‌توان پدیده فقر را توجیه کرد - اصولاً باید دانست که مضللات زیست بوم شناختی جهان را نمی‌توان جدا از سایر روابط و مناسبات اجتماعی و سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

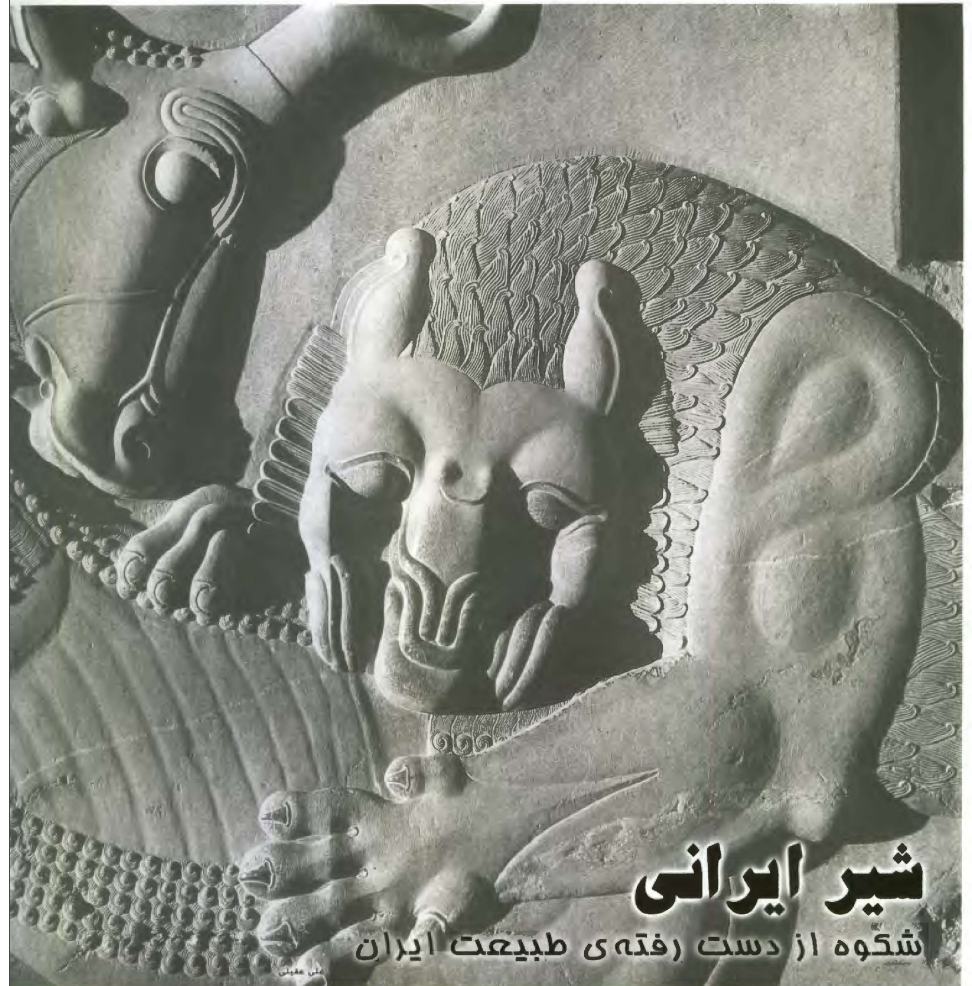
۹- در پایان، جبهه سبز ایران (صلح سبز) تلاش می‌کند با هدف ارائه راه حل‌های مناسب برای حل مضللات زیست بوم شناختی جهان به تحقیقات خود در این زمینه ادامه دهد و نتایج تحقیقات خود را برای سازمان‌های مختلف از جمله بانک جهانی ارسال نماید.

در گذشت محمد منصور عاصمی یکی از اعضای هیات امنای جبهه سبز ایران

مرحوم عاصمی در سال ۱۳۴۴ بدینا آمد، وی که تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی تا مقطع فوق لیسانس ادامه داده بود، هیچگاه از مدرک تحصیلی خود استفاده شغلی نمود و عمر کوتاه ولی پر مایه خود را صرف ترجمه و تالیف و کارهای علمی نمود از جمله مقالات تألیفی وی می‌توان به ایران شناسی - اگر این سیاره را دوست دارید (ترجمه) - آخرین خواسته شما - زندگی و آثار فیضی - ستایش زادگاه در آثار امیر خسرو دهلوی - محمد اقبال و فرهنگ آلمانی - بزرگترین مصنفان جهان و تعداد دیگری آثار تألیفی نام برد. مرحوم عاصمی از سال ۱۳۷۱ به عضویت هیات امناء جبهه سبز ایران درآمد و همواره مشاور صمدین و یآوری ارزشمند برای جبهه سبز ایران بود. فصلنامه صلح سبز مرگ این انسان شریف را به همه سبز اندیشان و خانواده محترم وی تسلیت می‌گوید.

جبهه سبز ایران





شیر ایرانی شکوه از دست رفته‌ی طبیعت ایران

شیر ایرانی از گونه شیرهای شمال آفریقا و جنوب غربی آسیاست که در جهان با نام علمی *Panthera Leo persica* شناخته می‌شود. اجداد آن همان شیرهایی بودند که در یونان و رم باستان درنمایش‌ها و جنگ با گلادیاتورها مورد استفاده قرار می‌گرفتند. پراکندگی این شیر در گذشته از جنگل‌های حاشیه دریای مدیترانه در شمال آفریقا و از شمال یونان تا جنوب غربی آسیا و تا شرق هند بوده است. شیرهای آسیایی حدود ۱۰۰ هزار سال پیش از شیرهای آفریقایی جدا شدند و طی این مدت تغییرات خاصی پیدا کرده‌اند. شیرهای آسیایی در مقایسه با شیرهای آفریقایی، دارای تفاوت‌های فیزیولوژیک و مورفولوژیک هر چند اندک ولی مشخصی‌اند. از نظر فیزیولوژیک، صندوق صماخ شیرهای آسیایی نسبت به نوع آفریقایی کمتر متورم بوده و ناحیه پس حلقه‌ای کوتاه‌تر و سوراخ جلوحلقه‌ای معمولاً به وسیله دیواره میانی به دو قسمت تقسیم شده است. اما از نظر مورفولوژیک، بارزترین تفاوت میان شیر آسیایی و آفریقایی، وجود دو خط موازی طولی از یال در

شیر آسیایی است که بر روی پهلوهای بدن به سمت زیر شکم ادامه یافته است. همچنین شیرهای آسیایی در بالای سر و در بین دو گوش خود دارای یال مشخص است ولی در انواع آفریقایی، یال پر پشت و بلند بین دو گوش عملاً باعث پوشیده ماندن گوش‌های این شیرهاست.

همچنین دسته موی انتهایی دم شیرهای آسیایی بلندتر از نوع آفریقایی است و موی ناحیه آرنج‌ها نیز رشد بیشتری دارد. شیرهای آسیایی به طور



چتری گی شیر (خورشید) بر گاو (ماد) نمادی از پایان زمستان و آغاز بهار - تخت جمشید، پلکان شرقی آپادانا

احتمالاً

یکی از قدیمی‌ترین شواهدی که در آن می‌توان ردی از شیر پیدا کرد، نقوش شیر و گاو و شیر و گاو تخت جمشید است، که نشان‌دهنده باورهای اعتقادی مردم ایران باستان در مورد شیر می‌باشد.

از دیرباز به این موجود زیبا و افسانه‌ای توجه داشته‌اند. این مطلب را می‌توان در نقوش مختلفی که از دوران باستان باقی مانده است، بخوبی مشاهده کرد. حتی مینیاتورهای بعد از ظهور اسلام در ایران نیز صلیق این اداها را تأیید می‌کند.

احتمالاً یکی از قدیمی‌ترین شواهدی که در آن می‌توان ردی از شیر پیدا کرد، نقوش شیر و گاو و شیر و سرباز تخت جمشید است که نشان‌دهنده باورهای اعتقادی مردم ایران باستان در مورد شیر می‌باشد. به طوریکه در نقش جدال شیر و گاو تخت‌جمشید، مراد جنگ شیر و گاو نیست، بلکه مراد توالی سال‌ها و زمان‌هاست و پیروزی شیر نماد سپری شدن زمستان و پیروزی گاو سپری شدن تابستان را نشان می‌دهد. همچنین شیر در نزد مادها و پارس‌ها جلوه‌ای از جلوه‌های میترا یا مهر بوده که پس از اهورا مزدا گرامی‌ترین فرشته است. مهر در نزد آریایی‌های کهن مقامی بلند داشته و با صفات و ویژگی‌هایی که برای او قایل می‌شده‌اند، به‌صورت نماد آریایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. میترا یا مهر، حامی و دادرس ارواح مردگان نیز می‌باشد و تصویر شیرهای کنده‌کاری شده بر سر در آرامگاه‌های پادشاهان مَخامنشی به جای تصویر مهر، نشانی از اعتقادات این قوم به معاد است و نقش برجسته سر شیرها که مادها و پارس‌ها بر دسته شمشیرها، قلاب، کمر بند و لگام اسب و غیره به کار می‌برده‌اند، نشان از اعتقاد آنها در به همراه داشتن جلوه‌ای از مهر است که به منزله دعا و پشتیبان در جهت رفع بلا بوده است. آنها همچنین از نقش پیکره‌های شیر بر جام و ساغرهای سیمین که با آنها آب چشمه‌های مقدس و نوشیدنی‌های سکرآور را در جشن‌های مهرگان می‌نوشیده‌اند، منظور اعتقادی داشته‌اند.

اما در نقش مهر داریوش، شیری در اثر تیر او به زمین خورده است که تأکیدی بر تضعیف نقش مهر یا میترا در آن زمان می‌باشد، زیرا در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا اسمی از مهر و میترا همراه اهورا مزدا نیست.

ولی در زمان اردشیر تغییراتی ایجاد شد و از مهر در کتیبه‌ها، بعد از اهورا مزدا یاد شده و نقش شیر چنان بزرگ می‌شود که اردشیر سوم آن را بر سکه ضرب می‌کند. در جام زرین به دست آمده از تخت جمشید نیز دو شیر دیده می‌شود که بر روی ران آنها علامتی وجود دارد. همچنین این نقش را بر روی سکه‌ها و درفش‌های ایران نیز می‌توان دید.

شیر و ایرانیان

همانطور که اشاره شد، یکی از زیستگاه‌های اصلی شیر آسیایی، فلات ایران بوده است و ایرانیان

شکار شیر در ایران از دیرباز نشانه دلیری و شجاعت بوده و نقوش و منابع زیادی حاکی از شکار شدن این جانور در ایران، از گذشته‌های دور تا به حال بوده است. از آن جمله حجاری نقش رستم در پارهای از ظروف و قاب‌های کهن، مثل قاب خسرو دوم در حال شکار شیر که مربوط به اواخر سده ششم میلادی است و همچنین در قاب دیگری که بسیار شبیه قاب خسرو دوم است، شاهزاده‌ای دیگر در حال تاختن اسب و شکار دیده می‌شود. بسیاری از مینیاتورهای زیبای ایرانی نیز نشان از تداوم شکار شیر در ایران حتی بعد از ظهور اسلام دارند، به طوری که می‌توان از شکارگران معروف شیر در دوره به بهرام گور اشاره کرد.

با تمام این اوصاف، شیر تا اواخر دوران قاجاریه در ایران به صورت پراکنده وجود داشته است و شکارچیان بسیاری به شکار آن مبادرت می‌نموده‌اند، به طوری که نوشته‌اند: «محمدتقی‌خان

از گذشته‌های دور،

شیر آسیایی در جنگل‌ها، بیشه‌زارها، نیزارها و بوته‌زارهای جنوب ایران،

از جنگل‌های اطراف رودخانه کرخه و دز و کارون به طرف مسجد سلیمان و رامهرمز و بوشهر و کازرون تا دشت ارژن واقع در غرب شیراز می‌زیسته است.

بختیاری جز شیر شکار نمی‌کرده است و سبیل افتخار جوانان بختیاری نیز شکار شیر بوده است و «شیر شکار» لقبی بوده که هر جوان بختیاری آرزوی نامیده شدن به آن را داشته است» ولی به دلیل همین علاقه شدید ایرانیان به شکار شیر و همچنین تخریب زیستگاه و کم شدن طعمه شیر در ایران که بیشتر گوزن زرد ایرانی بوده است، شمار شیر ایرانی به شدت کاهش یافت، به طوری که ظل‌السلطان که ماجرای شکارهایش معروف است، هیچگاه در سفرهایش برای شکار شیر، نتوانست شیری را شکار کند و این مطلب را از شکست‌های مهم زندگی‌اش می‌دانست. این اذعان ظل‌السلطان بیانگر کاهش شدید شیر ایرانی در دوران قاجار می‌باشد.

شیر در متون گذشتگان

ایرانیان باستان از دیرباز در مورد طبیعت و حیوانات گوناگون تألیفات زیادی داشته و به شناسایی آنها همت گمارده‌اند. به طوری که یکی از قدیمی‌ترین مشروح‌ات در مورد شیر ایرانی مربوط به کتاب

زهت‌القلوب است که در سال ۷۴۰ ه.ق. توسط حمدالله مستوفی قزوینی تألیف شده است. در این کتاب آمده است: «مرغزار دشت ارژن برکنار بحیره است که در آن صحرا است و در این حدود بیشه است که در آن شیر شرنه بسیار باشد. طول این مرغزار دو فرسنگ و عرض آن یک فرسنگ است.» همچنین از کتاب‌های مختلفی که در مورد

موقعیت شیر آسیایی در ایران

از گذشته‌های دور، شیر آسیایی در جنگل‌ها، بیشه‌زارها، نیزارها و بوته‌زارهای جنوب ایران، از جنگل‌های اطراف رودخانه کرخه و دز و کارون به طرف مسجد سلیمان و رامهرمز و بوشهر و کازرون تا دشت ارژن واقع در غرب شیراز می‌زیسته است که هموار بودن نسی زیستگاه این جانور، کم شدن و محدود شدن طعمه‌ها و از بین رفتن زیستگاهش توسط انسان و نیز علاقه افراد محلی بخصوص مردان ایل بختیاری به شکار این حیوان و شکار بی‌رویه آن توسط افسران خارجی بخصوص انگلیسی‌ها، از عوامل اصلی انقراض این جانور باشکوه در ایران بوده است. طی گزارشات گوناگون، تا دهه‌های نخستین قرن نوزدهم، شیر به‌تعداد زیاد در جنوب ایران و به‌خصوص در بوشهر که به معدن شیر معروف بوده، می‌زیسته است. همچنین در راه، برمز، شیر تلافات زیادی داده‌ها وارد می‌کرده است. حتی در سال ۱۸۸۱، Levard نوشته: «در خوزستان به کرات سه یا چهار شیر را با هم می‌دیدیم که به کمک سران قبایل از آنها شکار می‌کردیم»، همچنین Blanford در سال ۱۸۷۶ نوشته: «در حال حاضر

شیر در ماوراءالنهر و غرب کوه‌های زاگرس و شرق دجله و در بیشه‌های جنوبی و جنوب شرقی شیراز یافت می‌شود و در هیچ کجای دیگری از ایران و بلوچستان وجود ندارد.» نیز نوشته: «دره کوچک دشت ارژن در غرب شیراز برای زندگی شیرها بسیار مناسب است و از بابت داشتن شیر زیاد بسیار معروف است زیرا این محل به علت داشتن شرایط مساعد برای زندگی خوک‌ها و وحشی، برای زندگی شیرها نیز مناسب است.» و نیز اضافه کرده که هر سال چهار یا پنج شیر از دشت ارژن و اطراف آن شکار و تعدادی از بچه‌های آنها برای فروش به شیراز برده می‌شد. ضمناً خود او نیز در مارس ۱۸۷۶ در حدود کاروانسرای میان کتل در نیمه راه کتل پیرزن که در بلندترین ناحیه بین شیراز و بوشهر در ۸۰ کیلومتری شیراز قرار دارد، حوالی غروب در جنگل‌های بلوط به شیر ماده‌ای برخورد کرده بود. همچنین کنسول انگلیس در سال ۱۹۰۰ بیان کرده که تپه‌های اطراف کازرون تا شیراز دارای شیر است. در سال ۱۹۳۲ گروهی از مهندسان آمریکایی در اطراف دزفول یک جفت

شیر کاملاً بالغ را می‌بینند و R. N. Champion Jones بیان کرده که اوایل زمستان سال ۱۹۴۱، در حدود ۶۰ کیلومتری شمال دزفول، شیر ماده‌ای را دیده است و سرانجام Heany در سال ۱۹۴۳ گزارش داد که در سال ۱۹۴۲ شیری را در حدود ۶۰ کیلومتری شمال غربی دزفول مشاهده کرده است و به این ترتیب آخرین شیر زنده ایرانی، در ایران مشاهده شد و از آن پس دیگر شیری در ایران دیده نشد.

انقراض شیر آسیایی در جهان

شیر آسیایی که زمانی در تمامی نواحی شمال افریقا و جنوب‌شرقی اروپا تا جنوب‌غربی آسیا وجود داشت، در حدود سال ۱۰۰۰ بعد از میلاد در اروپا و در زمان جنگ‌های صلیبی در فلسطین و نواحی اطراف آن منقرض شد. ولی در بقیه مناطق تا اواسط قرن نوزدهم به وفور یافت می‌شد. در اواخر قرن نوزدهم بود که نسل شیر در ترکیه منقرض شد و آخرین خیرها در مورد شیر ایران و عراق نیز به سال ۱۹۴۲ باز می‌گردد. در هند نیز پراکندگی این شیرها محدود به شرق ایالت بیهر بود که در زیر فشار شکار بی‌رویه در حال نابودی بودند. نشانه‌هایی از این شکار بی‌رویه را می‌توان در خاطرات شکار افسران انگلیسی مشاهده کرد، به طوری که یکی از افسران انگلیسی در طول مدت خدمت خود در هندوستان، ۳۰۰ شیر شکار کرده بود. با شروع قرن بیستم، پراکندگی این شیرها تنها محدود به جنگل‌های گیر بود که توسط نواب



محل زندگی شیر آسیایی در گذشته
محل زندگی شیر آسیایی در گذشته
محل زندگی شیر آسیایی در گذشته
محل زندگی شیر آسیایی در گذشته
محل زندگی شیر آسیایی در گذشته



© Nigel Hodgella

«گیر» جنگلی خشک با درختان برگ‌ریز است. پناهگاه حیات وحش و پارک ملی گیر تحت حفاظت قرار دارند. در آخرین پناهگاه شیر آسیایی حدود ۲۵۰ قلاهد شیر زندگی می‌کنند

۶۵۰ میلی‌متر است که در قسمت‌های غربی‌تر بیشتر و گاهی تا حدود ۱۰۰۰ میلی‌متر در سال می‌رسد. این جنگل که در اوایل قرن بیستم دارای وسعتی برابر ۶۱۰۰ کیلومتر مربع بوده، اکنون به حدود نصف وسعت گذشته‌اش تقلیل یافته است و پناهگاه حیات وحش و پارک ملی گیر تحت حفاظت قرار دارند. همچنین این جنگل از آخرین بازماندگان مناطق طبیعی گیاهی نیمه خشک Saurashtra peninsula است که تمامی اطرافش را زمین‌های کشاورزی احاطه کرده‌اند. حدود ۷۵۰۰ نفر انسان و حدود ۱۴۰۰۰ رأس دام در این منطقه زندگی می‌کنند.

در این آخرین پناهگاه شیر آسیایی، حدوداً ۲۵۰ قلاهد شیر در گروه‌هایی شامل ۲ تا حداکثر ۵ ماده و یک شیر نر زندگی می‌کنند که در مقایسه با خانواده شیرهای افریقای که به طور متوسط دارای ۴ تا ۶ ماده بالغ هستند، کوچک‌تر می‌باشند. به هر حال به غیر از چند خانواده و جمعیت خاصی از این شیرها، در مورد سایر شیرهای تنهای جنگل گیر مطالعات کاملی صورت نگرفته است. ولی بر خلاف جوامع شیرهای افریقای، شیرهای نر بیشتر در موقع جفت‌گیری و تولیدمثل یا در زمان نجات یافت و اکنون بعد از گذشت نزدیک به یک قرن، جمعیتی در حدود ۲۵۰ قلاهد در این جنگل زندگی می‌کنند.

شیرهای آسیایی جنگل گیر

شیر جنگلی خشک با درختان برگ‌ریز است که اکثر جمعیت گیاهی آن را ساح تشکیل می‌دهد و قسمت خشک‌تر شرقی آن پوشیده از درختان آکاسیا و ساوان است. بارندگی سالیانه آن در حدود



این نقاشی از یک صحنه شکار شتر در آثار عرب دوری میلاد هجدهم است و در حال شکار نشان می‌دهد. شتر در بیابان شرقی به حیثی بنایه نامیده است.

از انقراض این شیرها در طبیعت، تعداد ۲۸ شیر آسیایی در باغ وحش ساکار باغ هند نگهداری می‌شوند که چهار عدد آنها از محیط طبیعی گرفته شده‌اند و ۲۴ شیر دیگر در اسارت به دنیا آمده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که شیرهای آسیایی هم مانند یوزپلنگ‌های آسیایی دارای تعداد زیادی اسپرماتوزوئید غیرنرمال هستند و تعداد بسیاری از اسپرماتوزوئیدهای این شیرها قابلیت باروری ندارند و به همین دلیل هیچ‌گونه جفت‌گیری درون خانوادگی در این شیرها در حیات‌وحش دیده نمی‌شود و در باغ‌وحش نیز جفت‌گیری افراد یک خانواده با هم، باعث بروز درصد بالای

آهوان وحشی و در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد آن را دامها تشکیل می‌دهند و ممکن است همین امکان تغذیه به دام‌های اهلی، باعث کمتر گرومی شدن شیرها شده باشد. همچنین طی تحقیقات محققین هندی روشن شده است که بیشتر شیرهای نر به دامها حمله می‌کنند و از آنها تغذیه می‌نمایند.

شیرهای جنگل گیر در تمام طول سال تولیدمثل می‌کنند و تنها عامل محدود کننده این کار می‌تواند کوچک بودن بچه‌های شیرهای ماده باشد. شیرهای ماده آسیایی در حدود ۴ سالگی بالغ می‌شوند و نرها بین ۵ تا ۸ سالگی به بلوغ می‌رسند و در حدود ۱۵ تا ۱۶ سالگی نیز قدرت باروری خود را از دست می‌دهند و در حدود ۱۷ تا ۱۸ سال عمر می‌کنند که برای ماده‌ها تا ۲۱ سال نیز گزارش شده است، ولی برای نرها، بیشتر در حدود ۱۶ تا ۱۸ سال است. طی بررسی‌های به عمل آمده روی این شیرها، مشخص شده که قلمروی شیر نر حدود ۱۱۰ کیلومتر مربع و قلمروی ماده‌ها حدود ۵۰ کیلومتر مربع است و در زمان جفت‌گیری شیرهای نر قلمرو خود را به حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع هم افزایش می‌دهند که این تخمین پراکندگی تراکمی در حدود یک شیر در هر هفت کیلومتر مربع را نشان می‌دهد که با بالاترین تراکم شیرها در مناطق مرکزی آفریقا قابل مقایسه است.

شیرهای آسیایی باغ وحش‌های جهان
به علت پاره‌ای تحقیقات ژنتیکی و برای جلوگیری

مرگ و میرنوزادان می‌شود. در حالیکه دوره فریبی - آسیایی همانند شیرهای آفریقایی به خوبی در اسارت زاد و ولد می‌کنند و البته کم بودن زاد و ولد این شیرها در اسارت نیز مشکلات زیادی را برای حفظ نسل آنها به وجود می‌آورد.

شواهد کنونی زیست شیرهای آسیایی در جهان
تقابل نزدیک انسان‌ها، دامها و شیرها در منطقه باعث بروز مشکلات مدیریتی فراوانی شده است. زیرا مردم از طریق راه‌های متعددی که به قلب منطقه کشیده شده است، وارد منطقه می‌شوند و اقدام به بریدن درختان و گیاهان منطقه برای تهیه سوخت مصرفی خود می‌کنند و اکوسیستم منطقه را تخریب می‌نمایند. ولی چند سالی است که شیرها هم به انسان‌ها ضرر فراوان می‌رسانند و تعداد حملات آنها به مردم اطراف جنگل گیر زیاد شده است، به طوری که بین ژانویه ۱۹۸۸ تا آوریل ۱۹۹۹ تعداد ۶۵ حمله گزارش شده که از این تعداد ۸۸ حمله منجر به مرگ شده است. تحقیقات ثابت‌کرده است که این حمله‌ها بیشتر در محل‌های دارای تراکم زیاد انسانی و محل‌هایی که قبلاً شیرها برای مشاهده توریست‌ها در آنجا محصور شده بودند، اتفاق می‌افتد و با وجود تمام این مشکلات، مسئولین حیات وحش هند باید برای رفع آنها دست به اقدامات اساسی بزنند. همچنین درحال حاضر شیرهای آسیایی فقط به‌صورت یک کلونی در جنگل گیر زندگی می‌کنند که این موضوع خطر انقراض یا تهدید نسل آنها به علت یک بیماری همه‌گیر را به دنبال دارد و این در حالی است که شیوه‌های مدیریتی خاصی که در این زیستگاه اعمال می‌شود، در ۱۰۰ سال آینده در صورت باقی ماندن همین شرایط، درصد صفر را برای انقراض این شیرها متصور خواهد بود. ولی به هر حال وجود حداقل یک محل زیست دیگر برای تعدادی از این شیرها عاقلانه به نظر می‌رسد. که طی تحقیقات مفصلی بناگاه حیات وحش پالپور کنو (Palpur

حداکثر مستوفی در کتاب
زهت القلوب آورده است:
«مرغزار دشت ارژن بر کنار
بحیره است که در آن صحرا
است و در این حدود بیشه
است که در آن شیر شروزه
بسیار باشد. طول این مرغزار
دو فرسنگ و عرض آن یک فرسنگ است»



تأثیر تابش اشعه ماوراء بنفش بر زندگی دوزیستان

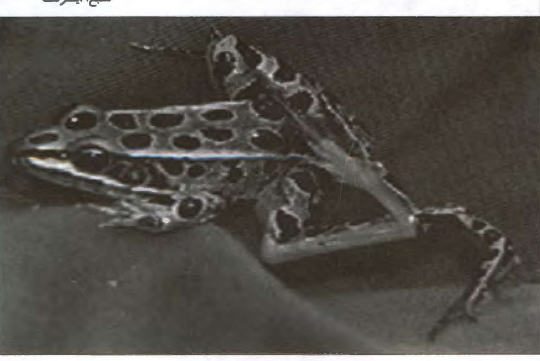
مترجم: لادن صادی*
ژوزف ام. کیسکر، محقق دانشگاه ییل در اجلاس سالیانه انجمن امریکایی پیشرفت علم در فیلادلفیا، بیان کرده: «اشعراً توجه فراوانی به افزایش اختلالات مشکوک در دوزیستان شده است. با وجود این، گزارش‌ها در حد بیان خبر بوده و هیچ‌گونه مطالعه‌ای درمورد شرایط طبیعی محیط‌زیست آنها انجام نگرفته است.»

یک محقق طی اجلاس سالیانه‌ی دانشمندان در فیلادلفیا گفت: «مشکاف لایه ازن، در بعضی گونه‌های قورباغه و دیگر دوزیستان باعث نوعی اختلال و مرگ و میر شده است. جوزف ام. کیسکر تحقیقات خود را در زمینه‌ی تأثیر اشعه ماوراء بنفش بی (U.V.B) بر میزان بالای مرگ و میر و ایجاد جهش در قورباغه‌ها، که در کوه‌های اورگان انجام شده بود، ارائه داد.

لایه‌ی ازن، کره زمین را از تشعشعات ماوراء بنفش حفاظت می‌کند اما به دلیل کاربرد روزافزون کلروفلوروکربن‌ها به عنوان خنک‌کننده‌ها، حلال‌ها و پاک‌کننده‌ها، این لایه در حال نازک شدن است.

با آزمایشاتی که توسط کیسکر و همکارانش اندرو ر. بلاستین، از دانشگاه ایالت اورگان انجام شد، این نتیجه به دست آمد که فقط ۱۴/۵ درصد از جنین سمندرهایی که از تشعشعات ماوراء بنفش بی (U.V.B) حفاظت نمی‌شدند، از تخم درآمدند و ۹۱/۹ درصد بقیه با یک سری اختلالات از تخم بیرون آمدند. ۹۵ درصد از جنین‌های حفاظت شده از اشعه از تخم خارج شدند و طبیعی بودند.

اغلب این اختلالات، دمه‌های بدشکل، تاول و ورم پا بود. کیسکر گفت: «کاهش اخیر لایه‌ی محافظ ازن در بالای اتمسفر، به همان اندازه که حیات‌گیاهان را به مخاطره می‌اندازد، خطر ابتلا به سرطان پوست و آب‌مروارید را نیز در انسان‌ها افزایش می‌دهد. احتمالاً وجود قورباغه‌های ناقص‌الخلقه و مرده نیز در ارتباط با نازک شدن این لایه است. ممکن است تشعشعات ماوراء بنفش بی (U.V.B) به مکانیسم‌های دفاعی نیز آسیب برساند و دوزیستان را نسبت به میکروب‌های بیماری‌زا و انگل مستعدتر نماید که احتمالاً از رشد طبیعی آنها جلوگیری کرده و مرگ و میر را افزایش می‌دهد.



(Kuno) برای این کار انتخاب شده است؛ بناگاه حیات وحشی که درحال حاضر در حدود ۳۴۵ کیلومترمربع است، ولی اگر قرار باشد چنین پروژه‌ای در آن اجرا شود، می‌توان مساحت آن را تا ۲۰۰۰ کیلومترمربع نیز افزایش داد. ولی برای این کار ابتدا باید حدود ۱۳ هزار نفر انسان و ۱۶ هزار رأس دام را از منطقه خارج کرد که تقریباً ساده است و مشابه آن در مورد بسیاری از مناطق زیست بیره‌ها انجام شده است. این کار زمانی با سه قلابه شیر انجام شد که در آن پروژه، شیرها به بناگاه حیات‌وحش Chandraprabhe در شرق Uttar Pradesh منتقل شدند و خوب هم زاد و ولد کردند و تعدادشان به ۱۱ عدد رسید. ولی ناگهان ناپدید شدند که احتمالاً یا شکار شده و یا مسموم شده‌اند. همچنین شاید بتوان شیرهای آسیایی در اسارت باغ‌وحش‌های دنیا را به عنوان جمعیت دومی تلقی کرد، زیرا چیزی در حدود ۲۰۰ عدد شیر آسیایی در باغ‌وحش‌های سراسر دنیا وجود دارد که از این میان ۸۲ عدد شیر خون خالص آسیایی داشته که ۲۳ عدد آنها از خارج هندوستان گرفته شده‌اند و می‌توان آنها را به عنوان جمعیت دومی از شیرهای آسیایی به حساب آورد که خطر انقراض آنها را کاهش می‌دهد. پس برای حفظ این میراث جهانی، وظیفه تمام باغ‌وحش‌های دنیاست که از شیرهای آسیایی به خوبی محافظت کنند. یک‌کاش در این راه، ما ایرانی‌ها نیز بتوانیم حداقل به چند قلابه شیر آسیایی دست یابیم و بار دیگر شکوه از دست رفته طبیعت کشورمان را به آن بازگردانیم.

منابع و مآخذ

- ۱- ضیایی، مهندس هوشنگ، پستانداران ایران.
- ۲- اعتماد، دکتر اسماعیل، پستانداران ایران.
- ۳- قائم‌مقامی، دکتر جهانگیر، شیر و نقش آن در مقدمات آرایشی‌ها؛ بررسی‌های تاریخی؛ شماره ۳.
- ۴- وب سایت، گروه متخصصین گربه‌های وحشی Cat Specialist Group Web Site/ IUCN
- ۵- وب سایت ALIC، مرکز اطلاعات شیر آسیایی Asiatic Lion information center (ALIC) WEB SITE
- ۶- مجله شکار و طبیعت، شماره ۵۵ و ۵۶، نوروز ۱۳۷۷.
- ۷- کتاب عجایب‌المخلوقات؛ باب شیر.
- ۸- کتاب منافع‌الحیوان؛ با تشکر فراوان از مسئولین محترم کتابخانه موزه ایران باستان.
- ۹- عکس‌ها برگرفته از کتاب شیرها و گربه‌سانان دیگر، نخچیران و سایت‌های مربوطه.

هفته منابع طبیعی

۱۳۷۹

سازمان جنگلها و مراتع کشور

دفتر ترویج و مشارکت‌های مردمی

هر چه با شکوهرز هفتا به فرصت کافی و به دور از شتابزدگی انجام پذیرد. ترکیب و مسئولیت ستاد کما فی السابق می باشد. برای جلب مشارکت مردم و دستگاههای دولتی بر حسب لزوم از مدیران و مسئولین دستگاههای اجرایی ذریعته مثل صدا و سیما، آموزش و پرورش، نهضت سواد آموزی، سازمان زندانها نیروی مقاومت بسیج و و همچنین از نمایندگان تشکلهای غیر دولتی دعوت به عمل می آید.

جشنهای هفته منابع طبیعی در سالجاری با محوریت درختکاری (نهضت سبز) تبادل دام و مرتع، بیان زواید، حفاظت و سازمان دهی خروج دام از جنگل انجام می گیرد در این خصوص لازم است مراسم جشن در یکی از عرصههایی که طرحهای مذکور با موفقیت انجام گردیده است به اجرا در آید.

به منظور تمرکززدایی و گسترده نمودن فعالیت‌های هفته، ستاد برگزاری در کلیه شهرستانها با نظارت دقیق ادارات کل تشکیل و نسبت به اجرای برنامه‌های

جنگلها و مراتع و فضای سبز در هر کشور از عوامل اساسی رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی آن کشور است. به همین دلیل امروزه توجه به منابع طبیعی بیش از پیش مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. به طوری که برخورداری از شاخص مناسب فضای سبز و سرانه جنگل از نشانه‌های مهم پیشرفت و توسعه پایدار قلمداد می شود.

به دلیل گسترش مفهوم توسعه پایدار، در حال حاضر منابع طبیعی و جلوگیری از روند تخریب آن در کشور جایگاه ویژه‌ای دارد. بر این اساس در هر سال هفته‌ای به نام منابع طبیعی نامگذاری شده است. هر ساله طی این هفته مراسم گسترده‌ای به منظور غرس نهال و فرهنگ سازی با حضور مسئولین طراز اول در سراسر کشور به اجرا در می آید.

در سال جاری نیز برنامه‌های متنوعی با بسیج امکانات دولتی و مردمی با محوریت برنامه ملی نهضت سبز و با هدف ترویج فرهنگ منابع طبیعی و فضای سبز و توسعه درختکاری در نقاط مختلف کشور به مرحله اجرا در خواهد آمد.

طی این هفته که از ۱۵ تا ۱۹ اسفند ماه ادامه خواهد داشت نهادها و ارگانهای مختلف خاصه سازمان جنگلها و مراتع کشور با بسیج امکانات خود گام مهمی را در جهت اشاعه و ترویج فرهنگ منابع طبیعی در بین اقشار مختلف مردم بر خواهند داشت.

طی این هفته حداقل ۷ میلیون نهال در سراسر کشور غرس می گردد.

اهداف هفته منابع طبیعی

۱- ترویج و اشاعه فرهنگ منابع طبیعی در بین اقشار مختلف مردم و مسئولین.

۲- سازماندهی و جلب مشارکت سازمانهای دولتی و غیر دولتی و عموم مردم در راستای نهضت سبز، جهت غرس نهال در عرصه های منابع طبیعی.

۳- غرس ۷ میلیون نهال در هفت روز با مشارکت نیروهای طرح بسیج سازندگی.

سیاستهای اجرایی هفته منابع طبیعی

به منظور گرامیداشت سال مولای متقیان امام علی (ع) با همکاری نیروی مقاومت بسیج و سایر اقشار، طرح «نخلستان مدینه درهفته منابع طبیعی سال جاری، حداقل ۷ میلیون نهال در هفت روز غرس می گردد لذا پیش‌بینی‌های لازم برای تعیین عرصه، تامین نهال مورد نیاز، تجهیزات لازم و هماهنگی با دستگاه‌های مختلف اجرایی انجام گیرد. این اقدام بسیجی در راستای طرح ملی نهضت سبز انجام خواهد گرفت.

لازم است نسبت به تشکیل منظم ستاد هفته منابع طبیعی اقدام نموده، تا برنامه ریزی و هماهنگی و پیش‌بینی‌های لازم در خصوص اجرای



مصوب اقدام نمایند.

با توجه به اینکه نمایندگان محترم مجلس دوره ششم غالباً جدید و نا آشنا به موضوع منابع طبیعی می‌باشند، ترتیبی اتخاذ شود تا در هفته منابع طبیعی سالجاری ارتباط لازم با آنان برقرار و ضمن بازدید از طرح‌های منابع طبیعی نسبت به آشنا نمودن آنان با ابعاد و اهمیت منابع طبیعی اقدام لازم صورت گیرد. حداقل یک سمینار علمی با همکاری دانشگاهیان و دانشجویان در استان تشکیل، و نسبت به بررسی مسائل و مشکلات منابع طبیعی و اتخاذ راهکارهای علمی و همچنین آشنا نمودن اقشار تحصیل کرده جامعه نسبت به منابع طبیعی اقدام لازم پذیرد

استفاده از سازمان‌های غیر دولتی در امر آموزش و بسیج مردم صورت پذیرفته و زمینه حضور آنان در عرصه‌های منابع طبیعی همراه با جشن درخت کاری فراهم شود.

ارتباط لازم با سازمانها و نهادهایی که نقش رسانه‌ای، آموزشی و ترویجی دارند بعمل آید، در این رابطه لازم است از صدا و سیما، آموزش و پرورش، نهضت سواد آموزی، مطبوعات و غیره استفاده بعمل آید

از دستگاههای دولتی، سازمان‌های غیر دولتی، بهره برداران و مجریان طرح‌هایی که بیشترین موفقیت و همکاری را در اجرای برنامه‌های منابع طبیعی داشته‌اند به نحو شایسته تقدیر و تشکر بعمل آید

در برگذاری مراسم هفته تدابیری اتخاذ شود تا شرکت‌های دولتی، مجریان طرح‌های منابع طبیعی، تعاونی‌های منابع طبیعی، شوراهای اسلامی و تشکلهای غیر دولتی نقش اساسی و محوری ایفاء نمایند

۷ روز اول - منابع طبیعی و نهضت سبز

برنامه ملی نهضت سبز در واقع یک فراخوانی ملی و عمومی برای تحول در جنگل و فضای سبز کشور محسوب میشود. در قالب این برنامه با مشارکت دستگاههای دولتی و مردمی در نظر است چهار میلیون هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی کشور در طی ۲۰ سال جنگلکاری و فضای سبز شود.

افتتاح این برنامه ملی در اولین روز هفته منابع طبیعی با حضور ریاست محترم جمهوری رسماً انجام می شود.

در این روز در سراسر کشور با مشارکت دستگاههای مختلف اجرایی در عرصه‌هایی که مستعد کاشت نهال و فضای سبز باشند، نهالکاری می‌گردد.

برنامه های این روز عبارتند از :

۱- افتتاح طرح برنامه ملی نهضت سبز همزمان در سراسر کشور با حضور ریاست محترم جمهوری

۲- سخنرانی ریاست محترم جمهوری

۳- نهالکاری در محاط و پیرامون شهرکهای صنعتی

۴- نهالکاری در یادگان‌های نظامی و آموزشی

۵- نهالکاری در عرصه‌های مخروطیه منابع طبیعی

۶- نهالکاری در اطراف مدارس و دانشگاهها

۷- نهالکاری در پارکهای روستایی و شهری، حاشیه شبکه های روستایی و بین شهری

۸- تقدیر و تشکر از دستگاههای اجرایی که بیشترین همکاری و مشارکت در اجرای برنامه ملی نهضت سبز داشته‌اند.

توجه: در استانها مراسم با سخنرانی استاندار و حضور مسئولین استانی آغاز می‌شود

۷ روز دوم - منابع طبیعی و زنان

زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، عدم توجه به این قشر وسیع

موجب وقفه در انجام مأموریت‌های محوله خواهد شد. با توجه به نقش زنان در تربیت فرزندان و آینده سازان و تاثیر آنان در زندگی عشایری، روستایی و شهری بعنوان مدیر خانواده، یک روز از هفته به نام آنان نامگذاری گردیده است.

برنامه‌های این روز عبارتند از:

۱- زمینه سازی برای حضور گسترده زنان جهت کاشت نهال در عرصه‌های منابع طبیعی

۲- سخنرانی مسئولین مرتبط با امور بانوان در سطح ملی و استانی

۳- تجلیل از زنان نمونه در عرصه‌های منابع طبیعی

۴- برگزاری کارگاههای آموزشی مخصوص زنان در خصوص نقش و اهمیت منابع طبیعی و زمینه‌های همکاری مشترک

۷ روز سوم - منابع طبیعی، حفاظت و توسعه پایدار

توسعه پایدار با دیدار در منابع طبیعی تجدید شونده زمانی اتفاق می‌افتد که حفاظت و پایداری منابع پایه به عنوان اولویت اول و سرلوحه فعالیت‌های مدیریتی در عرصه‌ها تلقی شود، در غیر این صورت بهره برداری‌های بی‌رویه از منابعی که دارای استعداد و توان رویشی محدود می‌باشند، طبیعت زیبا و شکننده را دچار فقر و نیستی می‌نمایند. لذا اتخاذ روش‌های مناسب برای حفاظت از جنگلها و مراتع کشور بعنوان یک اصل اساسی اولیه در فرایند مدیریت پایدار به شمار می‌رود. از این رو با توجه به اهمیت موضوع یک روز از هفته به نام حفاظت و توسعه پایدار نامیده شده است

برنامه‌های این روز عبارتند از :

۱- سخنرانی مسئولین قوه قضاییه

۲- غرس نهال در عرصه‌های مخروطیه و احیای منابع طبیعی

۳- انجام مانورهای حفاظتی در عرصه‌های مختلف منابع طبیعی برای کشف قاچاق چوب، کنترل تجاوز و تخریب با هدف ایجاد نا امنی برای متجاوزین به منابع طبیعی.

۴- انجام سمینار مشترک علمی با دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی و آموزشی به منظور بررسی وضعیت حفظ منابع و توسعه پایدار و روشهای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در منابع طبیعی تجدید شونده

۵- تجلیل از نمونه‌های علمی و محافظین نمونه منابع طبیعی کشور با حضور مسئولین

۷ روز چهارم - منابع طبیعی، سازمانهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی

با توجه به توانایی سازمانهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی در فرهنگ سازی و بسیج نیروهای مردمی یکی از روزهای هفته منابع طبیعی به نام آنها نامگذاری شده است

در این روز عملیات غرس نهال به صورت گسترده و فراگیر در عرصه‌های منابع طبیعی سراسر کشور با حضور داوطلبان و خودجوش مردمی در قالب سازمانهای غیر دولتی، تشکلهای محلی، شوراهای اسلامی و تعاونی‌های منابع طبیعی به اجرا در خواهد آمد

اهم فعالیت‌های این روز عبارتند از :

۱- غرس نهال توسط NGOها و اعضای شوراهای اسلامی

۲- سخنرانی‌های مسئولین در خطبه‌های نماز جمعه

برنامه ملی نهضت سبز ایران

برنامه های اجرایی:

این برنامه در قالب طرح اجرایی با عناوین زیر در اراضی ملی، دولتی و خصوصی به مرحله اجرا در می آید:

- ۱- احیاء و غنی سازی جنگل
 - ۲- توسعه جنگل
 - ۳- فضای سبز محاط
 - ۴- پارک جنگلی دست کاشت
 - ۵- کمربند سبز اطراف شهر و روستا
 - ۶- درختکاری حاشیه راهها
 - ۷- بادشکن مزارع
 - ۸- طرح طوبی
 - ۹- جنگلکاری تلفیقی
 - ۱۰- بیابان زدایی و تثبیت ماسه های روان
 - ۱۱- زراعت چوب گونه های سریع الرشد.
- همکاران و مشارکت کنندگان در اجرای برنامه:**
- ۱- وزارت جهاد سازندگی
 - ۲- وزارت کشور
 - ۳- وزارت آموزش و پرورش
 - ۴- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 - ۵- نیروی مقاومت بسیج
 - ۶- سازمان صدا و سیما
 - ۷- سازمان نهضت سوادآموزی
 - ۸- جمعیت هلال احمر
 - ۹- وزارت راه و ترابری
 - ۱۰- وزارت صنایع و معادن
 - ۱۱- وزارت نفت
 - ۱۲- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
 - ۱۳- ارتش جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۴- سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری تهران
 - ۱۵- وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
 - ۱۶- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی
 - ۱۷- تشکل های مردمی و سازمانهای غیر دولتی (NGO ها).
 - ۱۸- سازمان حفاظت محیط زیست
 - ۱۹- دانشگاه آزاد اسلامی
 - ۲۰- سازمان تربیت بدنی
 - ۲۱- مرکز ملی جوانان
 - ۲۲- وزارت مسکن و شهرسازی
 - ۲۳- وزارت تعاون
 - ۲۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
 - ۲۵- سازمان اوقاف
 - ۲۶- وزارت کشاورزی
 - ۲۷- شوراهای اسلامی
 - ۲۸- بانکها

برنامه ملی

منابع طبیعی تجدید شونده که جنگلها بخشی از آن به شمار می روند در حقیقت از ارکان اصلی توسعه پایدار در هر کشور به شمار می آیند.

مطابق نظر کارشناسان جهانی از جمله FAO، چنانچه سطح جنگل های هر کشور کمتر از ۲۵٪ خاک باشد، از نظر محیط زیست انسانی وضعیت بحرانی در آن کشور حاکم می شود. در حال حاضر سطح پوشش جنگل در ایران حدود ۷،۵٪ مساحت کشور می باشد، از طرف دیگر سرانه جنگل در جهان ۰،۸ هکتار و این شاخص در کشورمان حدود ۰،۴ هکتار است. لذا گسترش فضای سبز و جنگل و نزدیک شدن به شاخص های جهانی امری اجتناب ناپذیر و ضروری می باشد. به منظور دستیابی به این هدف مهم، برنامه ملی نهضت سبز با هدف جنگل کاری و توسعه فضای سبز در نقاط مستعد کشور به مرحله اجرا در می آید. برنامه ملی نهضت سبز در واقع یک فراخوان ملی و مشارکت عمومی برای افزایش سطح پوشش جنگل و فضای سبز از سطح ۷/۵٪ فعلی به سطح ۱۰٪ مساحت کشور طی یک برنامه بلند مدت بیست ساله می باشد.

سطح اجرایی برنامه در کل کشور چهار میلیون هکتار است که حدود دو میلیون هکتار مربوط به احیاء و توسعه جنگل، یک میلیون هکتار مربوط به توسعه فضای سبز و یک میلیون هکتار مربوط به طرح طوبی می باشد.

اهداف برنامه ملی نهضت سبز:

۱. ترویج فرهنگ منابع طبیعی و فضای سبز
۲. جلب مشارکت مردم و دولت در حفظ، احیاء و توسعه منابع طبیعی
۳. افزایش کمی و کیفی جنگل های موجود
۴. احیاء اراضی بیابانی و کویری و جلوگیری از حرکت ماسه های روان
۵. حفاظت از خاک و آب و بهره برداری بهینه از آنها
۶. تولید چوب و محصولات کشاورزی نظیر زیتون، گردو، بادام، پسته و ...
۷. کاهش فشار بهره برداری از جنگل های صنعتی کشور
۸. استفاده از توان بالقوه سازمانها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی و تقویت روحیه تعاون و همکاری مشترک بین این سازمانها و مردم
۹. جلوگیری از بروز سیل و خسارات ناشی از آن
۱۰. کاهش خسارت به محصولات کشاورزی با ایجاد باد شکن در حاشیه مزارع
۱۱. استفاده از هرز آنها در توسعه فضای سبز و تقویت سفره های آب زیرزمینی
۱۲. استفاده تفرجگاهی از محیط های طبیعی، پارکها و توسعه اکوتوریسم
۱۳. ایجاد اشتغال از طریق تولید نهال، توسعه جنگل، زراعت چوب، فضای سبز و صنایع تبدیلی.

مناطق عملیاتی اجرای برنامه:

- برنامه ملی نهضت سبز با دارا بودن اهداف فوق، در مناطقی که در ذیل نام برده شده است عملی خواهد شد:
- جنگل های مخروطی و کم بازده.
 - اراضی بیابانی و کویری.
 - اراضی ملی، خصوصی و دولتی
 - اطراف شهرکهای صنعتی، کارخانجات، تأسیسات و پالایشگاههای نفتی.
 - مسیر راهها و جاده ها.
 - محدوده مدارس، دانشگاهها، ادارات و شرکت های دولتی و خصوصی.
 - محاط پادگانهای نظامی و آموزشی.
 - اطراف مزارع، روستاها و شهرها.
 - سایر نقاط مستعد کشور.

در این روز با حضور مقامات و مسئولین، دانشگاهیان، کارشناسان و آبخیزداران ضمن نهال از عرصه های آبخیز و آبخوان بازدید بعمل خواهد آمد و پروژه های مربوط به آبخیزداری و آبخوانداری نیز افتتاح خواهد شد.

برنامه های این روز عبارتند از:

۱. افتتاح و بازدید از پروژه های آبخیزداری و آبخوانداری در سراسر کشور بصورت همزمان
۲. سخنرانی مسئولین در خصوص اهمیت آبخیزداری و استحصال آب
۳. غرس نهال در عرصه های منابع طبیعی، حوزه های آبخیز و آبخوان با مشارکت آحاد مردم
۴. تشکیل نمایشگاه در خصوص تبیین اهداف و دستاوردهای آبخیزداری
۵. تقدیر و تشکر از نمونه های طرح های آبخیزداری و آبخوانداری.



- ۳- برگزاری مسابقات ترویجی و اهداء جوایز.
- ۴- تشویق سازمان های غیر دولتی و شوراهای اسلامی نمونه
- ۵- قرأت قطعنامه توسط سازمانهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی
- ۶- برگزاری نمایشگاه عکس، کتاب، نقاشی و انجام راهپیمایی سبز به سمت مصلا نماز جمعه
- ۷- سخنرانی مسئولین محترم وزارت کشور در خصوص اهمیت تشکلها

روز پنجم - منابع طبیعی، دانش آموزان و جوانان

برای تحقق فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه " فرهنگ منابع طبیعی باید به معروف عمومی تبدیل شود " و همچنین با توجه به اینکه جوانان و دانش آموزان مهمترین قشر جامعه جوانان ما را تشکیل می دهند یک روز از هفته منابع طبیعی به نام آنان نامگذاری گردید.

در این روز برنامه های مختلف آموزشی، ترویجی، تبلیغی با همکاری و مشارکت وزارت آموزش و پرورش و سازمان جوانان هلال احمر، سازمان ملی جوانان و ... اجرا خواهد شد.

اهم فعالیت های این روز عبارتند از:

۱. حضور ۵۰ هزار نفر از دانش آموزان مدارس سراسر کشور
۲. حضور کارشناسان و مروچین منابع طبیعی در مدارس
۳. برگزاری مسابقات ترویجی، انشاء نویسی، شعر، نقاشی و روزنامه های دیواری، سمینار مشترک با آموزش و پرورش با شرکت اعضای سازمانها و تشکل های دانش آموزی طرفدار طبیعت، اجرای زنگ سبز مدارس، راهپیمایی سبز توسط دانش آموزان.
۴. تقدیر و تشکر از نمونه های دانش آموزی و جوانان
۵. سخنرانی مسئولین محترم آموزش و پرورش در خصوص اهمیت منابع طبیعی و نقش دانش آموزان و جوانان در زمینه مذکور.

روز ششم - منابع طبیعی و آبخیزداری و امنیت آب

با توجه به نقش آبخیزداری در کنترل سیلاب و فرسایش و مدیریت آب و خاک و همچنین نظر به وضعیت موجود خشکسالی و بحران آب در کشور یک روز از ایام هفته تحت عنوان " آبخیزداری و امنیت آب " نامگذاری شده است.

روز هفتم، جشن درختکاری

همه ساله بر اساس یک سنت دیرینه در ۱۵ اسفند ماه به مناسبت روز ملی درختکاری برنامه های ویژه ای با عنوان جشن درختکاری با حضور اقشار مختلف مردم برگزار می شود. اسامی نیز این مراسم در یکی از عرصه ها با غرس نهال برگزار می گردد

در این روز طرح های قابل افتتاح منابع طبیعی در سراسر کشور بصورت همزمان افتتاح می شود.

از اهم برنامه های این روز:

- ۱- غرس نهال توسط اقشار مختلف مردم
- ۲- تقدیر و تشکر از درختکاران نمونه
- ۳- بازدید از طرح های موفق منابع طبیعی
- ۴- توزیع نشریات ترویجی و آموزشی
- ۵- برگزاری مراسم جشن طبیعت با بهره گیری از اجرای سرود، تانز، مسابقات و ...
- ۶- سخنرانی یکی از مسئولین محترم در خصوص اهمیت منابع طبیعی و فضای سبز



تالاب انزلی

گرم و پرفروش می‌فرامد
سرد و فاموش خواهد شد
اگر ...

نسترن روحانی‌فرد

آب، خاک، هوا

مقدمه

سرسیزی و لطافت، شادابی، طراوت، زیبایی و ابهت همگی تمت و سخاوت پروردگارتند که مرهون نزولات آسمانی و گستره‌های آبی در خطه گیلان می‌باشند. رودها و رودخانه‌ها، آبگیرها و تالاب‌ها همه پنجه در پنجه هم جان تشنه گیلان زمین را سیراب می‌کنند که حاصل این همکاری زمین‌هایی آباد و پر محصول است.

یکی از این پهنه‌های آبی و شاید مهم‌ترین آنها، «تالاب انزلی» است که با تمام زیبایی و عظمتش، سخاوتمندانه خود را بر تن زمین جاری کرده و هزاران هزار موجود زنده را در دامان خود می‌پرورد.

تالاب انزلی یکی از ۱۸ تالاب بین‌المللی ایران در کنوانسیون «رامسر» و یکی از نقاط استثنایی و بسیار متنوع از نظر اکولوژیک و زیستی در سطح جهان است. مجموعه‌ای از گیاهان و جانوران گوناگون و مناظری بدیع و بی‌نظیر که همانند آلبومی زنده، شاهکار خداوند را در برابر دیدگان مشتاقان و عاشقان طبیعت به نمایش گذارده است تا لذت ببرند، شاکر باشند، اذهان مخرب را آگاهی بخشد و از طبیعت حمایت کنند که «آب رفته به جوی باز نمی‌گردد».

این تالاب که در حصار شهر انزلی گرفتار آمده، از بی‌مهری انسان‌ها نیز بی‌بهره نمانده است و مشکلات و مسائلی را تحمل می‌کند که ادامه آن می‌تواند به نابودی این اکوسیستم غنی و ثروت عظیم الهی بینجامد.

سیمای جغرافیایی و اقلیمی تالاب انزلی

تالاب انزلی در استان گیلان در جنوب دریای خزر در ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی واقع است.

وسعت این تالاب در سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۵۰ شمسی حدود ۲۰ هزار هکتار بود. از سال ۱۳۵۶ به بعد توسط اشخاص یا نهادهای واگذار شد، به طوری که در سال ۱۳۶۰ وسعت آن به ۱۶ هزار هکتار رسید. این اعداد و آمار نگران‌کننده تا حدودی می‌توانند میزان تخریب و هجوم به تالاب و همچنین آینده‌ی نه چندان روشن آن را در صورت عدم توقف این روند را یادآور شوند.

در حال حاضر طول متوسط تالاب در امتداد شرقی - غربی، حدود ۳۰ کیلومتر و عرض متوسط آن در امتداد شمالی - جنوبی حدود ۳ کیلومتر

است. عمق تالاب در نقاط مختلف آن بین ۲/۸۰ - ۱/۲۵ متر متغیر است. این تالاب از طریق یک کانال کشتیرانی ۱۸۰۰ متری، با دریای خزر مرتبط است. از نظر موقعیت جغرافیایی در تالاب انزلی می‌توان چهار بخش متمایز را مشاهده کرد:

۱. بخش شرقی، که دارای عمق بسیار کمی است.
 ۲. بخش مرکزی.
 ۳. بخش غربی، که عمیق‌ترین بخش تالاب است.
 ۴. بخش سیاه‌کشم، که به دلیل خصوصیات ویژه به عنوان منطقه حفاظت شده تعیین شده است.
- همان طور که گفته شد تالاب انزلی در منطقه گیلان واقع است در نتیجه از مشخصات اقلیمی منطقه تبعیت می‌کند. درجه حرارت آن تابع حرارت محیط اطراف است و تغییرات درجه حرارت در شبانه روز زیاد نیست. حداقل آن صفر درجه و حداکثر آن بین ۳۶ - ۳۳ درجه سانتیگراد است. بارندگی در بیش از ۹۵ درصد منطقه بیشتر از ۸۰۰ میلی‌متر و میانگین بارش سالانه بین ۲۰۰۰ - ۱۵۰۰ میلی‌متر است و میانگین سالانه رطوبت نسبی آن از ۸۲ درصد فراتر می‌رود.

اندوخته‌های تالاب انزلی

تالاب‌ها و اکوسیستم‌های آبی هر کشور ارزش‌های فراوانی بویژه از جنبه زیست‌محیطی دارند و به عنوان سرمایه‌های ملی و گاه بین‌المللی. باید از آنها حفاظت کرد. بهره‌وری درست و مستمر از منابع طبیعی با روش‌های صحیح و مدیریت آگاهانه تضمین می‌شود و ایجاد این تعادل مناسب زیستی بین اعضای تشکیل دهنده چرخه حیات، بشر را به سوی رشد و تکامل سوق می‌دهد.

تالاب انزلی نیز یکی از این اکوسیستم‌هاست که به تشخیص کارشناسان محیط‌زیست مناطقی از آن تحت عناوین مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این مناطق عبارتند از:

۱. منطقه حفاظت شده سیاه‌کشم که در جنوبی‌ترین بخش تالاب واقع است و در برگیرنده ۴۵۰۰ هکتار از اراضی ماندابی نزدیک تالاب می‌باشد.
۲. پناهگاه حیات وحش سلکه که در جنوب شرقی تالاب واقع است و وسعت آن ۳۶۰ هکتار می‌باشد.
۳. منطقه شکار متنوع سرخان گل.

پوشش گیاهی تالاب انزلی

پوشش گیاهی تالاب انزلی عمدتاً گیاهان

آبزی است که علاوه بر فتوسنتز و ساخت مواد آلی برای دیگر موجودات زنده، به عنوان پناهگاهی برای جانوران تالاب مانند ماهیان به حساب می‌آیند. در ضمن می‌توانند محل امنی برای لانه‌گذاری، تخم‌گذاری و جوجه‌آوری پرندگان بومی و مهاجر تالاب باشند. گیاهان تالاب انزلی در چهار دسته به شرح زیر می‌باشند:

۱. گیاهان اراضی پیرامون تالاب

اراضی اطراف تالاب دارای خاک مرطوبی است بنابراین گیاهاتی که به مقادیر زیاد رطوبت نیاز دارند در آنجا رشد می‌کنند. اغلب گیاهان این بخش درخت‌ها و درختچه‌ها هستند که بعضی از آنها عبارتند از: شب‌خسب، توسکا قشلاقی، درمنه، جگن، نخل تالایی، سازو، سفید پلنت، گردو و ...

۲. گیاهان حاشیه‌ای یا پایایی (Emergent Plants)

ریشه این گیاهان در خاک، بخش پایینی آن در آب و برگ‌ها و گل‌هایشان در خارج از آب قرار دارند برخی از آنها عبارتند از: نی (بوریا)، لویی، علف هفت بند، تیرکمان آبی، لاله تالایی،

آب، خاک، هوا



جانوران که اعضای مهم هر اکوسیستم محسوب می‌شوند، مصرف‌کننده انرژی در زنجیره‌های غذایی هستند و در عین حال روند طبیعی را در محیط حفظ می‌کنند. در تالاب‌ها بخصوص تالاب انزلی که شرایط اقلیمی و اکولوژیک خاصی دارند، جانوران بسیاری اعم از مهره‌داران و بی‌مهرگان یافت می‌شوند که با یکدیگر مجموعه‌ای کامل و پایدار تشکیل می‌دهند.

۱. آبزیان

از ۲۰ گونه ماهی که در تالاب انزلی یافت می‌شود ۱۱ گونه‌ی آن بومی، ۸ گونه‌ی آن مهاجر و یک گونه نیمه مهاجر است که برای تخم‌ریزی، زاد و ولد و گاه زیستن، به تالاب روی می‌آورند. ماهیان با ارزش‌ترین گونه‌های آبزی تالاب و دارای اهمیت اکولوژیک و اقتصادی خاصی هستند و همچنین یکی از مهم‌ترین انواع پروتئین حیوانی می‌باشند که از نظر مواد غذایی در مقایسه با سایر پروتئین‌های جانوری، از ارزش بیشتری برخوردارند.

۳. گیاهان شناور (Floating Plants)

برگ‌های این گیاهان بر سطح آب شناور است و ریشه آنها در بستر تالاب و عموماً گل‌هایشان خارج از آب قرار دارد. محل تجمع آنها غالباً در قسمت‌های بدون باد و آرام آب است. بعضی از آنها عبارتند از: اوتریکولاریا، سالوین (سرخس آبزی)، هیدروکاریس (علف قورباغه)، انواع عدسک آبی، انواع علف هفت‌بند، نیلوفر آبی سفید، نیلوفر آبی‌زرد، آزولا و ...

۴. گیاهان غوطه‌ور (Submerged Plants)

این گیاهان به طور کامل یعنی با تمام اعضای رویش و زایش خود در آب غوطه‌ورند و البته ممکن است که گل آنها در سطح آب شکفته شود. برخی از آنها عبارتند از: انواع جلبک‌ها، گوشاب شانه‌ای، هزاربرگ، سراتوفیلوم شناور، تیزک، والیس نریای پیچیده و ...

حیات وحش تالاب انزلی

ماهیان بومی تالاب انزلی عبارت‌اند از: اردک‌ماهی، ماش‌ماهی، سیاه کولی، لای‌ماهی، سفیدکولی، گریه ماهی، سوف حاجی طرخان و آمورسفید. ماهیان مهاجر آن نیز عبارت‌اند از: سیم، سوف، گلمه، سفید، سس ماهی و کپور.

۲. پرندگان

تالاب انزلی محلی مناسب برای زمستان‌گذرانی، تخم‌گذاری و جوجه‌آوری پرندگان آبی مهاجر و محلی امن برای زندگی دایمی پرندگان بومی است. این تالاب به دلیل قرار گرفتن در مسیر مهاجرت پرندگان شمالی، در فصول سرد سال یکی از مهم‌ترین پناهگاه‌ها برای این جانوران محسوب می‌شود، به طوری که چند گونه از پرندگانی که در معرض تهدید جهانی هستند، در این منطقه زمستان‌گذرانی می‌کنند نظیر: بالکلن کوچک، پلیکان خاکستری، غاز پیشانی سفیدکوچک، عقاب‌دریایی دم سفید و خروس کولی.

در تالاب انزلی ۱۸۷ گونه پرنده به طور مسلم و ۳۳ گونه به طور محتمل شناسایی شده که ۱۳۰ گونه آن آبی از ۱۰ راسته و ۳۱ خانواده می‌باشد.

۱۷٪ یا بیشتر از پرندگان مهاجر در سطح ایران، در تالاب انزلی وجود دارند که این خود نشان دهنده برتری وضعیت طبیعی این تالاب نسبت به نقاط دیگر ایران است. تعدادی از پرندگان بومی تالاب انزلی عبارت‌اند از: کشیم کوچک، بالکلن کوچک، بوتیمار کوچک، حواصیل شب، حواصیل زرد، گاوچرانک، حواصیل ارغوانی، فلائینگو، عروس‌غاز، غاز پیشانی سفید کوچک، قوی گنگ، قوی‌فریادکش، قوی کوچک، خوتکا، گیلار، فیلوش، خوتکای سفید، اردک بلوطی، مرگوس سفید، عقاب‌ماهی‌گیر، کورکور حنایی، عقاب دریایی دم سفید، طرلان، انواع سارگه، انواع شتر، انواع آبلجیک، انواع کاکایی، انواع پرستوی دریایی و ...

۳. خزندگان

این گروه شامل سه راسته سوسمارها، لاک‌پشت‌ها و مارهاست.

۴. دوزیستان

پنج گونه قورباغه از چهار خانواده در این تالاب یافت می‌شود.

۵. پستانداران

این گروه شامل چهار دسته است:

- موش‌خواران مانند: شغال، سمورآبی، گریه جنگلی
- زوج‌سان مانند: گراز.
- خشره‌خواران مانند: خشره خردورنگ.
- چونندگان مانند: شنی، سنجابک و موش سیاه.

عوامل مؤثر در تغییرات و تخریب

تالاب انزلی

هر اکوسیستم آبی و تالابی براساس توانی اکولوژیک خود و در صورت عدم وجود عامل فشار و فاکتورهای محدود کننده مانند هر محیط دیگری به حیات خود ادامه می‌دهد و در هر روند تکاملی خود به منطفه‌ای خشک و بدون آب تبدیل می‌شود. اما فعالیت‌های مختلف بدون توجه به حیاتی که در اکوسیستم جریان دارد، باعث تخریب آن می‌شود. بعضی از این عوامل انسانی و گاه طبیعی به اختصار در زیر آمده است:

۱. دریای خزر که دارای نوسانات منظم و همیشگی است، بر خصوصیات ژئومورفولوژیکی تالاب انزلی تأثیر می‌گذارد و با هر تغییری در

شهر صنعتی رشت که بالغ بر ۱۵۰ واحد صنعتی در آن فعالیت دارند، حجم عظیمی از مواد آلاینده را به سوی تالاب هدایت می‌کند.

۶. افزایش مواد غذایی درون آب (از طریق کودهای شیمیایی فشره و ازته) باعث رشد و توسعه بیش از حد گیاهان آبی می‌شود که به این ترتیب تالاب توسط آنها اشغال شده و آزیان اکسیرن لازم را برای ادامه حیات از دست می‌دهند. گاهی نظیر آرزولا (گونه‌ای مهاجم و وارداتی) که تاکنون راه حلی برای مقابله با افزایش سریع آن پیدا نشده است، از جمله این گیاهان است.

۷. کشاورزان منطقه، اراضی تالابی را برای زراعت خشک می‌کنند که علاوه بر کاهش وسعت

این تالاب که در حصار شهر انزلی گرفتار آمده،

از بی‌مهری انسان‌ها نیز بی‌بهره نمانده است و مشکلات و مسائلی را

تحمل می‌کند که ادامه آن می‌تواند به نابودی این اکوسیستم غنی و

ثروت عظیم الهی بینجامد.

تالاب مشکلات ناشی از کشاورزی نیز به تالاب لطمه می‌زند.

۸. بر اثر تغییرات اقلیمی در منطقه، میزان آب‌های ورودی به تالاب به شدت کاهش می‌یابد. دلایلی که ذکر شد به همراه ده‌ها دلیل دیگر همگی نشان دهنده عدم مدیریت صحیح مسئولین و عدم توجه و علاقه مردم به محیط‌های طبیعی است که

هر یک می‌توانند هیچ ارتباطی میان آنها و طبیعت وجود ندارد و وظیفه حمایت از آن به عهده دیگران است. در حالی که تمام نکات یاد شده به طور مستقیم و غیرمستقیم به دلیل بی‌مهری، عدم احساس مسئولیت و بی‌توجهی آنها به الطاف الهی است.

مانند همیشه چشمان طبیعت، امیدوارانه به دستان یاریگر کسانی می‌نگرد که پیوند مقدس انسان و طبیعت را ارج می‌نهند و خداوند نیز یاور یاوران طبیعت است.

منابع و مآخذ

۱. بهروزی‌راد، بهروز، فهرست مناطق تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۹۹.
۲. روحانی‌فرد، نسرین، بررسی اکولوژیکی بالا آمدن آب دریای خزر بر روی تالاب انزلی، پایان‌نامه کارشناسی، ۱۳۷۷.
۳. ریاضی، بهران، سیاه‌کشم اکوسیستمی ویژه از تالاب انزلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۷۵.
۴. منوری، سیدمحمد، بررسی اکولوژیکی تالاب انزلی، انتشارات گیلکان، ۱۳۶۹.
۵. توسعه صنایع در استان گیلان بخصوص در شهرهای اطراف تالاب انزلی از جمله شهرستان رشت، باعث مشکلاتی در این خصوص شده است. تخلیه فاضلاب‌های صنعتی این مراکز بخصوص

شرکت مهندسی تصفیه آب و سیستم های فاضلاب (سهامی خاص)

آب را به چه مقصد صنعتی می خواهید؟

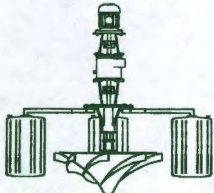
پساب کارخانه را چه می کنید؟



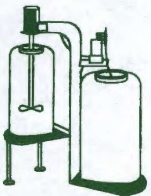
آب اندلیتس



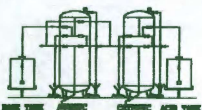
CHESHMHEH



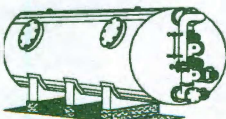
SURFACE AERATOR



CHLORINATOR



DEIONIZER



SAND FILTER



WATER SOFTENER

آب علاوه بر مصارف عام آشامیدنی در صنایع غذایی، واحدهای مولد بخار، صنایع گرمایشی و سرمایشی، صنایع فولاد، سیمان، لاستیک و به عنوان حلالی موفق در صنایع شیمیایی و صنایع کشاورزی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در صنایع فوق آب بنا بر مکانیسم های مختلف صنعت بطور متناسب باید تصفیه و بهسازی گردد. در این صورت مراحل مختلفی را باید پشت سر گذاشته تا قابل استفاده شود. این مراحل را در مفهوم تکنولوژی آب تصفیه آب (WATER TREATMENT) می‌گویند.

همچنین پسلهای کارخانجات نیز اساساً به دو دسته انسانی و صنعتی تقسیم بندی می‌شوند که می‌توانند آلوده کننده محیط زیست باشند. لذا، از نظر سالم سازی محیط زیست چه از نظر بیولوژیکی و چه از نظر فیزیکی و شیمیایی در صورتی که بدون انجام اعمال تصفیه بر روی آنها وارد محیط زیست شوند عواقب ناخوشایندی را در پی خواهد داشت. بنا براین به منظور سالم سازی محیط زیست همواره باید عملیات تصفیه مذکور را بر روی پسلهای اعمال نمود. این عملیات در مفهوم تکنولوژیک خود تصفیه فاضلاب (WASTE WATER TREATMENT) نامیده می‌شود.

شرکت آب اندلیش بمنابه واحد بازرگانی و امور فنی و مهندسی شرکت دفاتر پشته‌نشین ای بیش از یک قرن دانش و تجربه در زمینه تصفیه آب و سیستمهای فاضلاب دارد. فعالیتهای این شرکت در زمینه های زیر شامل شناسایی و بررسی و طراحی تولید و اجرای سیستمهای تصفیه آب و فاضلاب تلاشی پیوسته در توسعه و ارتقاء صنعت آب و فاضلاب کشور در راستای دگرگون نمودن، سالم سازی و توسعه محیط زیستی ایده آل برای جامعه ایرانی است.

شناسایی و بررسی اولیه حوزه ها و منبع آبی کشور.

* بررسی وضعیت کیفی و کمی منابع آب زیرزمینی و سطحی در عرصه صنعت، کشاورزی و شرب.

* شناسایی، بررسی و حل معضل فاضلهای انسانی و صنعتی و رفع آلودگیهای مختلف و عوامل مزاحم زیست محیطی.

* ترویج و نشر آخرین دستاوردهای علمی، فنی و تخصصی در زمینه مربوطه.

* تهیه، طراحی و ساخت انواع سیستمهای سختی گیر.

* تهیه، طراحی و ساخت انواع سیستمهای فیلتراسیون از نوع شنی - آنتراسیت و کربن اکتیو.

* تهیه، طراحی و ساخت ستونهای بی یون کننده آب (دیونایزرها)

* تهیه و اجرای انواع سیستمهای آب شیرین کن و امکان اخذ افر دستگاه های اسمز معکوس و الکترودیالیزاز کمپانیهای خارجی و طراحی و اجرای روش حرارتی (تقطیر، تبخیر و ...)

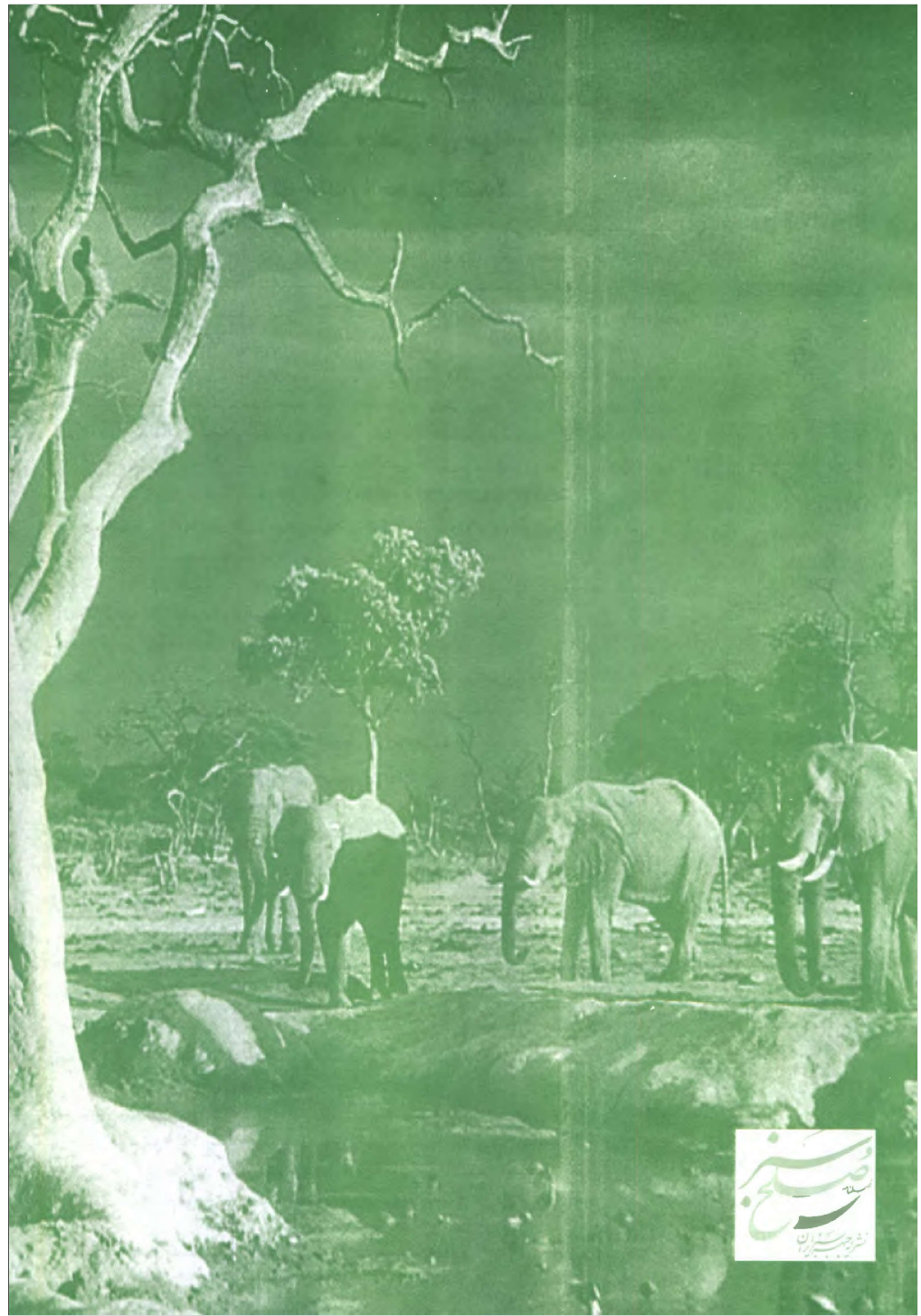
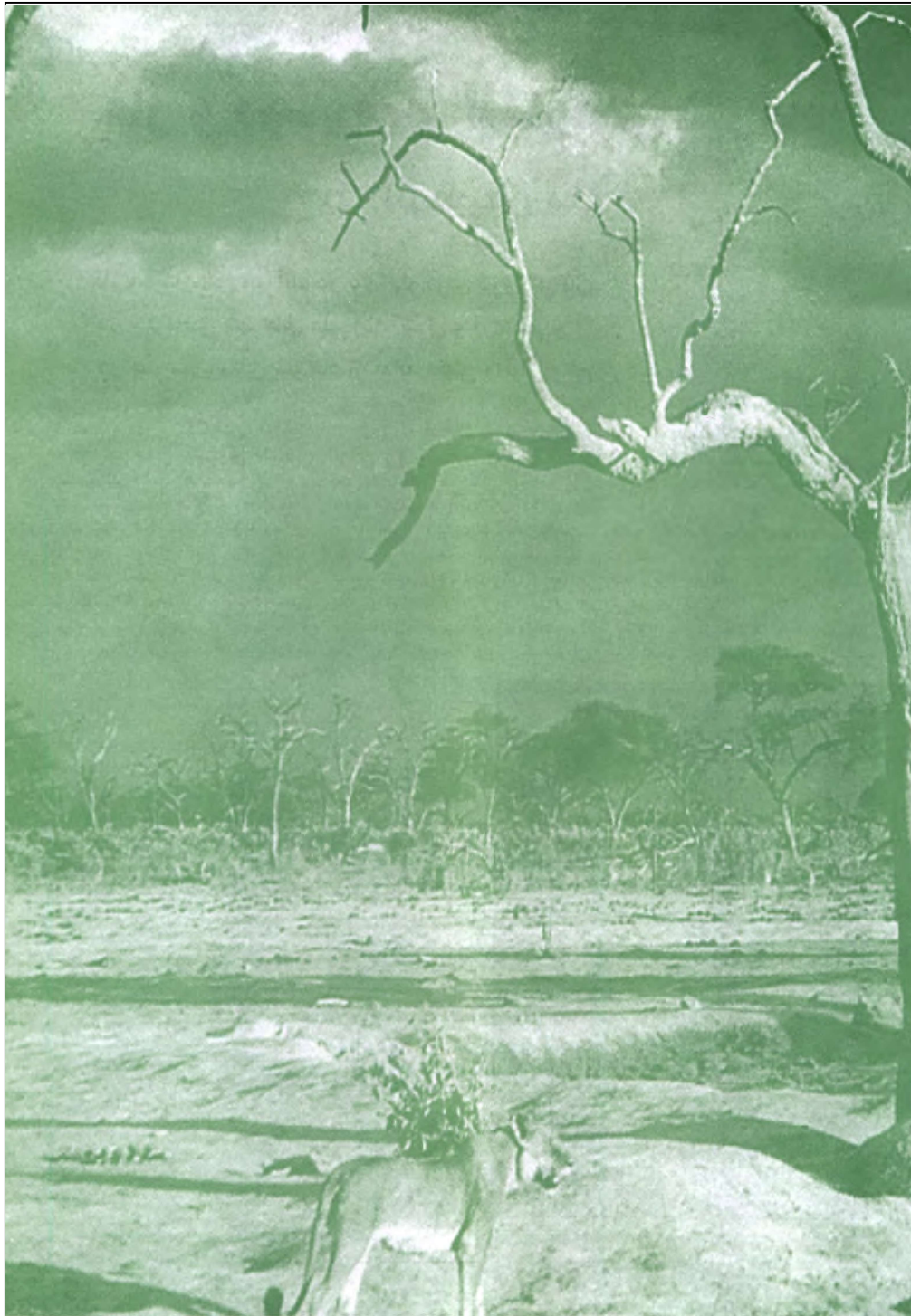
* تهیه، طراحی و اجرای انواع سیستمهای زلال سازی آب از قبیل کلاریفایرها، اکسیلاتورها و سیکلونها و ...

* تهیه، طراحی و اجرای انواع سیستمهای تزریق مواد شیمیایی به آب بطور موثر و مقاوم سازی بنده مخازن در برابر خوردگی. (COATING)

* تهیه، طراحی و اجرای سیستمهای تصفیه فاضلاب انسانی و صنعتی.

* تهیه، طراحی و اجرای تلمیسات تصفیه آب و فیلتراسیون بروش شنی و دیاتومیت جهت مصارف مجتمع های رفاهی ورزشی شامل استخر - سونا - جکوزی حوضچه آب سرد و ..

شرکت مهندسی آب اندلیش خرسند است ضمن اعلام برخی از خدمات انجام شده خود در قاصی نقاط کشور در چیلگاه اصلی خویش هم به عنوان یک واحد مهندسی (فنی - بازرگانی) و هم بعنوان جزئی فصل از صنعت آب و فاضلاب کشور تلاشی پیوسته در شناساندن صنعت آب و فاضلاب آن گونه که در خور آن است را داشته و نیز همواره بر آن بوده تا در راه دگرگون نمودن سالم سازی و توسعه محیط زیستی اید آل برای جامعه ایرانی کوشا باشد.



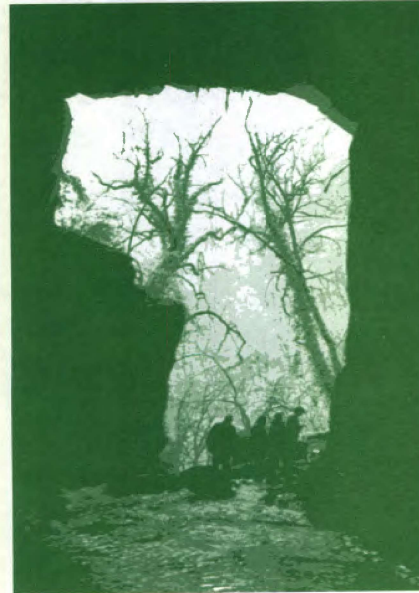
غار و مجموعه‌ی آبشارهای شیرآباد

یک اثر طبیعی ملی

غار و آبشارهای شیرآباد در ۵۵ کیلومتری شرق گرگان، در حد فاصل شهرهای علی‌آباد کتول و آزادشهر و در جنوب روستای شیرآباد از توابع بخش رامیان واقع گردیده‌اند.

رسمالعلی قاضی
کارشناس محیط زیست استان گلستان

گرگان، در حد فاصل شهرهای علی‌آباد کتول و آزادشهر و در جنوب روستای شیرآباد از توابع بخش رامیان واقع گردیده‌اند. فاصله‌ی این غار و آبشارهای آن از روستای شیرآباد کمتر از ۲۰ کیلومتر است. بعد از گذشتن از جاده‌ی ماشین‌رو در جنوب شیرآباد، منطقه جنگلی شده و به حاشیه رودخانه ختم می‌شود که منطقه‌ی بیلابقی بوده و استعداد و آمادگی ایجاد اطراف برای علاقه‌مندان را دارد. پستر رودخانه در تمام طول مسیر با وجود سنگ‌های آذرین تیره‌رنگ و به دلیل همجواری طبیعت اطراف اهمیت و گیرایی خاصی دارد.

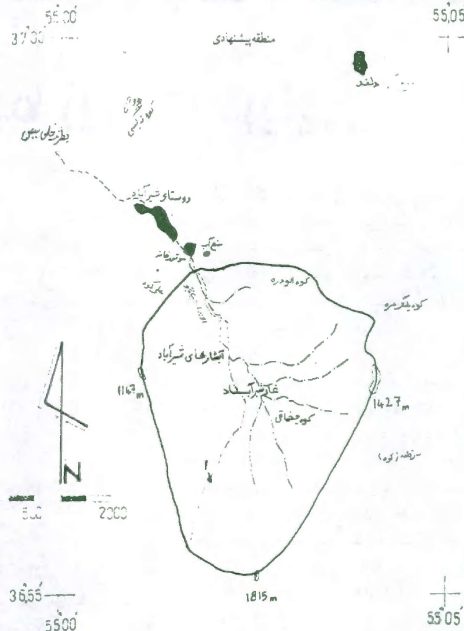


این غار در ارتفاع حدوداً ۲۴۵ متری از سطح دریا قرار دارد. طول آن در حدود ۲۳۵ متر و قطر دهانه آن نیز ۱۵ - ۹ متر است. در کف آن آب سردی در حدود ۱۱ - ۱۰ درجه‌ی سانتیگراد جاری بوده که این آب به رودخانه‌ی شیرآباد در دامنه‌ی پایین غار می‌ریزد. در این مجموعه‌ی آبی، هفت آبشار بسیار زیبا در محیط جنگلی کوهستانی وجود دارد که مورد بازدیدبسیاری از علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

غار شیرآباد
غار شیرآباد یکی از غارهای مهم طبیعی و جالب بوده که دست بشر در ساخت آن دخالتی نداشته است. ضمناً با

موقعیت جغرافیایی
غار و آبشارهای شیرآباد در ۵۵ کیلومتری شرق

نقشه اثر طبیعی ملی غار و آبشارهای شیرآباد



مسافت ۱۶۵۰ هکتار
کوه قله‌ها
کوه پیران
۲۳۹۲
جاده مازنی
رودخانه
مرزخونه
راهنی
۳۶۵۳
۵۵۰۰
۱۸۱۵
۵۵۰۵

غار شیرآباد یک غار طبیعی است که با سرازیر بودن آب از آن، زیستگاه بسیار جالبی برای بعضی از گونه‌ها از جمله سمندر کوهستانی ایرانی که بومی سرزمین ماست، بوجود آمده است.

به دلیل ویژگی‌های ساختمانی و جنس زمین، حرکت آب باعث تشکیل استخر، استلاکتیت، بسترگلی و چسبیده و پدیده‌های مختلفی در طول مسیر شده است. این امر باعث به وجود آمدن انگیزه و گیرایی فراوانی در علاقه‌مندان برای کشف اسرار طبیعت گردیده است. در حال حاضر تاریکی مطلق در بیشتر مسیر غار و همچنین انعکاس صدای حرکت آب در مسیر، تبدیل به زمزمه و صداهایی در غار شده که این امر شایعات مختلفی را در مورد غار بین اهالی رواج داده است.

آبشارهای شیرآباد
به دلیل شیب‌های تند رشته کوه‌های البرز در ناحیه شرقی و وجود چشمه‌سارهای فراوان در

دامنه‌ی کوه قله‌ساران، آبشارهای کوچک و بزرگی شکل گرفته که در بین آنها ۷ آبشار، در محدوده‌ی غار شیرآباد در بخش صخره‌ای قرار گرفته‌اند. ارتفاع یکی از آنها در حدود ۲۰ متر است و آب‌های تیره‌ه‌ام که با درخشندگی از این ارتفاع به داخل استخرهای پایین دست فرو می‌ریزند، به عنوان عنصر ممتاز طبیعی به شمار می‌آید و قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای برای جذب جهانگردان و محققین ایرانی و خارجی و دیگر علاقه‌مندان دارد. امروزه این مجموعه آبشارها مورد توجه علاقه‌مندان زیادی قرار گرفته که درفصول مساعد از آن دیدن می‌کنند.

غار شیرآباد به عنوان یک زیستگاه

دوزستان جانورانی هستند که قسمتی از زندگی خود را در آب و قسمت دیگر را در خشکی می‌گذرانند. آنها به اشکال مختلفی تکامل پیدا کرده‌اند و امروزه در بعضی از غارهای دنیا ساکن هستند. از آنجا که دوزستان تغذیه زیادی دارند، در تنظیم جمعیت هزاران گونه از بی‌مهرگان که از آنها استفاده غذایی می‌کنند، نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

متأسفانه آدمی با توسعه‌ی کشاورزی سطح وسیعی از مساعدترین زیستگاه آنها را تخریب نموده و شرایط را برای زندگی و تولید مثل کلیه موجوداتی که از گیاهان تغذیه می‌کنند، دشوار کرده است. و به این ترتیب در مناطقی که تعداد دوزستان کاهش می‌یابد، به طور حتم خسارتی به گیاهان وارد شده و در نتیجه در کنترل جمعیت پاره‌ای از بی‌مهرگان نیز اختلال ایجاد خواهد شد.

از آن‌جا که محیط‌های بیرونی غار، کوهستانی و جنگلی بوده و با گونه‌هایی از درختان و درختچه‌ها مانند مرز، افرا، انجیلی، توسکا، همیشک، دار دوست، خزدها و گیاهان گلدار و دیگر گونه‌های بهین برگ خزری پوشیده شده، مکانی برای زیست مرال، شوکا، خرس، پلنگ، خوک‌وحشی، گوبه‌وحشی، گربه جنگلی و دیگر گونه‌های جانوری می‌باشد. در قسمت درونی دهانه‌ی غار شیرآباد به دلیل وجود شرایط مطلوب و آب، گونه‌هایی از بی‌مهرگان، حشرات، گاماروس‌ها، کرم‌های پهن‌آزاد، عنکبوت‌های پابلند، خرچنگ آب شیرین، سوسک، خفاش و سمندر جویباری یا کوهستانی ایرانی *Batrachuperus Persicus*. که یکی از گونه‌های مهم کیباب جانوری ایران است، زندگی می‌کنند.

حقوق بین‌الملل دریاها و حفاظت

از محیط زیست دریایی

دکتر سید فاسم زمانی

به مناطق خشکی) و فقدان قدرتی فرا ملی در حمایت از این اکوسیستم، عامل اساسی در تخریب محیط‌زیست دریاها در اثر استفاده بشر بوده است. همچنین تنوع جغرافیایی مناطق مختلف دریایی جهان و کثرت و گونه‌گونی منابع آلاینده دریایی، خود باعث پیچیدگی مسئله شده و بر تلاش‌هایی که جهت استفاده درست و منظم از آب‌ها و اقیانوس‌ها صورت گرفته، تأثیر منفی داشته است. با وجود این، وجه دیگر پیشرفت علم و تکنولوژی مبرهن ساختن خطرات استفاده‌ی بی‌رویه از اقیانوس‌ها و دریاها بوده که از اوایل قرن بیستم تلاش‌های مختلفی را برای کنترل آلودگی و حمایت از محیط‌زیست دریایی باعث شده است.

فصل اول: موری تاریخچه بر حقوق بین‌الملل دریاها و حفاظت از محیط‌زیست دریایی

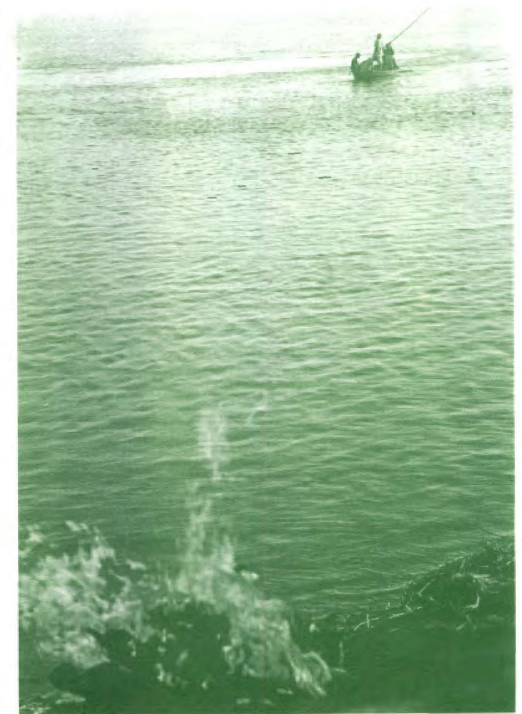
استفاده از آب‌ها در نتیجه افزایش سریع جمعیت و صنعتی شدن جوامع، بسیار متنوع بوده و گسترش یافته است. این بهره‌برداری اغلب بدون ملاحظه ظرفیت و توان این بخش از محیط‌زیست صورت می‌گیرد و تا مدت‌ها، حتی تهدیداتی مؤثر و مناسب برای حفاظت از آن اندیشیده نشده بود. وسعت جغرافیایی آب‌ها (نسبت

به مناطق خشکی) و فقدان قدرتی فرا ملی در حمایت از این اکوسیستم، عامل اساسی در تخریب محیط‌زیست دریاها در اثر استفاده بشر بوده است. همچنین تنوع جغرافیایی مناطق مختلف دریایی جهان و کثرت و گونه‌گونی منابع آلاینده دریایی، خود باعث پیچیدگی مسئله شده و بر تلاش‌هایی که جهت استفاده درست و منظم از آب‌ها و اقیانوس‌ها صورت گرفته، تأثیر منفی داشته است.

با وجود این، وجه دیگر پیشرفت علم و تکنولوژی مبرهن ساختن خطرات استفاده‌ی بی‌رویه از اقیانوس‌ها و دریاها بوده که از اوایل قرن بیستم تلاش‌های مختلفی را برای کنترل آلودگی و حمایت از محیط‌زیست دریایی باعث شده است.

فصل اول: موری تاریخچه بر حقوق بین‌الملل دریاها و حفاظت از محیط‌زیست دریایی

استفاده از آب‌ها در نتیجه افزایش سریع جمعیت و صنعتی شدن جوامع، بسیار متنوع بوده و گسترش یافته است. این بهره‌برداری اغلب بدون ملاحظه ظرفیت و توان این بخش از محیط‌زیست صورت می‌گیرد و تا مدت‌ها، حتی تهدیداتی مؤثر و مناسب برای حفاظت از آن اندیشیده نشده بود. وسعت جغرافیایی آب‌ها (نسبت



مقدمه:

اهمیت دریاها و اقیانوس‌ها در حمل و نقل، شیلات، تأمین انرژی، برخورداری از منابع عظیم معدنی و سهم آن‌ها در برقراری توازن زیست‌محیطی بر همگان آشکار است؛ لیکن این بخش نیز مانند سایر بخش‌های محیط زیست، قربانی بهره‌برداری سوء انسانی شده است.

۱۹۷۸ و آلودگی وسیع سواحل فرانسه بر اثر آن، دولت‌ها را بر آن داشت که از سرسختی دست برداشته و به سوی اتخاذ تدابیر بین‌المللی مناسب برای مبارزه با آلودگی گام بردارند؛ بویژه آنکه با تشکیل کنفرانس جهانی استکهلم (ژوئن ۱۹۷۲) نگرش جدیدی در مورد محیط زیست به نام حقوق بشر ایجاد شد.^۱

ضرورت اقدام بین‌المللی مؤثر و دقیق در حفاظت از محیط زیست دریایی، با سامانه کشتی‌توری کاتیون احساس شد. نتفکش لیبیایی توری‌کاتیون در ۱۸ مارس ۱۹۶۷ در آب‌های آزاد مجاور سواحل انگلستان به یک نخته سنگ برخورد کرد و این امر سبب شد که مقدار زیادی از نفت کشتی به دریا ریخته شود. دولت انگلیس برای جلوگیری از آلودگی بیشتر تصمیم گرفت کشتی مذکور را بمباران کند و با آتش زدن بقیه محموله نفتکش از گسترش میزان آلودگی بکاهد. بعد از این حادثه نامناسب بودن اقدامات بازدارنده و قوانین در مورد مسئولیت حمل و نقل دریایی مطرح شد.

دولت بریتانیا با دعای سیاسی در صدد فائق آمدن بر خسارات قابل توجهی که برای اشخاص خصوصی و مؤسسات دولتی پیش آمده بود، داشت. از این‌رو آن دولت از کشورها درخواست کرد که برای رسیدگی به این مسئله سازمان بین‌المللی مشورتی دریایی (ایمکو) تشکیل جلسه دهد.^۲ همچنین بعد از این سامانه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۸، قطعنامه ۲۴۱۴ در مورد همکاری بین‌المللی در مسائل مربوط به دریاها و اقیانوس‌ها را تصویب نمود و از کشورهای عضو و سازمان‌های بین‌المللی دعوت نمود که روند اتخاذ موافقتنامه‌های بین‌المللی مؤثر در جلوگیری و کنترل آلودگی دریایی را بهبود بخشند. در ۲۱ دسامبر همان سال، مجمع عمومی از دبیرکل درخواست نمود که آلودگی دریاها را به دلیل گسترش استفاده از بستر

دریاها مورد مطالعه قرار دهد. در طول این دوره، تلاش‌های جهانی، بر دستیابی به راه حل مسائل ناشی از سوانح مولد آلودگی جدی دریایی تمرکز یافته بود. سامانه توری‌کاتیون، خود مشکل حل دعاوی در مورد فرامات و مسائل مربوط به مسئولیت در حقوق موجود را آشکار نمود. در نتیجه، ایمکو پیش‌نویس دو کنوانسیون را در ۱۹۶۹ آماده نمود که یکی به مسئولیت مدنی برای جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی و دیگری به مداخله در دریای آزاد در موارد حوادث آلودگی نفتی مربوط می‌شود. متعاقباً در ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس لندن، کنوانسیون مربوط به جلوگیری از آلودگی دریایی به وسیله ریزش ضایعات و دیگر مواد را امضا کردند. یک سال بعد نیز در لندن، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها (کنوانسیون مارپول مورخ ۲ نوامبر ۱۹۷۳) به امضا رسید. در همان سال سومین کنفرانس ملل متحد در هویماها برگزار شد. کنوانسیون نمود که بعد از سال‌ها تلاش کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به امضا رسید که حدود ۶۰ ماده از آن (کل بخش دوازدهم و مواد پراکنده‌ای در سایر بخش‌ها) به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی اختصاص داده شد.

همان‌طور که مشاهده می‌گردد، تا مدت زمانی طولانی، آلودگی نفتی تنها نوع آلودگی به شمار می‌رفت که مورد توجه بود؛ لیکن بعداً دریافته شد که آلودگی ناشی از فعالیت نفتکش‌ها گرچه بیشتر در معرض دید است ولی جدی‌ترین نوع آلودگی به شمار نمی‌رود. کنوانسیون‌های متعددی برای کنترل و ممنوعیت تخلیه و دفع مواد زاید به امضا رسید که این روند را می‌توان با انعقاد کنوانسیون‌های ۱۹۷۲ آملو و لندن به وضوح مشاهده کرد. همچنین معلوم گشت که آلودگی نفتی تنها نوع آلودگی نیست که به وسیله کشتی‌ها

ایجاد می‌شود. کنوانسیون ۱۹۷۳ مارپول در پی آن بود که از تمام آلودگی‌های ناشی از کشتی‌ها جلوگیری نماید. سپس دریافته شد که حجم و شدت آلودگی ایجاد شده در دریا، در مقایسه با آلودگی نشأت گرفته از منابع مستقر در خشکی بسیار ناچیز است. در این راستا در سال ۱۹۷۶ کنوانسیون برای کنترل فعالیت‌های اکتشاف نفت در ساحل - بعد از سامانه ۱۹۷۵ در میدانی نفتی در دریای شمال - منعقد گشت.^۳

در سطح منطقه‌ای نیز تحول سریع و گسترده بوده است؛ در ۹ ژوئن ۱۹۶۹ موافقتنامه ژن،^۴ راجع به همکاری در زمینه آلودگی دریای شمال به وسیله نفت، به امضا رسید. نیز در سال ۱۹۷۱ موافقتنامه مربوط به همکاری در اتخاذ اقدامات علیه آلودگی دریاها به وسیله نفت میان دانمارک، فنلاند، سوئد و نروژ در کپنهاگ امضا شد. در ۱۵ فوریه ۱۹۷۲، کشورهای اروپایی کنوانسیون آملو را در مورد آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زاید از کشتی‌ها و هویماها منعقد ساختند. کنوانسیون هلندیکی در مورد حمایت از محیط زیست دریایی منطقه دریایی بالتیک نیز پیشرفتی دیگر در مکانیسم‌های حقوقی حمایت از محیط‌زیست دریایی به شمار می‌رود (۲۲ مارس ۱۹۷۴). این کنوانسیون برای اولین بار به صورتی جامع تمام اشکال آلودگی دریایی را مورد توجه قرار داد.

برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) که اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم پایه‌گذار آن بود، فرصتی مناسب برای بررسی کلیه دریاها و رودها را تهدید جهان از رهگذار آزمایش مکانیزمی که در اروپای شمال غربی به کار رفته بود فراهم آورد. برنامه محیط‌زیست ملل متحد دیدگاه کنوانسیون راجع به دریای بالتیک را اتخاذ نمود و برنامه‌ای را برای دریاهای منطقه‌ای عرضه کرد. یونپ برای هر دریا یک سری موافقتنامه‌های عام، که شامل یک طرح و یک کنوانسیون عام برای

حمایت از محیط زیست دریایی بود، مطرح ساخت که وابسته به پروتکل‌های خاصی بود که به مسائل معنی مثل تخلیه ضایعات و همکاری می‌پرداختند.^۵ در این راستا کنوانسیون منطقه‌ای مربوط به حمایت از دریای مدیترانه علیه آلودگی در ۱۶ فوریه ۱۹۷۶ (بارسلون) به امضا رسید که دو پروتکل ضمیمه آن است. یکی از پروتکل‌ها مربوط به تخلیه ضایعات از کشتی‌ها و هویماها است و دیگری به مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و دیگر مواد مضر در مواقع اضطراری می‌پردازد. بعداً دو پروتکل دیگر نیز به این کنوانسیون اضافه شد. یکی در مورد حمایت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی (آتن مورخ ۷ می ۱۹۸۰) دومی مربوط به آلودگی غیرمستقیم (ژنو ۳ آوریل ۱۹۸۲). سایر دریاهای منطقه‌ای نیز به وسیله اسناد تهیه شده یونپ تحت پوشش قرار گرفتند: خلیج فارس (کنوانسیون کویت ۲۴ آوریل ۱۹۷۸) و پروتکل مربوط به آلودگی دریا ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از فلات قاره (۱۱ دسامبر ۱۹۸۸)، آفریقای غربی و مرکزی (آبیجان ۲۳ مارس ۱۹۸۱)، پاسیفیک جنوب شرقی (لیما ۱۲ نوامبر ۱۹۸۰)، خلیج عدن و دریای سرخ (جده ۱۴ فوریه ۱۹۸۲)، کارائیب (مارس ۱۹۸۳)، پاسیفیک جنوبی (۲۴ نوامبر ۱۹۸۶) و ... از لحاظ کمی، ۳۰۰ معاهده‌ی چند جانبه، ۹۰۰ معاهده‌ی دو جانبه و بیش از ۲۰۰ سند به وسیله سازمان‌های بین‌المللی در مورد محیط زیست به امضا رسیده‌اند که به جرأت می‌توان گفت تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنها به محیط زیست دریایی مربوط می‌شوند. این توجه گسترده به محیط زیست دریایی در کنفرانس‌های ۱۹۷۲ استکهلم، ۱۹۸۲ ناپرویی و ۱۹۹۲ ریودوژانیرو شدت یافته است. پرواضح است که این کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌ها همگی نشأت گرفته از توجه افکار عمومی به محیط‌زیست هستند و نقشی اساسی در احراز

قواعد عرفی حاکم بر محیط زیست دارند.

فصل دوم: حقوق و تعهدات دولت‌ها در حمایت از محیط‌زیست دریایی

مبحث اول: تعریف آلودگی

مبارزه با آلودگی و کنترل آن پیش از هر چیز مستلزم آن است که یک هماهنگی بین توصیف آلودگی و منابع ایجاد کننده آن وجود داشته باشد. هر چند بر اثر مرور زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی مواردی کشف می‌گردد که تا قبل از آن آلاینده محیط‌زیست به شمار نمی‌رفته، ولی این امر نباید ما را از دست یافتن به پارامترهایی حتی عام و کلی در تشخیص آلودگی باز دارد.

کنوانسیون مارپول ۱۹۷۳ در تعریفی که از آلودگی ارائه داده، آن را محدود به آلودگی نفتی نکرده است و به سایر مواد مضر نیز در مفهوم عام کلمه پرداخته است. این نکته از آن روی حایز اهمیت است که تا مدت زمان طولانی نفت تنها عاملی به شمار می‌رفت که توجهات را به خود جلب کرده بود، در حالی که عمده آلودگی‌ها از منابع مستقر در خشکی نشأت می‌گرفتند.^{۱۰} در ماده دو این کنوانسیون، آلودگی اینگونه تعریف شده: هر ماده‌ای که به دریا وارد شود و خطراتی برای سلامت انسان باشد و به منابع زنده و حیات دریایی صدمه بزند و ممانی برای استفاده مشروع از دریاهای ایجاد کند، باعث آلودگی می‌گردد. تعریفی که به وسیله سازمان همکاری و اقتصادی توسعه (OECD) در سال ۱۹۷۶ ارائه شد گامی فزاینده و انرژی را نیز شامل آلودگی دریایی معرفی نمود. آلودگی عبارتست از داخل کردن مواد یا انرژی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در محیط‌زیست به وسیله انسان که خطری برای سلامتی انسان و آثاری زیان‌بخش برای منابع چناندار و اکوسیستم‌ها داشته باشد و بر مطبوعیت آب صدمه وارد کند و

مبحث دوم: آزادی دریاهای حمایت از محیط زیست دریایی

تفکر کلاسیک در مورد این امر

برای استفاده‌های مشروع از محیط ممانی ایجاد نماید. معیاری که در تعریف فوق ملاک قرار گرفته است، اصل مضر بودن عمل برای محیط است که محدود به خسارات آبی نشده و زیان‌های آبی را نیز در برمی‌گیرد. تعریف مشابهی نیز به وسیله کمیسیون بین‌الدولی اقیانوس‌شناسی یونسکو و نیز گروه کارشناسان ویژه سازمان ملل برای جنبه‌های ملی آلودگی دریایی و نیز ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای ارائه شده است. تعاریف فوق نشان دهنده این هستند که هدف حقوق بین‌الملل، جلوگیری از ریزش همه مواد به دریاهای نیست، زیرا بسیاری از مواد خطری ندارند و یا به سرعت توسط دریا بی‌خطر می‌شوند. هدف متوجه موادی است که دارای آثار مخرب هستند.^{۱۱}

وسعت جغرافیایی آب‌ها (نسبت به مناطق خشکی) فقدان قدرتی فراملی در حمایت از این اکوسیستم، عامل اساسی در تخریب محیط‌زیست دریاهای در

اثر استفاده بشر بوده است.

نامحدود نیست، ضمن اینکه به آزادی دریگان در استفاده از دریاهای نیز خدش‌های وارد نمی‌آورد؛^{۱۲} اصلی که در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای آزاد و ماده ۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ مونتگویی مذکور افتاده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود بر پیش‌نویس ماده ۲ کنوانسیون ژنو ابراز داشت که کشورها ملزمند از سوء استفاده اتباع سایر کشورها از دریاهای آزاد جلوگیری کنند. آزادی استفاده باید در راستای منافع کلیه کسانی که مستحق این استفاده هستند، اعمال گردد، یعنی برای منافع کل جامعه بین‌المللی.^{۱۳} از طرف دیگر با پیشرفت تکنولوژی، تأثیر فعالیت‌های صنعتی دیگر در چارچوب مرزهای جغرافیایی یک کشور محدود نشده، آلودگی ایجاد شده در یک کشور، همان طور که قفسه تریل‌اسلتر نشان داد، می‌تواند اثرات سوئی را برای سایر کشورها به دنبال داشته باشد. «بنای تعهد جلوگیری یا رفع آلودگی در این مورد بر این اصل استوار است که هیچ دولتی نمی‌تواند اجازه دهد سرزمینش به نحوی مورد استفاده واقع شود که سبب وارد آمدن زیان اساسی به دیگر کشورها گردد.»^{۱۴} در نتیجه بسیاری بر آن شده‌اند که «این یک اصل اساسی

حقوق بین‌الملل عرفی است که کشورها به محیط‌زیست وری صلاحیت ملی خود زیان، خسارت یا صدمه وارد نکنند. مضافاً به اینکه چنین ممنوعیتی از اصول کلی‌تر حقوق بین‌الملل مثل اصل تمامیت ارضی دولت‌ها، حسن همجواری و اصل بهره‌برداری منصفانه نیز قابل حمایت خاطر نشان می‌سازد. در نهایت کنوانسیون در ماده ۲۳۶ مقرر می‌دارد که مقررات کنوانسیون در مورد حمایت و محافظت از محیط زیست دریایی در برابر کشتی‌های جنگی، ناوهای کمنکی و سایر کشتی‌ها یا هواپیماها که به وسیله دولت در خدمات غیرتجاری مورد استفاده واقع می‌شوند، اعمال نمی‌گردد.

مبحث سوم: ماهیت تعهدات، تعهد به فعل و تعهد به نتیجه

قواعد و مقررات مندرج در بخش ۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ شامل مقاصد و عرصه‌های متفاوتی است که با قدری تععم می‌توان آنها را در دو مقوله تعهدات به فعل و تعهدات به نتیجه تقسیم‌بندی نمود. تعهدات به فعل یا تعهدات به وسیله به آن دسته از الزامات و تعهداتی اطلاق می‌شود که بنا به مقتضیات و ماهیت تعهد تراوان از تعهد انتظار داشت که نتیجه را تضمین نماید. وی تنها موظف است تمام تلاش خود را برای حصول نتیجه به کار گیرد بدون اینکه به صرف عدم حصول نتیجه مسئولیتی متوجه وی باشد. مثل تعهد پزشکی به معالجه بیمار. اما منظور از تعهد به نتیجه تعهدی است که در آن تعهد حصول نتیجه را تضمین می‌نماید. در واقع آنچه از او مطالبه می‌شود نتیجه معنی است نه صرف تلاش برای حصول نتیجه. مثل تعهد تصدیی حمل و نقل.

در برخی از مقررات بخش دوازدهم کنوانسیون به طور واقعی تعهدات به نتیجه را بر شمرده‌اند و آنها را با عباراتی به نظم کشیده‌اند که گاه به لحاظ عمومیت و کلیت، نتیجه را به یک فرض استثنایی نزدیک

در اقدامات اتخاذی کشورها دارد (برای مثال تعهدات دول صاحب پرچم تحت پاراگراف ۳ ماده ۲۱۷، برای تضمین این امر که کشتی‌هایی که پرچم آنها را برافراشته‌اند یا در آنجا به ثبت رسیده‌اند، لازم است پیرو قواعد بین‌المللی و استانداردهای مورد اشاره در پاراگراف یک اقدامات مناسب را اتخاذ نمایند) سایر مواد به صلاحدید کشورها واگذار شده است تا وسایلی اجرای آن را انتخاب کنند. از این رو تمایز میان تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه، در این مورد چندان دقیق نیست.^{۱۵}

مبحث چهارم: همکاری منطقه‌ای و تکوین استانداردهای منطقه‌ای زیست محیطی

دیدیم که مبارزه با آلودگی با دو مشکل متمایز ولی مرتبط با هم مواجه است. یکی تنوع وضعیت جغرافیایی و اقتصادی نواحی مختلف جهان و دیگری تنوع منابع آلوده کننده محیط‌زیست دریایی. بدین لحاظ و به علت حساسیت دولت‌ها در مورد

منافع خاص و مستقیم خود و وجود اشتراکات فرهنگی، فنی و اقتصادی منطقه‌ای، مبارزه با آلودگی دریایی ابتدا در این عرصه آغاز شد. اصولاً با وقوع خطر آلودگی و اثبات اینکه این کشورها یک منطقه هستند که نفعی متقابل و مشترک از رفع و کنترل خطر آلودگی نصیبشان می‌شود. همکاری منطقه‌ای ضرورت مبارزه‌ی سریع با آلودگی را نیز تأیید می‌کند. به همین خاطر است که تا سال ۱۹۸۲ اقدامات بین‌المللی مبارزه با آلودگی عمدتاً در نواحی جغرافیایی خاص تمرکز یافته بود که در بحث مرور تاریخی بدان اشاره کردیم در واقع در عرصه حقوق بین‌الملل، جامعه بین‌المللی از منطقه‌گرایی به سوی جهان‌گرایی گام برداشته است.

نایباً تعهدات وضع شده از طریق بخش ۱۲ متنوع هستند. این امر بدان معناست که ضمن آنکه برخی قواعد، حکایت از نسی بودن دقت موجود



می‌نماید. برای مثال ماده ۱۹۲ مقرر می‌دارد که دولت‌ها متعهد هستند که از محیط‌زیست دریایی حمایت و محافظت کنند.^{۱۶} برخی دیگر مثل مواد ۱۹۴ و ۲۰۷ الی ۲۱۲، در واقع تعهدات به وسیله در چارچوب ماده ۲۰ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولتها هستند. با وجود این، به دو طریق، مفهوم چنین تعهداتی و تشخیص مصادیق در کنوانسیون ۱۹۸۲ دشوار گشته است. اولاً رفتاری که مواد فوق برای دولت‌ها لازم می‌دارند، به هیچ‌وجه محدود به اقدامات داخلی نمی‌شود، گرچه بسیاری از اعمال فوق مستلزم اقدامات تضمینی هستند. بررسی این قواعد حاکی از آن است که اتخاذ چنین اقداماتی در سطح داخلی قرین اقدامات قراردادی در سطح بین‌المللی است. بخش دوازدهم در واقع مبتنی بر یک مفهوم سه گانه است. کنوانسیون خود اصول



آوریل ۱۹۷۸ بود که در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸، یعنی ۹۰ روز بعد از ارائه پنجمین سند تصویبی به دولت کویت، لازم‌الاجرا شد.

فصل سوم: حقوق بین‌الملل دریاهای و مبارزه با منابع آلودگی

از آنجا که کنوانسیون حقوق دریاهای در مجتأ آلودگی دریایی، با ارجاع به کنوانسیون‌های منطقه‌ای و معاهدات دو جانبه، از تعهدات و وظایف عام اعضا سخن رانده و این اسناد را مکمل هم دانسته است، ما نیز ضروری می‌دانیم که بحث مورد نظر را به طور سیستماتیک با توجه به منابع فوق مورد توجه قرار دهیم. لیکن تذکر این نکته ضروریست که بحث صلاحیت و مقامات اصلح در مبارزه با هر نوع آلودگی را نه در مجتأ جداگانه، بلکه در همان قسمت مربوطه مورد بحث قرار دهیم.

مبحث اول: تخلیه ضایعات و فضولات

بر اساس بند ۵ ماده‌ی یک کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، تخلیه‌ی مواد زاید به معنای هر گونه



دفع و رهاسازی ضایعات یا دیگر مواد از کشتی‌ها، هواپیماها، سکوها یا دیگر تأسیسات ساخت بشر در دریاست. این ماده در ادامه مقرر نداشت.

می‌دارد که تخلیه، رهاسازی ضایعات یا دیگر مواد که ناشی از عملیات مسئله را موردتوجه قرار داده،

با وجود تلاش بسیار برای ارائه تعریفی مستند و کاربردی از آلودگی آب‌ها به نظر می‌رسد تعاریف کنونی ارائه شده از دو جهت دارای اشکال است؛ یکی اینکه به لزوم جلوگیری از تغییرات محیط‌زیست دریایی ناشی از اثرات مخرب موادی که بلافاصله اثر تخریبی آنها قابل تشخیص نیستند، توجه کافی نشده است.

معمول کشتی‌ها و ... را در دریا یا مکانی دیگر، به منظوری غیر از تخلیه، شامل می‌شود. در واقع این ماده آلودگی را مورد توجه قرار داده که حالت عمدی دارد.

استفاده از دریاهای و اقیانوس‌ها برای اجتناب از هزینه‌های بالای دفع ضایعات صنعتی یا کاهش آنها، باعث شد که در دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تخلیه‌ی مواد زاید در دریاهای و رودها در بین بردن ضایعات تلقی شود. هر چند ماده‌ی دوم کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو، در مورد دریای آزاد مقرر کرده بود که دولت‌ها باید آزادی‌های مربوط به دریای آزاد را

به نحوی اعمال کنند که توجه معقولی به منافع سایر دولت‌ها دراستفاده از دریای آزاد بشود و هر نوع آلودگی دریایی که در آب‌های ملی یا دریاهای آزاد ثابت شود، سوء استفاده از آزادی دریاهای تلقی می‌گردد، معهداً این وضعیت به واسطه‌ی دو تبصره در کنوانسیون مذکور تضعیف گشت. وضع مقررات راجع به آلودگی دریاهای ناشی از تخلیه‌ی نفت از کشتی‌ها یا اکتشاف و بهره‌برداری از بستر دریاهای و زیر بستر بر عهده دولت نهاده شده بود. (ماده ۲۴) همچنین هر کشور موظف بود اقداماتی را برای جلوگیری از آلودگی دریاهای به علت ریزش فضولات رادیواکتیو به عمل آورد.^{۱۷} علاوه بر این کنوانسیون مذکور جنبه‌ی جهانی نداشت و

کشورهای محدودی عضو آن بودند و نیز ساز و کارهای مؤثری برای نظارت بر اجرایی مقررات آن وجود نداشت. اولین معاهده که مستقیماً این مسئله را موردتوجه قرار داده،

با وجود تلاش بسیار برای ارائه تعریفی مستند و کاربردی از آلودگی آب‌ها به نظر می‌رسد تعاریف کنونی ارائه شده از دو جهت دارای اشکال است؛ یکی اینکه به لزوم جلوگیری از تغییرات محیط‌زیست دریایی ناشی از اثرات مخرب موادی که بلافاصله اثر تخریبی آنها قابل تشخیص نیستند، توجه کافی نشده است.

کنوانسیون‌های در مورد جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از ضایعات و دیگر مواد در ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ بود که همزمان در لندن، مرکزکوسیتی، مسکو و واشنگتن نیز امضا شد. اصولاً در حقوق بین‌الملل محیط زیست تأکید بر جلوگیری از آلودگی است.^{۱۸} از همین رو کنوانسیون مذکور آشکارا هدفی باز دارنده را تعقیب می‌کند که در مقدمه ماده اول آن آمده است که دولت‌های عضو، باید کلیه اقدامات عملی را برای جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از تخلیه‌ی ضایعات انجام دهند. اصل بنیادین کنوانسیون مذکور ممنوعیت تخلیه‌ی مواد معین، ضرورت اجازه‌ی مخصوص قبلی برای دفع دیگر مواد و درخواست اجازه‌ی کلی برای سایر مواد است. (ماده ۴) این امر بستگی به درجه‌ی خطری دارد که مواد برای محیط‌زیست دریایی ایجاد می‌کنند. در واقع مواد زاید به سه دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول که معروف به فهرست سیاه هستند و برای تخلیه آنها، نیاز به اجازه‌ی قبلی است. طبق تعریف آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، این مواد شامل انواع معینی از ترکیبات شیمیایی، ارگانو هالوژن، جیوه، کادیم، نفت، پلاستیک و ضایعات فوری رادیواکتیو می‌باشد. دسته دوم متشکل از مواد زایدی است که به فهرست خاکستری موسوم هستند. این فهرست شامل

سرب، مس، روی، آرسنیک، ترکیبات اورگانوهالوژن، اورگانو سیلیکان، سیانیدها، فلورایدها، حشره‌کش‌ها، براده‌ی فلزات و مواد رادیواکتیوی است که در ضمیمه‌ی شماره‌ی یک ذکر نشده‌اند. دسته سوم که مقامات ملی دولت‌های عضو به هنگام صدور جواز باید آنها در نظر بگیرند، شامل مشخصات و ترکیب مواد، مشخصات محل ریزش، روش نگهداری و اثرات ریزش است.^{۱۹} نظام کنوانسیون ۱۹۷۲ مبتنی بر دو مفهوم گسترده است: اولاً تمام تخلیه‌های اقیانوسی باید تابع مقررات و کنترل کامل دولت باشد. اتخاذ تصمیم در مورد اینکه آیا ریزش یک ماده از لحاظ زیست‌محیطی بی‌خطر است و در این صورت تخلیه در کجا صورت گیرد، بر عهده‌ی مقامات دولتی است، نه عاملان صنعتی یا دیگر افرادی که درصدد تخلیه‌ی آن ضایعات هستند. ازاین رو این کنترل باید از پیش EX ante) به وسیله‌ی مجوزها و نه صرفاً بعداً (EX POST) از رهگذر تعقیب و مجازات انجام شود. دومین ویژگی عمده‌ی نظام کنوانسیون ۱۹۷۲ تقسیم مواد به مقولات مختلف است.^{۲۰} شرح آن داده شد.

در میان تمام اسناد بین‌المللی مربوط به آلودگی دریایی ناشی از تخلیه‌ی مواد، کنوانسیون هلستینکی در مورد حمایت از محیط زیست دریای بالئیک (۲۲ مارس ۱۹۷۴) پیشرفته‌ترین آنهاست. این کنوانسیون تمام تخلیه‌ها به جز استثناات خاص ضمیمه ۵ خود را ممنوع کرده است. این استثناات اساسی به پس‌مانده‌های لایروبی مربوط می‌شوند، تا زمانی که مقدار مواد و تجمع آنها زیاد نباشد و اجازه‌ی مخصوص قبلی از مقامات ملی کسب شده باشد. اعطای اجازه باید تحت شرایط و محدودیت‌های معین شده کنوانسیون صورت گیرد. به دنبال این امر، اعضای کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن نیز تصمیم گرفتند خود را با پیشرفت‌های موجود همگام سازند. بعد از چند

محیط‌زیست دریایی می‌باشد و از این رو با توجه به لحاظ نظامی، اقداماتی انجام دهند. پر واضح است که به لحاظ نظامی، اقداماتی انجام دهند. پر واضح است که به لحاظ نظامی، اقداماتی انجام دهند. پر واضح است که به لحاظ نظامی، اقداماتی انجام دهند.

چ) سری ۱۴۰۶۰ جنبه‌های زیست محیطی استاندارد محصول ISO/IC 207/WG 1

۳ - بررسی ضرورت استقرار سیستم مدیریت محیط زیست در یک سازمان
استاندارد ISO 14001 یکی از استانداردهای سری ISO 14000 است که نسخه نهایی آن در سپتامبر ۱۹۹۶ توسط کمیته فنی ۲۰۷ سازمان بین‌المللی استاندارد منتشر شده است. این استاندارد، یک استاندارد جهانی برای ایجاد و راهبری سیستم هماهنگ مدیریت محیط زیست در هر سازمان است. استانداردهای بین‌المللی سری ISO 14000، مجموعه‌ای از استانداردهای زیست‌محیطی اختیاری هستند که مدیران سازمان‌ها در حال حاضر می‌توانند به صورت داوطلبانه آنها را بکار گیرند. این

بکارگیری مواد و فرآیندهای پاک و یا کم آلاینده در راستای تکنولوژی و صنعت، فراهم شدن زمینه استفاده از روش‌های بازیافت و استفاده مجدد از مواد، کاهش هزینه‌ها، افزایش مقبولیت اجتماعی، فراهم شدن زمینه رقابت سالم، و گسترش بازار داخلی و دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به بازارهای جهانی. بنابراین احراز گواهینامه ISO14001 در یک سازمان به معنی بهره مالی در دراز مدت، اعتبار اجتماعی و جهانی، تضمین در حفظ و بهسازی محیط زیست و بالاخره توسعه بازاریابی داخلی و بین‌المللی است.

استاندارد مشخصات سیستم مدیریت زیست‌محیطی ISO 14001 یک استاندارد کلی است و برای سازمان‌ها از هر نوع و اندازه قابل کاربرد است. الزامات مشخص شده در این

استانداردهای ایزو یا معادل‌های تعریف شده آن تقریباً در ۹۰ کشور از جمله کشورهای قدرتمند و توسعه یافته جهان اعتبار دارد و حتی در برخی از کشورها به‌عنوان استاندارد ملی شناخته شده است.

استانداردها توسط ۳۰ کشور صنعتی جهان تهیه و پذیرفته شده‌اند و از آنجا که این کشورها صنایع خود را به اجرای استانداردهای زیست‌محیطی تشویق می‌نمایند، به‌طور قطع در روابط اقتصادی خود با سایر کشورها نیز امتیاز ویژه‌ای برای شرکت‌ها و سازمان‌هایی که این استانداردها را رعایت می‌کنند قائل خواهند بود. با توجه به بازار پر تحول و رقابت‌آمیز کنونی به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک اجرای ISO 14001 یا دیگر استانداردهای مشابه آن اجتناب‌ناپذیر گردد.

بدیهی است استانداردهای زیست‌محیطی در آینده‌ای نه چندان دور، نه تنها روند فعالیت‌های صنعتی - تولیدی و روابط اقتصادی را متحول خواهند ساخت، بلکه بر بهبود کیفیت محیط‌زیست و منابع طبیعی نیز تأثیر خواهد گذاشت. برخی از امتیازات استفاده از این استانداردها عبارتند از: کاهش پیامدهای ناگوار ناشی از عملکرد سازمان بر محیط زیست، افزایش بهره‌وری و بازدهی کار و کالا، افزایش کارآمدی انرژی، صرفه‌جویی در مصرف منابع انرژی و به‌کارگیری انرژی‌های پاک، استفاده مناسب از منابع اولیه و جایگزینی منابع تجدیدپذیر به جای منابع تجدیدناپذیر،

کاهش جرمی‌ها و خسارت‌های احتمالی ناشی از آلودگی‌هاست. در کشورهای در حال توسعه به دلیل شاخت کمی که در مورد مزایای سیستم مدیریت محیط زیست و عملکرد زیست‌محیطی بهبود یافته وجود دارد، هدف اصلی از برقراری سیستم مدیریت محیط زیست تنها تطابق قانونی با الزامات استاندارد است. در حالی که اگر سیستم بر مبنای بهسازی فرایندهای تولید و طراحی محصولات و خدمات سازگارتر با محیط زیست متمرکز باشد، نه تنها هزینه‌های بهره‌برداری ویدی‌های بالقوه کاهش می‌یابد، بلکه استقرار این سیستم در سازمان باعث جلب رضایت مشتری و افزایش سهم بازار برای سازمان می‌گردد.

۴ - مزایای استقرار سیستم مدیریت زیست‌محیطی

۱ - پیشگیری از آلودگی همگام با شناخت پیامدهای زیست‌محیطی توسعه صنعتی و تلاش برای حذف آلودگی در منبع تولید.
۲ - به حداقل رساندن ضایعات و افزایش کارایی انرژی، اصلاح فرآیندهای تولید و پیشگیری از مدیریت بحران.

۳ - اجتناب از هزینه‌های پیش‌بینی نشده به دلیل وضع جرایم و نهائماً بهبود انطباق با موازین قانونی.

۴ - امکان کسب بودجه از طریق سرمایه‌گذاری‌های فراملی به‌عنوان مثال از طریق اسکاچ و بانک جهانی.

۵ - امکان رقابت و نمایش توان معدنی و توسعه پایدار (Sustainable development) فعالیت‌های سازمان.

۶ - افزایش سهم بازار و نیز جلب رضایت مشتری به‌عنوان یکی از هشت اصل مدیریت کیفیت.

۷ - بهبود نمای عمومی سازمان در ضمن رقابت فراملی همگام با تبلیغات در زمینه بهره‌وری سبز (Green productivity).

۵ - مقایسه استقرار استانداردهای ISO در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته:

استانداردهای ISO در کشورهای متروقی اغلب به‌صورت استانداردهای داخلی تعریف شده است و سازمان‌های استاندارد داخلی مراقب رعایت کامل استانداردهای تولید هستند. به‌عنوان مثال در امریکا استانداردهای ANSI، ASQC و سری‌های Q90 و در انگلستان استاندارد BS5750 و در اروپا استاندارد EN29000 همگی از استانداردهای تعریف شده داخلی و معادل

در کشورهای در حال توسعه استانداردهای ISO رواج بیشتری پیدا کرده است که تب کاذب‌آخذ گواهینامه و تبلیغات به تبع آن ممکن است بجا و در اکثر موارد نابجا باشد.

۶ - استقرار ISO در ایران، بررسی باید‌ها و نباید‌ها

در کشورهای در حال توسعه، گواهینامه ISO، استقرار آن و بالاخره داشتن آن، تفسیر خاص خود را دارد. در این‌گونه کشورها گسترش گواهینامه ISO پیش از آنکه نظم‌پذیری را توسعه دهد بیشتر ناشی از عدم درک صحیح استانداردها است.

استانداردهای زیست‌محیطی

در آینده‌ای نه چندان دور، نه تنها روند فعالیت‌های صنعتی - تولیدی و روابط اقتصادی را متحول خواهند ساخت، بلکه بر بهبود کیفیت محیط‌زیست و منابع طبیعی نیز تأثیر خواهند گذاشت

در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، شرکت‌هایی که از تولید و محصول مرغوب برخوردارند، در واقع اعتنایی به این گواهینامه نیز ندارند و در نهایت شرکت‌ها یا سازمان‌هایی در صدد گرفتن این گواهینامه هستند که تمایل به صدور کالا یا خدمات داشته و یا نیازمند برقراری ارتباطات بین‌المللی با سایر نهادهای همکار در سطح جهان به عنوان مثال برای مشارکت در خدمات علمی و فنی هستند چرا که در حال حاضر در بسیاری از موارد مشارکت در پروژه‌های مرتبط با صدور خدمات فنی و مهندسی در مناقصات و بازارهای جهانی داشتن گواهینامه ISO است. در حال حاضر، در بیشتر کشورهای پیشرفته دنیا استانداردهای داخلی

جوابگوی تعیین کیفیت کالا، خدمات و تولیدات آنهاست و برای تولید یا مهم‌تر از آن مصرف گواهینامه ISO احساس نمی‌شود.

کسانی‌های معروف دنیا نیز یا به علت معروف بودن فی‌النفسه و یا به علت جلوگیری از افشای اسرار داخلی و یا به دلیل این‌که تولیدات آنها از استانداردهای معتبر داخلی تبعیت می‌کنند، برای مصرف محصول تولیدی در داخل کشور یا فروش آن در کشورهای دیگر به این گواهینامه توجه خاصی معطوف نمی‌دانند.

ولیکن چنانکه اشاره شد برخی از سازمان‌ها در برخی از کشورها و بویژه در جهان سوم برای صدور برخی از خدمات و کالاها خود را ناچار به رعایت مفاد و نیز گرفتن گواهینامه ISO می‌بینند.

مفهوم و مزیت استقرار این سیستم‌هاست. بیشتر شرکت‌هایی که با تبلیغات گسترده بویژه در تلویزیون و رسانه‌های نوشتاری گرفتن گواهینامه را با افتخار اعلام می‌کنند، دارای کالاهای صادراتی یا خدمات قابل صدور به سایر کشورها نیستند و در واقع از آنجا که بیشتر حجم صادرات کشورهای در حال توسعه را مواد خام تشکیل می‌دهد، لذا کالای صادراتی (مواد خام) این کشورها نیازمند بهره‌مندی از گواهینامه ISO نیست.

متأسفانه در کشور ما نیز تب اخذ گواهینامه ISO بسیار رایج شده است و هر روز شاهد تبلیغات گسترده‌ای پیرامون این بحث هستیم البته در مواردی که تمایل به صادرات وجود دارد داشتن گواهینامه ISO شاید یک اجبار باشد. اما نکته در این است که

چرا بیش از ۹۵٪ از مؤسسه‌ای که هیچ‌گونه تولید صادراتی ندارند و می‌توانند از استانداردهای داخلی تبعیت کنند به دنبال اخذ این گواهینامه هستند؟ در واقع سؤال اصلی این است که آیا مؤسسه استاندارد کشور اعتبار ندارد و نمی‌تواند برای روش‌های مدیریتی تولید استانداردهای معادل تعریف کند؟

و نکته دیگر اینکه، آیا اهرم حقوقی کافی در اختیار نهادهای متولی امور صنعت و معدن در کشور ما به منظور الزام صنایع به رعایت استانداردهای معدن داخلی وجود نداشته و صرفاً بیگانگان بایستی برای مدیریت تولید، مدیریت محیط زیست و ... این کشور راهکار استاندارد شدن ارائه نمایند؟

به عنوان مثال موردی، چندی است در صنعت برق کشور شاهد بروز تب اخذ گواهینامه توسط نیروگاه‌ها هستیم و سؤال در این است که به راستی نیروگاه‌ها ما که تولیدات آنها مصرف داخلی دارند چه لزومی به داشتن گواهینامه ISO 9000 احساس می‌نمایند؟! و دیگر اینکه اگر نیروگاه قم و امثال آن چنین گواهینامه‌ای را نداشته باشند، آیا تولیدات آنها مصرف نمی‌شود؟

و صد البته نکته پنهان در این داستان ضرورت رعایت الگوهای فراملی زیست‌محیطی توسط چنین سازمان‌هایی است که در رأس آن ISO 14000 قرار دارند. چرا که به عنوان مثال در همان نیروگاه موردبحث، توسعه آبی، بهره‌مندی از تکنولوژی نوین و در نهایت گشایش اعتبار ارزی لازم به منظور انتقال تکنولوژی صرفاً در گرو تأیید مراجع ذی‌صلاح جهانی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی

و... بین هر تطابق پروژه با الگوی (EMS) فراملی است و به عبارت بهتر اکثر سازمان‌های بین‌المللی در حال حاضر قواعد سخت و سختی را مبنی بر فروش تکنولوژی پیشرفته به کشورهای در حال توسعه به شرط رعایت مسائل زیست‌محیطی به دوش فروشندگان و اعتباردهندگان تحمیل نموده‌اند.

۷ - روش گرفتن گواهینامه یا ثبت استقرار EMS

ابتدا سازمان متقاضی گواهینامه بایستی قراردادی برای ممیزی سیستم با یک سازمان گواهی دهنده ذی‌صلاح و معتبر منعقد نماید، سپس سیستم و برنامه مدیریت زیست‌محیطی سازمان برای اطمینان از برآورد شدن الزامات استاندارد و تعیین این انطباق توسط ممیزین سازمان گواهی

دهنده طی مراحل مورد ارزیابی واقع می‌گردد که شامل بازنگری برنامه مدیریت محیط زیست آن سازمان در قیاس با الزامات استاندارد مربوط و ارائه یک گزارش کتبی از ممیزی توسط مؤسسه گواهی دهنده خواهد بود. تمرکز اصلی در ممیزی توسط سازمان گواهی‌دهنده بر این است که آیا سیستم مدیریت سازمان متقاضی در تاریخ ممیزی، الزامات استاندارد مربوطه (در این مورد، استاندارد ISO

سیستم مدیریت زیست محیطی در هر مجموعه‌ای اعم از خدماتی، صنعتی، معدنی، بازرگانی و ... نظم‌بندی و هماهنگی‌های لازم را در راستای به کارگیری و تخصیص منابع، تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، ارزیابی مستمر فرآیندها و عملیات از دیدگاه محیط زیست، ارائه راه حل مشکلات، پایش، اقدامات پیشگیرانه و کنترل آلودگی‌ها، توسعه و گسترش فضای سبز و طراحی محیط و ... را فراهم می‌سازد.

14001 را برآورده می‌نماید یا خیر؟ در صورتی که سازمان گواهی دهنده هر گونه نقص یا کمبودی را در حین ممیزی مشاهده نماید، ضمن گوشزد نمودن آن ممکن است به سازمان متقاضی گواهینامه در برآوردن الزامات سخت‌کوشی و مراقبت مسئولانه‌ای که توسط قانون به سازمان تحمیل می‌شود کمک نماید. اما مطابقت سازمان با سایر تسهیلات آن را با الزامات قانونی و مقرراتی تعیین نمی‌نماید و نیز عملکرد زیست محیطی سازمان را ارزیابی نمی‌کند. بنابراین گواهینامه ISO 14000 گزارش ممیزی به منظور کاربرد به‌عنوان جایگزینی برای توصیه قانونی مبنی بر مطابقت با قوانین لازم‌الاجرا توسط سازمان طراحی نمی‌شود. کلیه اطلاعات دریافتی از سازمان‌های متقاضی در سازمان گواهی دهنده محرمانه تلقی می‌شود و در صورت درخواست هرگونه اطلاعات توسط مسئولین قانونی یا دادگاه‌های ذیصلاح، ابتدا سازمان متقاضی ممیزی در جریان امر قرار خواهد گرفت. خدمات ممیزی و ثبت گواهینامه که توسط سازمان گواهی دهنده ارائه می‌شود صرفاً با دو «نظر گرفتن منافع سازمان‌های متقاضی خواهد بود و سازمان گواهی دهنده هیچگونه مسئولیتی در قبال هر طرف ثالث دیگری غیر از سازمان متقاضی نخواهد داشت.

سازمان‌های متفاوت است.

مراتب نگهداری گواهینامه و بازبینی شرکت‌های متقاضی با نرخ‌های جدید باز هم در سنوات بعدی تکرار شده و بخشی از همین منابع تبدیل به ارزش شده و به نفع سازمان‌های اصلی صادرکننده گواهینامه که مسئولیت تأیید و مهوموردن گواهینامه‌ها را عهده دارند از کشور خارج می‌شوند که متأسفانه از قرارداد نمایندگی‌های داخلی با سازمان‌های خارجی صادرکننده گواهینامه ISO، میزان سهم ارزی ایشان و نیز حجم متقاضیان اطلاع دقیقی در دست نیست.

۹ - راهکار اجرای استقرار سیستم مدیریت زیست محیطی:

ساختار استاندارد ISO 14001 مانند تمامی سیستم‌های کلاسیک مدیریت کیفیت بر مبنای چرخه 'PDCA' یا طرح ریزی، اجرا و عملیات و بررسی و اقدامات اصلاحی است و از آنجا که در حین استقرار این سیستم، طرف‌های ذی‌نفع علاقمند به بهینه‌سازی عملکرد زیست محیطی سازمان نیز هستند، لذا چرخه فوق علاوه بر فرآیند بهبود مستمر نیازمند دربرداشتن خط مشی زیست محیطی در ذهنیت مدیریت رده بالای سازمان نیز هست.

کسب نتایج مثبت از استقرار EMS بر بهینه‌سازی فرآیندهای تولید و محصولات برای حذف تولید مواد و نیز پیشگیری از آلودگی صراحتاً بایستی در اولویت قرار گیرد و کنترل آلودگی تنها زمانی که پیشگیری از آن توجیه اقتصادی نداشته یا از دیدگاه اقتصادی میسر نباشد، صورت پذیرد. ضمناً تشریح عواقب پیامدهای بارز زیست محیطی سازمان بایستی شامل فرآیندهای تولید مناسبت این پیامدها نیز باشد. به عبارت بهتر بودجه پیشگیری از آلودگی بایستی از بودجه همان بخش تولید تأمین گشته و هزینه گردد و در این صورت ضمن افزایش بازده مصرف مواد خام و کاهش هزینه‌های آینده به منظور نصب تجهیزات کنترل آلودگی، ارتباطات پیشرفته دولتی و تسهیلات بیشتر در گرفتن مجوزهای توسعه پایدار نیز مستحصل خواهد گشت.

در چنین مشاورین نیز گرچه اغلب ISO 14001 به دلیل بازگشت سود بیشتر و حفظ منافع، بیش از آنکه یک برجسته‌پرهزینه محسوب گردد می‌تواند روشی برای سرمایه‌گذاری در جهت سود بیشتر مجموعه یا سازمان مربوطه به حساب آید.

۱۰ - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به دلیل تحکم کنترل آلودگی در منبع و پیشگیری از انتشار آن و نیز کوشش در جهت حذف یا کاهش آن در منبع تولید، به دلیل بازگشت سود بیشتر و حفظ منافع اقتصادی در آن سازمان نیست. در واقع از آنجا که اصولاً طراحی چنین سیستم‌هایی مبتنی بر بهبود شرایط مدیریتی نهاد مربوطه است، لذا سودده بودن یا هزینه‌ساز شدن برخوردار از گواهینامه ISO تابع بلاشرط و مستقیم عملکرد مدیریت و نیز نحوه نگرش و دیدگاه مسئولین رده بالای تصمیم‌گیری در همان نهاد یا سازمان است به عبارت بهتر چنانچه پارامتر اقتصاد در قضاوت ما نسبت به ISO به عنوان یکی از موازین تصمیم‌گیری مبنا قرار گیرد، آنگاه استقرار ISO

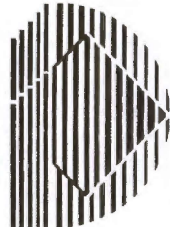
استقرار یک مدل EMS در یک سازمان و در پی آن احراز موفقیت در اخذ گواهینامه ISO به هیچ‌وجه متضمن کیفیت کالا یا خدمات تولیدی در آن سازمان نیست. در واقع از آنجا که اصولاً طراحی چنین سیستم‌هایی مبتنی بر بهبود شرایط مدیریتی نهاد مربوطه است، لذا سودده بودن یا هزینه‌ساز شدن برخوردار از گواهینامه ISO تابع بلاشرط و مستقیم عملکرد مدیریت و نیز نحوه نگرش و دیدگاه مسئولین رده بالای تصمیم‌گیری در همان نهاد یا سازمان است به عبارت بهتر چنانچه پارامتر اقتصاد در قضاوت ما نسبت به ISO به عنوان یکی از موازین تصمیم‌گیری مبنا قرار گیرد، آنگاه استقرار ISO

اشاره شد. منابع:

- ۱ - آموزش بین‌المللی محیط زیست، بخش آموزش علمی، فن و حرفه‌ای، یونسکو ۱۳۷۰.
 - ۲ - استاندارد ایران ایزو ۱۴۰۰۱، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۷.
 - ۳ - کارگاه آموزشی منطقی مدیریت سیستم‌های زیست محیطی و فن‌آوری‌های سازگار با محیط‌زیست ۱۳۷۸.
 - ۴ - "Annual Reprint of APOTT", and Pacific Center for Asian Tranfer of Technology, 1998.
- Deuschland, No. 6/99, D 20017 - 0
F. P. 62 - 64

پرتو داده

طراح و مجری سیستم‌های هوشمند رایانه‌ای



- ☑ طراح و مجری سیستم‌های هوشمند رایانه‌ای
- ☑ طراح و مشاور در زمینه پیاده‌سازی سیستم‌های مدرن اطلاع‌رسانی
- ☑ طراح و مشاور در زمینه تکنولوژی اطلاعاتی information Technology
- ☑ طراح و مشاور در زمینه پیاده‌سازی سیستم‌های مدرن اطلاعاتی
- ☑ طراحی و ساخت سیستم‌های ارتباطی Data Communication Device
- ☑ طراحی و تهیه نرم افزارهای تخصصی
- ☑ نصب و راه اندازی شبکه‌های کامپیوتری LAN, WAN
- ☑ تعمیر و نگهداری شبکه‌های کامپیوتری LAN, WAN

تهران - فلکه دوم صادقیه - خیابان ستارخان - پلاک ۲۱۹ - واحد ۸
تلفن: ۸۲۲۵۸۱۶ (سه خط)
E-mail: parto_dadeh@taminn.org



منبع: پیام بونسکو

فن آوری و تجارت خنک‌کننده‌های

جنجال برانگیز

مترجم: آرش رزمخواه*

پاکستاندو عضو گروه حمایت از لایه ازن در واشنگتن دی.سی می‌گوید: «تجارت غیرقانونی و بازار سیاه CFCها که دلایل قانونی، کنترل آن را مشکل نموده، یکی از بزرگ‌ترین زیان‌ها را به لایه ازن وارد می‌کند.» آقای دانکن براک از انستیتو سلطنتی مسائل بین‌المللی در لندن می‌گوید: «۱۵٪ CFCها در کشورهای روسیه، چین و هند به طور مخفیانه و قاچاق معامله می‌شوند. طبق قرارداد، کشورهای چین و هند فقط تا سال ۲۰۱۰ می‌توانند به طور عمده CFC تولید کنند. کشورهای صنعتی، CFC را برای امور خاص، یا برای صدور به کشورهای در حال توسعه تولید می‌کنند. هشت کشور صنعتی جهان در

یک برنامه‌ی بین‌المللی برای کنترل CFCها و دیگر مواد شیمیایی، به مورد اجرا گذاشته شده است. به دلیل وجود مدارک زیاد و قابل توجه در مورد قاچاق ماده کلروفلوروکربن (ماده‌ای که به عنوان خنک‌کننده در یخچال‌ها استفاده و باعث رقیق شدن لایه ازن نیز می‌شود). کشورهای صنعتی تصمیم گرفتند که پروتکل مونترال را به مورد اجرا بگذارند؛ این پروتکل در سال ۱۹۸۷ با هدف کاهش و نابودی مواد شیمیایی مضر برای محیط‌زیست به تصویب رسید. با وجود اینکه تولید CFCها در ده سال اخیر حدود ۹۰٪ کاهش یافته ولی باز هم بازار سیاه فعالی بخصوص در کشورهای چین و روسیه برای آن‌ها وجود دارد. آقای جان

قیمت دارد. آقای پاسکاتاندو می‌گوید: «به مجوز ورود مواد شیمیایی از چین را لغو کرده همین دلیل انگیزه قاچاق CFC بیشتر شده است. در اروپا عملیات مبارزه

به دلیل وجود مدارک زیاد و قابل توجه در مورد قاچاق ماده کلروفلوروکربن (ماده‌ای که به عنوان خنک‌کننده در یخچال‌ها استفاده و باعث رقیق شدن لایه ازن نیز می‌شود) کشورهای صنعتی تصمیم گرفتند که پروتکل مونترال را به مورد اجرا بگذارند؛ این پروتکل در سال ۱۹۸۷ با هدف کاهش و نابودی مواد شیمیایی مضر برای محیط‌زیست به تصویب رسید

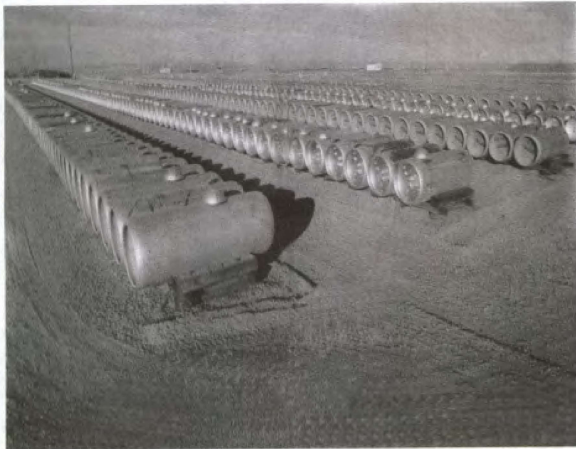
است.»

آقای دبلیو. واتس فیتزجرالد از وزارت دادگستری آمریکا و رئیس عملیات سوزیختن می‌گوید: «این عملیات، قاچاق CFC را به مقدار قابل ملاحظه‌ای در میامی کاهش داده است. در حالی که بیشتر CFC توسط چهارپایان و از طریق مرز مکزیکی جابه‌جا می‌گردد، بدان صورت که قاچاق‌چیان، به روستاییان در ازای رد کردن بسته‌ای به آن طرف مرز، پول خوبی می‌پردازند.

آقای جیمز والت کارشناسی که در فعالیت‌های زیست‌محیطی و در رابطه با لایه ازن در صلح سبز مشارکت داشته است، پیش‌بینی می‌کند که قاچاق CFCها شدت بیشتری خواهند یافت. یکی از شایع‌ترین روش‌های قاچاق CFC به این صورت است که قاچاق‌چیان مدارک رسمی مربوط به انتقال CFCها را جعل کرده و مأمورها تصور می‌کنند که این محموله، یک محموله‌ی قانونی است و قاچاقی صورت نمی‌گیرد. بعضی دیگر CFCها را با روغن خاصی آغشته کرده و به جای ماده‌ی دیگری از گمرک رد می‌کنند. هر روز قاچاق موادی که به محیط‌زیست لطمه وارد می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند. در دو سال اخیر درخواست برای «هالوژن‌های ساخت چین افزایش یافته در حالی که این ماده ده برابر CFCها به محیط زیست زیان وارد می‌کند. مقامات گمرک آمریکا می‌گویند که اغلب این مواد که در صنعت هواپیماسازی ارتش و در لوله‌کشی کاربرد دارند، به اسم ماده‌ای دیگر به آمریکا وارد می‌شوند که تحقیقات در این زمینه هنوز ادامه دارد. سازمان حفظ محیط‌زیست

با قاچاق CFCها خیلی ضعیف است، شاید به این دلیل که شرکت‌های اروپایی بر خلاف دولت آمریکا مالیات اضافی بر مواد شیمیایی وضع نمی‌کنند. همین مالیات، سالانه صد میلیون دلار درآمد برای دولت آمریکا در بردارد ولی توجه بیشتر به حفظ محیط زیست باعث شده است تا مقامات رفتار ملایم خود را در مقابل قاچاق‌چیان تغییر داده و به این مسئله پایان دهند. جولیان نیومن عضو اداره‌ی تحقیقات محیط‌زیست در لندن می‌گوید: «یک سال پیش رئیس یک شرکت فرانتکورتی (آلمانی) با حدود هزار تن CFC و مواد مضر دیگر دستگیر شد. وی برای شناسایی عاملان چینی این گونه نقل و انتقالات اداره‌ی تحقیقات محیط‌زیست، یک شرکت قلابی تأسیس کرد که کار آن شناسایی صنایع و شرکت‌های چینی بود که CFC را به صورت ماده‌ی دیگری به شرکت‌های آمریکایی می‌فروختند. در حال حاضر افراد و شرکت‌های سوئدجو، چه در اروپا و چه در آمریکا، از نقایص قوانین به نفع خود استفاده می‌کنند. البته بازرگانی کشورهای اروپایی تصمیم گرفته‌اند که فروش CFC را ممنوع کنند، بنابراین کنترل آن آسان‌تر می‌شود. زیرا کشورهایی که طی چند سال گذشته تصور می‌کردند فقط با محدودیت تولید CFC می‌توانند جلوی عوارض و زیان‌های آن را به محیط‌زیست بگیرند، اکنون متوجه شده‌اند که عدم مصرف این ماده راه صحیح‌تری برای جلوگیری از زیان‌های آن است. منبع: پیام بونسکو*.

منبع: پیام بونسکو





OCA:

(کمیت هماهنگی المپیک)

ایجاد

حفره‌های

بزرگ‌تر در

لایه‌ی ازن

مترجم: امید فراچولولو*

در دسامبر ۱۹۹۸، صلح سبز علیه کمیت هماهنگی المپیک (OCA) به خاطر نصب یک سیستم تهویه هوای مخرب لایه‌ی ازن در ساختمان اصلی گنبدی شکل بازی‌های المپیک شکایت کرد: کمیت فوق قبلاً متعهد شده بود که از ضوابط زیست‌محیطی پیروی خواهد کرد.

وکالی صلح سبز در دادگاه فدرال استرالیا علیه OCA تشکیل پرونده دادند و ادعا کردند که این کمیت مردم را در مورد خنک‌کننده‌های شیمیایی گمراه کرده است. OCA اعلام کرده بود که به هیچ وجه اجازه‌ی استفاده از مواد شیمیایی مخرب لایه‌ی ازن را در محل برگزاری بازی‌های المپیک نخواهد داد و چندین بار ادعا کرده بود که مطابق ضوابط زیست‌محیطی عمل می‌کند. صلح سبز به دنبال حکمی بود تا مانع از ادامه طرح چنین ادعاهای گمراه‌کننده‌ای از سوی OCA شود.

ضوابط زیست‌محیطی به طور آشکار بیان می‌دارند که «شهرهای میزبان بازی‌های المپیک باید

خود را ملزم به استفاده از مواد خنک‌کننده و فرآیندهای عاری از CFC، HFC و HCFC کنند. سیستم تهویه هوای پیشنهادی برای ساختمان اصلی گنبدی شکل المپیک حاوی ۱۳۳ HCFC بود. یعنی یک ماده‌ی شیمیایی مخرب لایه‌ی ازن که طبق پروتکل مونترال در مورد مواد مخرب این لایه، باید به تدریج از بازار مصرف خارج شود. HCFC۱۳۳ تأثیر کوتاه مدت شدیدی بر کاهش لایه فوق دارد.

یان هیگنیز (Ian Higgins)، مدیر اجرایی صلح سبز استرالیا گفته بود: «صلح سبز تلاش می‌کند تا OCA این مسئله را بپذیرد و علی‌رغم قول‌هایی که به مردم داده مبنی بر اینکه سیدنی بازی‌های المپیک سبز (دوستدار محیط‌زیست) را برگزار خواهد کرد، ولی این امر را رعایت ننموده است. به نمایش گذاشتن این چنین سیستم تهویه مضر در بازی‌های المپیک ۲۰۰۰، این پیام را خواهد داشت که این فن‌آوری برای آینده مورد

قبول و مطلوب است - در صورتی که چنین نیست. تکنولوژی‌های مربوط به مواد خنک‌کننده که برای محیط‌زیست بدون ضرر هستند، در دسترس می‌باشند و اکنون OCA باید بپذیرد که از آنها استفاده کند.

گزینش‌های بدون ضرر

صلح سبز اطلاعات فراوانی در مورد خسارات وارده به لایه‌ی ازن ناشی از HCFCها در اختیار OCA قرار داده و نمونه‌هایی از سیستم‌های خنک‌کننده‌ی امین از نظر زیست‌محیطی در مکان‌های دیگر برگزارای المپیک‌های را ارائه کرده بود. علی‌رغم قول تجدید نظری که از جانب OCA مطرح شده بود، هیچ نشانه‌ای از توقف به‌کارگیری HCFCها در ساختمان اصلی گنبدی شکل، مشاهده نشد. (تا بهار سال ۲۰۰۰)

شعبه‌ی استرالیایی شرکت گازهای خنک‌کننده‌ی SABROE سوئیس اعلام کرده

که می‌تواند سیستم تهویه هوای امین و مناسبی، با بکارگیری سیستم‌های محلول آمونیاک که برای لایه‌ی ازن بی‌ضرر هستند، برای ساختمان اصلی تعبیه کند. SABROE سیستم تهویه هوای مشابهی را برای فرودگاه جدید هنگ‌کنگ که در اواخر سال گذشته افتتاح شد، تهیه کرده است.

سیستم‌های تهویه‌ای که از خنک‌کننده بی‌ضرر طبیعی دوستدار لایه‌ی ازن استفاده می‌کنند، در برخی از مکان‌های عمومی بزرگ دنیا نظیر فرودگاه بین‌المللی اسلو و مرکز تجاری هانوو، به کار رفته‌اند. شهر سالت‌لیک که میزبان المپیک زمستانی سال ۲۰۰۰ بود، اعلام کرد که برای ساخت یخ، برف مصنوعی و نیز تهویه در محل برگزاری بازی‌ها از سیستم‌های خنک‌کننده محلول آمونیاک استفاده می‌کند. یورک اینترنشنال که کمپانی مسئول این پروژه بود با متولان برگزاری المپیک در آتلانتا، پارسلون، لیلی‌همر و آلبرت ویل همکاری کرده است.

برخی از اماکن بین‌المللی که از خنک‌کننده‌های طبیعی بی‌ضرر برای لایه‌ی ازن استفاده می‌کنند، عبارتند از:

- مرکز تجاری هانوو: چیلر ۱۵ مگاواتی تهویه هوای محلول آمونیاک در یک سیستم خنک‌کننده‌ی فرعی.

- فرودگاه بین‌المللی هنگ‌کنگ: واحدهای تهویه هوای آمونیاکی ۹۰۰ کیلوواتی.

- مرکز تجاری لایزیک: چیلر ۱۵ مگاواتی آمونیاکی که ۶۰۰ کیلو آمونیاک را در سیستم‌های خنک‌کننده‌ی فرعی مصرف می‌کند.

اعلام خطر ازن

در حالی که صلح سبز تلاش می‌کرد تا طرح OCA را مبنی بر قرار دادن HCFCهای مخرب لایه‌ی ازن در ساختمان گنبدی شکل بازی‌های المپیک متوقف کند، اطلاعات جدید علمی نیاز فوری به تغییر خنک‌کننده‌ها به مواد بی‌ضرر برای لایه‌ی ازن را بیشتر مشخص می‌کنند.

حفره‌ی لایه‌ی ازن: در دسامبر ۱۹۹۸، سازمان هواشناسی جهانی گزارش داد که بزرگ‌ترین حفره‌ی لایه‌ی ازن بر روی همیسفر جنوبی، بین ماه‌های سپتامبر و نوامبر، تشکیل شده است. ظرف مدت ۲۰ روز این حفره ۲۶ میلیون کیلومتر مربع گسترش یافت، یعنی مساحتی ۳ برابر استرالیا. به طور کلی کاهش لایه‌ی ازن نسبت به فصل پیش ۲۵٪ افزایش یافته بود. در سیدنی میزان اشعه‌های خورشیدی به دلیل کاهش لایه‌ی ازن، تا ۷٪ افزایش یافته بود.

دماهای ثبت شده: در دسامبر ۱۹۹۸، دانشمندان

گزارش کردند که دهه‌ی ۱۹۹۰ گرم‌ترین دهه‌ی ثبت شده بوده است که گرم شدن زمین اولین دلیل آن است. در ۱۹۹۸ در جهان، سیلاب‌های ویرانگر را در استرالیا، چین، کره، بنگلادش، امریکای جنوبی و ایالات متحد امریکا، آتش‌سوزی‌های عظیمی را در جنگل‌های اندونزی، کانادا و برزیل، موج گرمای کشنده و خشکسالی را در نگراس و توفان‌های یخ ویرانگر را در کیک شاهد بوده است.

ارتباطات جدید: دانشمندان اخیراً از ارتباط بین گرم شدن زمین و کاهش لایه‌ی ازن که در ابتدا تصور می‌شد اثرات جداگانه‌ای دارند، گزارش داده‌اند. حداقل ۲۰ سال تأخیر در شروع ترمیم لایه‌ی ازن از سال ۲۰۰۰ به ۲۰۲۰، به سبب تأثیرات زیاد گرم شدن زمین بر روی کاهش لایه‌ی ازن، پیش‌بینی شده است.

مشکل المپیک: در سال ۱۹۹۳، مسئولین المپیک سیدنی پذیرفتند تا از فرصت میزبانی بازی‌های ۲۰۰۰ استفاده کنند و راه‌حل‌های زیست‌محیطی را برای آینده در معرض دید عموم قرار دهند. با آنچه که ما در مورد ازن بین رفتن لایه‌ی ازن، افزایش تغییرات آب و هوا و اثرات آنها بر مردم و محیط‌زیست طبیعی خود می‌دانیم، دیگر جای برای استفاده از HCFCها در المپیک سال ۲۰۰۰ نمی‌ماند.

به جای HCFCها، HCFها امروزه مواد جایگزین بی‌خطر برای لایه‌ی ازن و آب و هوا در تمام بخش‌ها از جمله خنک‌کننده‌ها و تهویه‌های خانگی و تجاری، تهویه ماشین و مدارهای الکتریکی تصفیه هوا در دسترس است. فشار عمومی بر صنایع وجود دارد تا فن‌آوری را که ما برای آینده بدان نیازمندیم، پدید آورند.

صلح سبز در سیدنی با مشکل دستگاه‌های تهویه‌ی آلاینده و دمای زیاد هوا در تابستان مواجه بود. مردم نه می‌توانستند دستگاه‌های تهویه هوای غیرآلاینده اجاره کنند و نه قادر بودند کسی را بیابند تا گاز کولرهای‌شان را با هیدروکلروکربن‌های غیرآلاینده تعویض کند. شرکت Active Rental با پیشنهاد متخصص دستگاه‌های تهویه هوا، پل مک‌گرگور، برای تعویض گاز کولرهای که از آنان اجاره کرده بودند، موافقت کرد. این تغییر اکنون برای شرکت Active Rental مبدل به گشایش بازار جدیدی برای دستگاه‌های تهویه هوای بدون ضرر شده است.

صلح سبز بریتانیا در دسامبر اعلام کرد که برای اولین بار در تاریخ ۲۷ ساله‌ی این سازمان، تأییدیه‌ی خود را به سری جدید یخچال‌های «کیوتو» کمپانی آیلند اهدا کرده است. کیوتو اولین یخچال برای فروش در بریتانیا خواهد بود که از تکنولوژی «سرد

کننده‌ی سبز» که توسط صلح سبز در جهان گسترش یافته است استفاده می‌کند. سری «سردکننده سبز» آیلند با گاز هیدروکلروکربن ایزوبوتان که با نام R600A شناخته می‌شود و ترکیبی از بوتان و پروپان است کار می‌کند. این یک گاز طبیعی است که باعث کاهش لایه‌ی ازن و یا تغییرات آب و هوایی نخواهد شد.

سینزبری (Sinsbury)، فروشنده مواد غذایی در بریتانیا اخیراً طرح‌هایی را برای استفاده از هیدروکلروکربن‌های دوستدار لایه‌ی ازن و نیز طرح ساختاری برای استفاده مؤثر از انرژی در فروشگاه قرن آینده خود معرفی کرده است. همانند طرح زیست‌محیطی به کار گرفته شده در دهکده قهرمان المپیک سیدنی در نیواینگتون، شرکت سینزبری نیز به وسیله بازیابی حرارت و عایق‌بندی طبیعی تا ۵۰٪ از انرژی مورد نیاز برای سیستم‌های تهویه خواهد کاست.

HCFC، ماده‌ای است که با نابود کردن ازن در اتمسفر، برای بهداشت عمومی و محیط‌زیست مضر است.

نابودی لایه‌ی ازن می‌تواند منجر به از بین رفتن حفاظت طبیعت در برابر اشعه‌ی ماوراءبنفش شود که از بین رفتن حفاظ در برابر نور خورشید می‌تواند افزایش سرطان‌های پوست و آب مروارید را در پی داشته باشد.

لایه‌ی ازن

کاهش لایه‌ی ازن به سبب خروج مواد شیمیایی صنعتی رایج در هوا از قبیل کلروفلوروکربن‌های هالوژنه (HCFC) و هیدروکلروفلوروکربن‌ها (HCFها) است که به عنوان خنک‌کننده‌های اصلی به کار می‌روند.

گرم شدن کره‌ی زمین نتیجه‌ی انتشار گازهای گلخانه‌ای اصلی، مانند دی‌اکسیدکربن، متان، اکسیدنیترژن و سواد شیمیایی مانند هیدروکلروکربن‌ها (HCFCها)، پرفلوروکربن‌ها (PFC) و هگزا فلورید گوگردها (SF_۶) در هواست.

پروتکل مونترال در ۱۹۸۷، برای خارج کردن تدریجی مواد مخرب لایه‌ی ازن از بازار جهانی ایجاد شد. از آن به بعد مصرف سالانه‌ی HCFC در کشورهای صنعتی ۸۵٪ کاهش یافت.

پروتکل کیوتو در ۱۹۹۷ با هدف کاهش گسیل گازهای گلخانه‌ای در سراسر جهان به امضا رسید.

*منبع اینترنت
Greenpeace Australia
Greenpeace Olympic Report

بی‌رنگ شدن مرجان‌ها؛ ابتدا جلبک همزیست می‌میرد

مترجم: ویدا باقریان*

بر اساس تحقیقات محققان دانشکده‌ی جورجیا، گرمایی که سبب زیان رساندن به فرآیند فتوسنتز در جلبک همزیست با مرجان می‌شود، ممکن است یکی از دلایل اصلی بی‌رنگ شدن مرجان‌ها باشد. مطالعات اخیر مؤید این است که گرم شدن تدریجی اقیانوس‌ها یکی از علل اصلی بی‌رنگ شدن مرجان‌هاست. بر طبق این مطالعات، دمای بالا لزوماً به طور مستقیم باعث تخریب ساختمان صخره‌های مرجان‌ها نمی‌شود اما در عوض قابلیت تبدیل نور به انرژی در جلبک همزیست را - که بقای میزبانش به آن بستگی دارد - کاهش می‌دهد.

جلبک‌های همزیست عامل رنگ و تغذیه مرجان‌ها هستند. بدون آنها صخره‌ها برای مدت کوتاهی توانایی زیست دارند، اما اگر فقدان آنها به طول بینجامد، صخره‌های مرجانی بکلی از بین خواهند رفت. صخره‌های مرجانی به دلیل فراهم کردن رستگاه (مسکن طبیعی) برای ۲۵ درصد از گونه‌های دریایی و محافظت نواحی ساحلی از خسارت طوفان، به عنوان یکی از مهم‌ترین اکوسیستم‌های زمین شناخته شده‌اند.

دکتر مارک وارنر، محقق رشته‌ی گیاهشناسی و اکولوژی در دانشگاه جورجیا می‌گوید: «بی‌رنگ شدن مرجان‌ها در محدوده‌ی جهانی به این اعتقاد که بالا رفتن حرارت در آب دریا علت مستقیم این مشکل است، مفهوم می‌بخشد.»

محققان با کمک روشی خاص (amplitude modulation fluorometry) که در برابر روش‌های دیگر اندازه‌گیری فعالیت متابولیک پیشرفت زیادی کرده است، قابلیت نوری را که جلبک همزیست از آن استفاده می‌کند، تعیین می‌کنند. طی تابستان ۱۹۹۷، دمای آب دریا در فلوریدا طی چند هفته بالای حد نرمال باقی ماند. گروه تحقیق گونه‌های صخره‌های مرجانی این نواحی، (Montastrea Montastrea franksi و faveolata) در یک تا ۱۷ متری نمونه‌برداری کردند. سپس از روش PAM fluorometry برای کشف این نکته استفاده شد که آیا در فتوسنتز II جلبک همزیست، خسارت جدی به وجود آمده است یا نه؟

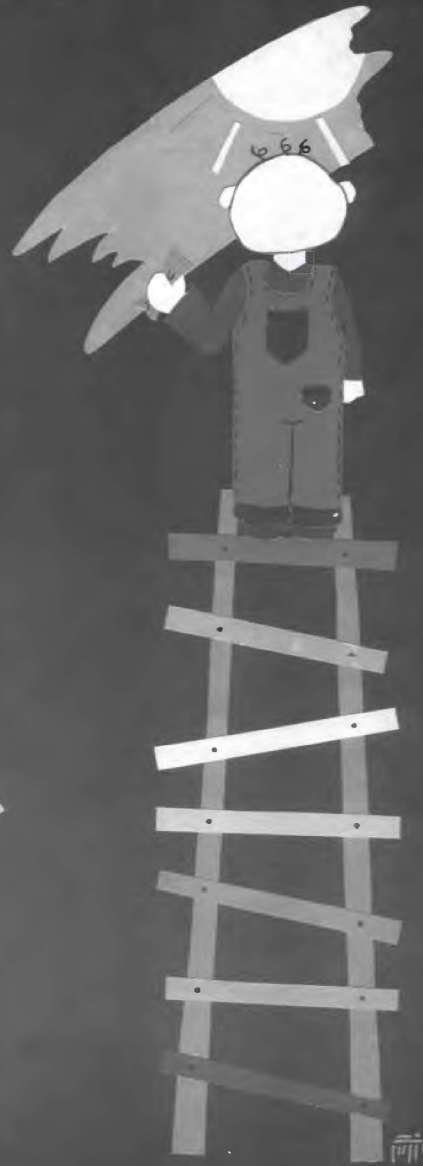
*منبع: اینترنت



برنامه آگاهسازی زیست محیطی شهروندان

ناحیه ۴ منطقه هفت

۱۳۸۳ - ۱۳۷۹



منمنقه ۷

مرکز مشارکت‌های زیست محیطی شهرداری منطقه هشت

لدرد.

بدرد! (چنین گوید بامداد شاعر):

رقصان می گذرم از آستانه‌ی اجبار

شادمانه و شاکر.

از بیرون به درون آمدم:

از منظر

به نظاره به ناظر...

نه به هیات گیاهی نه به هیات پروانه‌ئی نه به هیات سنگی نه به هیات برکه‌ئی، -

من به هیات 'ما' زاده شدم

به هیات پُر شکوه انسان

تا در بهار گیاه به تماشا ی زنگین کمان پروانه بنشینم

غروب کوه را در یابم و هیبت دریا را بشنوم

تا شرطی به خود را بشناسم و جهان را به قدر همت و فرصت خویش معنا دهم

که کارستانی از این دست

از توان درخت و پرنده و صخره و آبشار

بیرون است

انسان زاده شدن تجسد وظیفه بود:

توان دوست داشتن و دوست داشته شدن

توان شفتن

توان دیدن و گفتن

توان انبساط و شادمان شدن

توان خندیدن به وسعت دل، توان گریستن از سُویدای جان

توان گردن به غرور برافراشتن در ارتفاع شکوه‌ناک فروتنی

توان جلیلی به دوش بردن بار امانت

و توان غمناک تحمل تنهایی

تنهایی

تنهایی

تنهایی ی عریان.

انسان

دشواری ی وظیفه است.



دوم مرداد تابستانی که گذشت روز رهایی شاعر از چنگ روزگار گزنده‌ای بود که جسم و جان او را بی‌اندازه‌تر از حد توان هر انسان دیگری آزرده بود. شاعری که به اعتقاد بسیاری پس از حافظ بزرگ کسی چون او کلام را به اوج کمال خود در شکل و محتوا نرسانده بود و مانند او نقاب از رخ اندیشه نگشوده بود. صلح سبز مرگ شاعر را به تمام کسانی که سال‌هاست بر چکاده‌های دور و برنی و بر فراز 'کوه‌هایی که با هم‌اند و تنها' در میان بادها و طوفان‌ها سروده‌ای سبز او را همچون کهن‌ترین آوازه‌های این سرزمین زمزمه کرده‌اند و فریاد کشیده‌اند و عمری با آن‌ها زیسته‌اند نسلیت می‌گوید.

شاید اگر ت توان شفتن بود

پژواک آواز فرود چکیدن خود را در تالار خاموش کهنکشان‌های

بی‌خورشید -

چون هُزست آوارِ درین

می‌شیدی:

- کاش کی کاش کی

داوری داوری داوری

در کار در کار در کار...

کلاغ و کتانی

(یک خاطره)

اسماعیل عباسی

هنگام آتش‌افروزی بر روی بام‌ها مراقب کپاها^(۱) باشند و به مردم خسارت وارد نکنند. دل سپردن به حرف‌های معلم و کلاس تلاش برای فرار از یک دلواپسی بود که با دیدن صحنه گرفتاری کلاغ بیچاره بر فراز درخت تبریزی قلم را می‌شرد، دلم طاقت نیاورد و دوباره نگاهم به سوی درخت دوید. حس کردم که حرکات پرنده کندتر شده است. در همین لحظه، زنگ پیاله‌ای به صدا درآمد بچه‌ها از شوق چهارشنبه سوری سراسیمه، از کلاس گریختند.

نمی‌دانم لحظه‌ها چگونه گذشت اما دیدم پای درخت تبریزی هستم. هنوز برف روی زمین بود کتم و کفش‌هایم را در آرودم تا سبک‌تر شوم در آن لحظه به هیچ چیز جز نجات پرنده نمی‌اندیشیدم. با سرعت از درخت بالا رفتم برای امثال من در آن دوره سنی و زندگی در روستا، بالاترین از درخت کار بسیار آسانی بود و در تابستان و پاییز صداها بار این کار را انجام می‌دادیم. یک حس درونی وادارم می‌کرد که به پایین نگاه نکنم. هوا در آن بالا بسیار سرد بود، اما شور و هیجان من و تقلا برای بالاترین از درخت مانع از آن بود که سوز سرما را حس کنم. خودم را به بالای درخت رساندم پرنده تقریباً حرکتی نمی‌کرد دلم هری ریخت: نکند مرده باشد! شاخه نازک تحمل وزن کلاغ را نداشت و به نرمی خم و راست می‌شد. شاخه را به آرامی جلو کشیدم سرکلاغ درست در انتهای دو شاخه باریک گیر کرده بود یکی از شاخه‌ها را با شدت به سوی خودم کشیدم شاخه شکست اما انتهای قطع شده آن در کف دست چپم اندکی فرو رفت. خون جاری شد. اما شدت جراحت خیلی زیاد نبود. پشتم را به شاخه تومندی تکیه دادم و بیکر کلاغ را روی زانوهایم گذاشتم بلک‌هایم بسته بود. ناامیدی بی‌حاصلی تلاشی که به خرج داده بودم تنم را لرزاند. حالا سوز سرما را حس می‌کردم... اما تن کلاغ هنوز گرم بود و همین گرما، مانع از آن بود که بیکر پرنده را رها کنم و از درخت پایین بیایم. دوباره به کلاغ خیره شدم نه اشتباه نمی‌کردم باهایش را آرام تکان می‌داد. با دستهایم نکانش دادم چشم‌هایش را باز و بسته کرد دوباره گرما به تنم دوید زندگی با سرعت بیکر مدهوش پرنده را فرا می‌گرفت. هراسان سرش را به چپ و راست چرخاند و نگاه هراسانش را به من دوخت، پرنده را روی زانوهایم نشاندم غبراق ایستاد و بالای تکان داد اما قدرت پرواز نداشت. فکر کردم اگر پرنده را به خانه ببرم و تنش را با گرمای کرسی آشتانم رفق بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند به پرواز درآید اما ناگهان و پیش از آنکه به خود بیایم، کلاغ به پرواز درآمده بود و در ژرفای آسمان که حالا در تنگ غروب، زیبایی خیره‌کننده‌ای داشت، راه می‌سپرد و هر لحظه کوچک‌تر می‌شد. لفظای بعد پرنده بر فراز 'آروند'^(۲) نقطه‌ای بیش نبود و آن نقطه هم در افق ناپدید شد!... وجودم را احساس شیرین رضایت پر کرده بود

شاید در هر روز، ده‌ها پرنده بر اثر حوادث مختلف می‌مردند اما من نمی‌توانستم شاهد جان‌کندن یک پرنده باشم در حالی که می‌توانستم به آن کمک کنم وقتی به خود آمدم، همه‌های به گوشم رسید برای نخستین بار به پایین نگاه کردم. جمعیتی در پای درخت و در حیاط مدرسه گرد آمده بودند و با سرصدا از من می‌خواستند از درخت پایین بیایم. جابجا شدم و سراسیمه به پایین سریدم. اولین نفر مدیر مدرسه بود که با تحکم می‌گفت: رفتی اون بالا چه غلطی کنی؟

مدرسه ما در گلوگاه دهکده و در عمارت خشت و گلی بسیار زیبایی قرار داشت. این ساختمان شبیه هشت دری‌های قدیمی بود. اتاق مدیر مدرسه و کلاس در ضلع شمال‌غربی محوطه مدرسه و به شکل حرف 'L' انگلیسی کنار هم قرار داشتند و در ضلع جنوب‌شرقی محوطه را یک دیوار بلند احاطه کرده بود. یک نهر آب دائمی از زیر دروازه چوبی مدرسه و محل تقارن ضلع شمال‌شرقی وارد حیاط می‌شد و در پای دیوار جاری بود و در متناهی ساختمان مدرسه در محل تقاطع ضلع غربی و جنوبی پس از عبور از یک باغ قدیمی، به یکی از محله‌های قدیمی ده راه می‌یافت. دورتا دور حیاط را درختان بلند تبریزی پوشانده بود. ما در چنین فضایی درس می‌خواندیم و دست کم درسه فصل سال شاهد زرد شدن برگ‌ها، نشستن برف سنگین بر شاخه‌ها و برآمدن جوانه‌های سبز برگ بر فراز تبریزی‌ها بودیم و همیشه بر این باور بودیم وقتی برگ تبریزیها به اندازه سکه دوزاری (۲ ریالی) شد، مدرسه تعطیل می‌شود که درست با اواخر خرداد تقارن داشت. باید اضافه کنم که مجموعه ساختمان و کلاس‌های مدرسه در سطح بلندتری نسبت به حیاط قرار داشتند و یک پیش‌ایوانی زیبا و سراسری با ستون‌های ردیف چوبی حد فاصل کلاس‌ها و حیاط قرار داشت و رفت و آمد از حیاط به دفتر مدیر و کلاس‌ها با دو ردیف پله خاکی انجام می‌شد. پله‌ها در ابتدای ورودی به حیاط و همچنین در انتهای بر شمالی ساختمان قرار داشتند. از ویژگی‌های این بنای قدیمی آن بود که آفتاب در تمام سال تحصیلی به داخل کلاس‌ها می‌تابید، اما این تابش آزاردهنده نبود. یکی از سرگرمی‌های ما این بود که از روی نقش نارنجی رنگی که بر تن خورشید پس از عبور از شیشه در ورودی در کف خاکی کلاس موجود می‌آورد، می‌توانستیم حدس بزنیم چقدر به پایان کلاس و زنگ آخر مانده است. زنگ مدرسه هم عبارت بود از یک پیاله مسی که بر فراز یکی از ستون‌های منتهای آویزان بود و یک مغفول آهنی به صورت آزاد در وسط آن قرار داشت و فراش مدرسه با به صدا در آوردن این پیاله مسی بر طنین، زمان زنگ تفریح و یا مرخص شدن را اعلام می‌کرد با این مقدمه می‌روم به سراغ واقعه اصلی که درست در شب چهارشنبه سوری اتفاق افتاده و یک کلاغ از نقش آفرینان اصلی آن بود.

پرتو پرنده رنگ و کم رفق آفتاب اسفندماه به صورت لکه‌ای روشن در کف خاکی کلاس به چشم می‌آمد که آرام آرام پس می‌نشست و زمان زنگ پایانی مدرسه نزدیک بود. نگاه من ناخواسته رشته نوری را که از شیشه به درون می‌تابید پی گرفت و تا اوج درختان تبریزی که هنوز عریان و در خواب زمستانی بودند، دوید.

شاید در هر روز، ده‌ها پرنده بر اثر حوادث مختلف می‌مردند اما من نمی‌توانستم شاهد جان‌کندن یک پرنده باشم در حالی که می‌توانستم به آن کمک کنم وقتی به خود آمدم، همه‌های به گوشم رسید برای نخستین بار به پایین نگاه کردم. جمعیتی در پای درخت و در حیاط مدرسه گرد آمده بودند و با سرصدا از من می‌خواستند از درخت پایین بیایم. جابجا شدم و سراسیمه به پایین سریدم. اولین نفر مدیر مدرسه بود که با تحکم می‌گفت: رفتی اون بالا چه غلطی کنی؟

پدرم گامی به جلو گذاشت و یک سیلی نارام کرد هر چه سعی کردم واقعه را آنچنان که اتفاق افتاده تعریف کنم بیشتر مورد عتاب و بازخواست قرار می‌گرفتم. مادرم با چشمان اشکبار، دستهایش را به سوی آسمان گرفته بود و مدام برای من دعا می‌کرد او و بسیاری دیگر بر این باور بودند که به اصطلاح مضرئی شده‌ام و به زبان ساده‌تر، به سرم زده است! حتی معلم ما که می‌دانست من دروغ نمی‌گویم با نگاهی از ترحم به حرفهایم گوش می‌سپرد و سرش را تکان می‌داد. در کوچها بخصوص در عید دیدنی‌ها، سعی می‌کردم خودم را از انتظار پنهان کنم. نگاه‌های ترحم‌آمیز مردم روی من که از زرتنگ‌ترین دانش آموزان بودم سنگینی می‌کرد. روزها گذشت و این واقعه اندک اندک به فراموشی سپرده می‌شد. اما زخم آن در وجود من باقی بود همین عده‌ای فکر می‌کردند که در آن شامگاه چهارشنبه سوری عقلم را از دست داده و توی آن سوز و سرما از درخت بالا رفته بودم! تا بالاخره، در خردادماه، مردی که در آن شامگاه زستانی بر فراز کپا و روی بام خانه‌اش، نی‌ها^۱ را جابجا می‌کرد و تنها شاهد واقعه بود، در یک مجلس عمومی از پدرم سراغ مرا گرفته بود و جسارت‌تم را تحسین کرده بود. او کلاغ را دیده بود، هم در لحظه‌های اسارت و هم زمانی که به پرواز در آمده بود. من وقتی از این گفت‌وگوها و بیان واقعه توسط این مرد شاهد، با اطلاع شدم که پدرم با چشمان اشکبار روبروی من نشسته بود و

۱) کپا: پشته‌ی علفی‌ای دام که برای زمستان بر روی بام‌ها ذخیره می‌کنند.
 ۲) وروند: تپه‌ای در جوار روستای شهرک که امروز مرکز شهر طالقان است.
 ۳) نی: گونه‌ای گیاه که بر روی پشته‌ی علف‌ها قرار می‌دهند تا مانع از نفوذ باران و برف به داخل پشته شود.

اینترنت کاسپین نت



کارپار ارقام
Carrier Digit

تلفن: ۸۷۴۴۹۹۶-۸۷۴۴۹۹۵
 تلفنکس: ۸۷۴۴۳۰۸
 آدرس: خیابان شهید بهشتی، بعد از میرصادق، ساختمان کاسپین، طبقه ۵، واحد ۵۰۲

اینترنت کاسپین نت

۱۰۰ ساعت برای یک ماه ۲۵۰/۰۰۰ ریال
 ۳۰ ساعت برای سه ماه ۱۵۰/۰۰۰ ریال
 ۱۵ ساعت برای دو ماه ۱۰۰/۰۰۰ ریال
 ۱۰ ساعت برای یک ماه ۷۰/۰۰۰ ریال

کارت تلفنی به ۲۵ کشور دنیا ۴۰۰ دقیقه برای دو ماه ۲۰۰/۰۰۰ ریال
 کارت تلفنی به ۱۸ کشور دنیا ۱۲۵ دقیقه برای یک ماه ۱۴/۰۰۰ ریال

فاجعه در راه است

و اگر آب نباشد، زندگی می‌شکند ...

۵۰٪ صرفه‌جویی در مصرف آب

سردوش محک

- ریزش آب با قطر کهای بسیار کوچک و پرشتاب
- مطابق با استانداردهای بین‌المللی
- ضد زنگ
- قابل رسوب‌زدایی

قابل تهیه در فروشگاه‌های لوازم بهداشتی و دفتر جبهه سبز ایران
 شما نیز می‌توانید از بروز فاجعه جلوگیری کنید

گزارش فعالیت‌های تابستان و پاییز ۱۳۷۹

جبهه سبز ایران

دکتر سیامک معطری

مدیر عامل جبهه سبز ایران

تابستان و پاییز سال جاری با بررسی وضع موجود جبهه سبز و تأمل در فعالیت‌های انجام شده و نگاهی به چشم انداز آینده گذشت. در این مدت مشکل مالی همچنان وجود داشت و پرسش‌های بیشماری از سوی اعضاء و مخاطبین درخصوص روند آینده مطرح می‌شد. در این میان جبهه سبز به نقد عملکرد خود برگراری کارگاه‌های مربوط به مشکلات و راه حل‌های روابط عمومی همچنین کارگاه بررسی محتوای گاهنامه، تشکیل شورای هماهنگی گروه‌های کاری و بررسی نقاط ضعف و قوت تعدادی از این گروهها، از جمله اقدامات بود، همچنین مدیران مسئول در جبهه سبز با برگزاری نشست‌های متعدد به نقد عملکرد مجموعه پرداختند، راهکارهای تأمین منابع انسانی و مالی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت این نتیجه به دست آمد که اقدام جهت تهیه برنامه دو سالانه جبهه سبز که در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به اجرا درخواهد آمد، در نتیجه رویکردهای سال ۱۳۷۹ و پروژه عملکرد مجموعه در تابستان و پاییز این سال است.

در این مدت جبهه سبز بیانه‌هایی با عنوان حفظ زیستگاه، حفظ تنوع زیستی و همچنین تغییر الگوی مصرف را منتشر نمود، همچنین تلاش شد تا این مجموعه حضوری فعال در همایش‌ها و گردهمایی‌های سایر سازمان‌های غیر دولتی و دولتی مرتبط داشته باشد. تعدادی گلگشت آموزشی با ظرفیت محدود به اجرا درآمد. برای نخستین بار رویکردی جدید به نام برنامه پاکسازی کوهستان در یک مسه ماه ارائه شد. در این رویکرد توجه از معلول (زیاله) به یکی از علل اصلی آلودگی محیط کوهستان یعنی قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌های مسیرهای کوهنوردی معطوف شد و مدل جدید مبارزه الکترونیکی صلح سبز که در برخورد با مشکلات زیست محیطی، هزاران نامه الکترونیکی به نشانی مسئولان مربوط به مشکل ارسال می‌شود، بومی شد، بدین معنا که در روز جمعه یکم مهر ماه، جبهه سبز به عملیات پاکسازی کوه نپرداخت بلکه ۴۰۰۰ عدد نامه تهیه کرد و پس از امضا توسط مردم به وسیله کوهنوردان علاقه‌مند به دست قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌های مسیرهای کوهنوردی رسانده شد در واقع هر قهوه خانه و رستوران حدود ۳۰ تا ۶۰ نامه دریافت کرد و بدین ترتیب فصل جدیدی در برخورد با مشکلات محیط کوهستان گشوده شد. از طرفی حدود ۱۲ متر امضا در سه طومار جداگانه جمع آوری گردید و هم اکنون جبهه سبز سرگرم مذاکره با مسئولان مربوطه جهت استفاده از رویکرد هم گردانی در حل مشکلات زیست محیطی است.

همایش سالانه با حضور گروه کر جبهه سبز رنگ و لمایی جدید گرفت ولی محتوای همایش و چگونگی ارائه مطالب همچنان از استانداردهای لایق این مجموعه فاصله زیادی داشت اگر چه در این همایش گزارش مسیوطی از گروههای کاری ارائه شد و ابزارهای نوینی همچون پی سی پروجکشن به گردهمایی وارد شد ولی نقاط ضعف بسیار زیاد برنامه، برگزار کنندگان را آزار می‌داد.

جبهه سبز در پاییز اسامال به عضویت چندین کمیته برنامه‌ریزی درآمد: کارگاه زیرمنطقه‌ای برای شناسایی راهکارها و شیوه‌های کاربردی نقش و مشارکت فعالانه زنان در برنامه عمل ملی کنوانسیون بیابان‌زدایی به دعوت ریاست سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، کارگاه امنیت غذایی گروه D به دعوت ریاست مؤسسه تحقیقات و آفات نباتی، جلسات مربوط به تدوین برنامه اقدام ملی بیابان‌زدایی، همچنین نشست‌های مشاورتی با سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و خدمات شهری شهرداری تهران از جمله این موارد است.

در آذرماه سال‌جاری یک هیئت سه نفره از جبهه سبز ایران به دعوت شعبه پاکستان صندوق جهانی برای طبیعت (WWF) از پاکستان دیدن نمودند. در این دیدار تجربه بسیار ارزشمند یک سازمان غیردولتی با بیش از سه دهه فعالیت در پاکستان به جبهه سبز منتقل شد، همچنین یادداشت تفاهمی برای یک همکاری سه ساله بین هر دو سازمان امضا و رد و بدل شد. در این مدت جبهه سبز تلاش نمود تا ارتباطی سازمان یافته و تعریف شده با مجلس شورای اسلامی برقرار کند و حاصل این ارتباط یافتن نقش مشاوره‌ای برای برخی طرح‌ها و لوایح پیشنهادی به مجلس است و در زمستان نیز ادامه خواهد داشت.

برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی از دیگر فعالیت‌های جبهه سبز در این مدت که با استقبال چندانی روبرو نشد. به نظر می‌رسد که نیاز به آموزش و آموختن و یافتن چرایی پدیده‌ها در این سازمان نهادینه نشده است، علی‌رغم تلاش اعضاء گروه گاهنامه؛ انتشار غیر مداوم این نشریه به خاطر مشکلات مالی باعث ارتباط گسسته و نامناسب سازمان با اعضاء گردید که نیاز به حل مشکلات مالی را دو چندان می‌نماید.

به هر حال جبهه سبز به حرکت دشوار خود ادامه می‌دهد و آرزوی ایرانی سبز، سالم و پویا را دارد. این مجموعه امیدوار است که همه آحاد ملت برای حفظ محیط زیست سرزمین تلاش نمایند.

برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی از دیگر فعالیت‌های جبهه سبز در این مدت که با استقبال چندانی روبرو نشد. به نظر می‌رسد که نیاز به آموزش و آموختن و یافتن چرایی پدیده‌ها در این سازمان نهادینه نشده است، علی‌رغم تلاش اعضاء گروه گاهنامه؛ انتشار غیر مداوم این نشریه به خاطر مشکلات مالی باعث ارتباط گسسته و نامناسب سازمان با اعضاء گردید که نیاز به حل مشکلات مالی را دو چندان می‌نماید.

به هر حال جبهه سبز به حرکت دشوار خود ادامه می‌دهد و آرزوی ایرانی سبز، سالم و پویا را دارد. این مجموعه امیدوار است که همه آحاد ملت برای حفظ محیط زیست سرزمین تلاش نمایند.

به هر حال جبهه سبز به حرکت دشوار خود ادامه می‌دهد و آرزوی ایرانی سبز، سالم و پویا را دارد. این مجموعه امیدوار است که همه آحاد ملت برای حفظ محیط زیست سرزمین تلاش نمایند.

به هر حال جبهه سبز به حرکت دشوار خود ادامه می‌دهد و آرزوی ایرانی سبز، سالم و پویا را دارد. این مجموعه امیدوار است که همه آحاد ملت برای حفظ محیط زیست سرزمین تلاش نمایند.

به هر حال جبهه سبز به حرکت دشوار خود ادامه می‌دهد و آرزوی ایرانی سبز، سالم و پویا را دارد. این مجموعه امیدوار است که همه آحاد ملت برای حفظ محیط زیست سرزمین تلاش نمایند.

به هر حال جبهه سبز به حرکت دشوار خود ادامه می‌دهد و آرزوی ایرانی سبز، سالم و پویا را دارد. این مجموعه امیدوار است که همه آحاد ملت برای حفظ محیط زیست سرزمین تلاش نمایند.



فعالیت دفتر مرکزی جبهه سبز ایران (صلح سبز) تابستان و پاییز سال ۱۳۷۹

ردیف	نوع فعالیت	تاریخ	شرح مختصر
۱	غرفه اولین نمایشگاه بین المللی محیط زیست در ایران	۵ الی ۷/۴/۷۹	دریافت لوح سوم فعالترین غرفه تشکیل های زیست محیطی
۲	انتشار بیانیه زیستگاه با عنوان "حفظ زیستگاه حفظ، تنوع زیستی"	۷/۴/۷۹	
۳	انتشار بیانیه شماره یک کمیته تغییر الگوی مصرف	۷/۴/۷۹	به خاطر اهمیت تغییر الگوی مصرف در حفظ منابع حیاتی
۴	همایش تجلیل از برگزیدگان زیست محیطی	۷/۴/۷۹	اهداء لوح سپاس به ۱۰ نفر از برگزیدگان زیست محیطی یکسال گذشته، جبهه سبز ایران همه ساله از برگزیدگان زیست محیطی در بین مدیران دولتی - نمایندگان رسانه ها و پژوهشگران تجلیل می کند
۵	گلگشت آموزشی فرزندان پرسنل شهرداری منطقه ۷ در خصوص تنوع زیستی (منطقه آهار)	۷/۴/۷۹	(۴۰ نفر) خانم مهندس آسفی، آقایان مهندس سلیمانی و کاشانی
۶	انتشار گاهنامه تیر ماه جبهه سبز ایران	تیر ماه	رابط جبهه سبز با اعضا
۷	انتشار گاهنامه تنوع زیستی	خرداد ماه	در خصوص انتشار مطالب تولیدی در بهار توسط گروه تنوع زیستی
۸	انتشار بروشور آموزش تنوع زیستی	خرداد ماه	
۹	انتشار گاهنامه الگوی مصرف (پیش شماره)	تیر ماه	
۱۰	گلگشت پاکسازی تنگه ساوانی	۷/۴/۷۹	۴۷ نفر
۱۱	کارگاه نیم روزه روابط عمومی	۷/۵/۷۹	ویژه آموزش ارتباطات انسانی در بین اعضای روابط عمومی جبهه سبز ایران
۱۲	برگزاری دوره آموزش اینترنت ویژه اعضای جبهه سبز ایران	۷/۵/۷۹	در مجموع شش جلسه توسط مهندس نظام الدین مولا وردیخانی
	آموزش صرفه جویی در مصرف آب ویژه گروه تغییر الگوی مصرف	۷/۵/۷۹	با حضور استاد پرویز کردوانی
۱۴	گلگشت پاکسازی آبخیز شاهانداشت	۷/۵/۷۹	
۱۵	بازدید دانش آموزان طرفدار محیط زیست از موزه باغ گیاه شناسی	۷/۸/۷۹	با همکاری موسسه تحقیقات جنگل و مرتع
۱۶	شرکت در جشنواره ندای زمین	۷/۵/۷۹	برگزار کننده اصلی سازمان غیر دولتی حامیان اندیشه سبز
۱۷	کارگاه روابط عمومی جبهه سبز	۷/۵/۷۹	برگزار کنندگان آقای شهریار رحمانی و آقای هادی کاشانی
۱۸	همکاری در تألیف اساسنامه خانه نهاد های مدنی	مرداد و شهریور	کنفدراسیون NGO های در حال تأسیس
۱۹	همایش الگوی مصرف بهینه آب	۷/۶/۷۹	در محل تالار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۲۰	غرفه جبهه سبز ایران در خیریه شهدای هفتم تیر	۷/۶/۷۹ و ۲۴	اجرا خانم الیکا فراهانی
۲۱	انتشار گاهنامه شهریور	شهریور	رابط جبهه سبز با اعضا
۲۲	برگزاری مراسم گرامیداشت روز جهانی پاکسازی کوهستان	۷/۸/۷۹	در محل دره های درکه، دربند و کلک چال، ارسال ۴۰۰۰ عدد نامه به واحدهای تجاری کوهستان و طومار ۱۲ متری
۲۳	نشست مشترک با آقای هسلینگ، مشاور GEF	۷/۸/۷۹	نشست مشورتی با جبهه سبز برای پروژه حفظ تالاب ها
۲۴	تهیه ۳۰ عنوان پروژه	مهر و آبان	جهت همکاری با دستگاه های دولتی
۲۵	نشست مشترک با دفتر مطالعات ایمنی وزارت کشور - مهندس جزایری	۷/۸/۷۹	در رابطه با همکاری گروه امداد طبیعت جبهه سبز با اداره کل مطالعات ایمنی و ستاد حوادث غیر مترقبه

۲۶	شرکت در همایش سازمان های غیر دولتی	۷/۸/۷۹	به ابتکار دفتر مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه و دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور
۲۷	شرکت در کارگاه منطقه ای امنیت غذایی گروه D	۷/۸/۷۹-۲۹	محل بابلسر آقایان محسن سلیمانی و شهریار رحمانی به عنوان نمایندگان جبهه سبز
۲۸	سخنرانی در نشست ماهانه فدراسیون کوهنوردی	۷/۸/۷۹	مشکلات عمده زیست محیطی - دکتر معطری
۲۹	شرکت در کارگاه NGO ها	۷/۸/۷۹	محل کلاک - سازمان جنگل ها و مراتع در رابطه با برنامه اقدام ملی بیابان زدایی
۳۰	گردهم آیی سالانه	۷/۸/۷۹	تالار هفتم تیر وزارت کشور - گرامیداشت یاد شادروان منصور عاصمی عضو هیات امناء جبهه سبز
۳۱	سخنرانی آقای جرج شلر و آقای دکتر کهرم	۷/۸/۷۹	این سخنرانی به طور غیر مترقبه در تاریخ ۸/۲۳ هماینگ شد و بنابراین تعدادی از گروه های کاری جبهه سبز ایران (۵۰ نفر) میهمان این سخنرانی بودند و در این برنامه تجربه گرانبهای آقای شلر در رابطه با نقش NGO ها در حفاظت از گونه ها مورد بحث قرار گرفت.
۳۲	سخنرانی در خصوص توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران	۷/۸/۷۹	توسط دکتر معطری - محل بنیاد فرهنگ و زندگی
۳۳	شرکت در همایش منطقه ای ورزش و محیط زیست و برپایی نمایشگاه	۷/۸/۷۹-۲۹	به ابتکار کمیسیون ورزش و محیط زیست کمیته ملی المپیک
۳۴	بازدید از WWF پاکستان	۷/۸/۷۹-۹	دکتر معطری، دکتر کهرم، آقای سلیمانی
۳۵	پروژه آگاه سازی شهروندان ناحیه ۴، منطقه ۷	از مرداد ماه ۷۹ تاکنون	با روش توانمندسازی مشارکتی



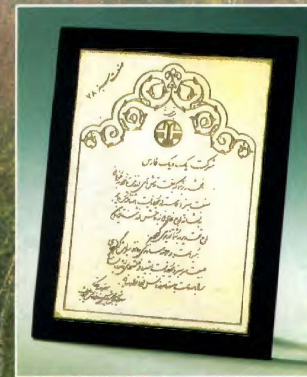


شرکت دشت مرغاب
(سهامی عام)

تنها دارنده عنوان

صنعت سبزی

در صنایع غذایی کشور



محمول درجه یک
از
مواد درجه یک

